هادی فرهنگدوست[1]

مدل‌سازی مفهومی کنش تمدنی جهان‌بینی‌های شرقی: مطالعه میان‌رشته‌ای و تطبیقی آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱
doi 10.22034/10.2.196

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین و مقایسه ماهیت سه‌گانه مفاهیم «آشا» (ایران باستان)، «یینگ ـ یانگ» (چین باستان) و «وابی‌سابی» (ژاپن)، به بررسی تطبیقی و میان‌رشته‌ای این جهان‌بینی‌های بنیادین می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش، فقدان مطالعات تطبیقی است که این سه مفهوم محوری را به‌طور همزمان از منظر زبان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی و فلسفی-کیهان‌شناختی مورد کاوش قرار دهد. پژوهش حاضر با اتخاذ روش تحقیق تطبیقی-تحلیلی و رویکرد کیفی «مورد محور»، بر آن است تا ریشه‌های زبانی، زمینه‌های اجتماعی و مبانی هستی‌شناختی این سه مفهوم را در متون بنیادین (اوستا، ای‌چینگ و متون ذن) و در بستر تحول تاریخی آن‌ها بکاود. پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های ماهوی ـ آشا به‌عنوان «نظم و حقیقت کیهانی»، یینگ ـ یانگ به‌مثابه «تعادل پویای اضداد» و وابی‌سابی در جایگاه «زیبایی‌شناسی ناپایداری و نقص» ـ هر سه مفهوم در پاسخ به مسئله بنیادین «رابطه انسان و کیهان» شکل گرفته‌اند. این مطالعه ضمن استخراج مشابهت‌ها و تفاوت‌های جهان‌بینی سه تمدن، چارچوبی نظری برای شناسایی «قرابت‌های تمدنی» شرق ارائه می‌دهد. در نهایت، نتایج این تحلیل میان‌رشته‌ای، به‌عنوان زیربنایی برای طراحی «روایت‌های فرهنگی مشترک» در حوزه گردشگری تمدنی میان ایران، چین و ژاپن پیشنهاد می‌شود. یافته‌های نهایی پژوهش، در قالب یک چارچوب تطبیقی و مجموعه‌ای از مدل‌های مفهومی کنش تمدنی صورت‌بندی می‌شوند که نشان می‌دهند چگونه هر یک از این جهان‌بینی‌ها، نسبت میان هستی‌شناسی، اخلاق و کنش انسانی را به شکلی متمایز سازمان می‌دهند. این مدل‌سازی تحلیلی و نوآورانه، امکان مقایسه نظام‌مند الگوهای کنش تمدنی در سه سنت فکری ایران، چین و ژاپن را فراهم کرده و پژوهش را از سطح تطبیق توصیفی به سطح تبیین مفهومی ارتقا می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود قرابت‌های ساختاری در نحوه نگرش این تمدن‌ها به مفاهیمی چون تعادل، اخلاق و پذیرش هستند. آشا بر «نظم» تأکید دارد، یینگ ـ یانگ بر «هماهنگی» و وابی‌سابی بر «پذیرش». در این چارچوب تحلیلی، آشا با تأکید بر نظم کیهانی و مسئولیت اخلاقی، کنش انسانی را در نسبت با حقیقت و راستی سامان می‌دهد؛ یینگ ـ یانگ کنش را به‌مثابه فرایندی پویا و رابطه‌مند میان اضداد در بستر تعادل هستی‌شناختی تفسیر می‌کند؛ و وابی‌سابی، با پذیرش ناپایداری و ناتمامی هستی، اخلاق و کنش انسانی را در افق زیستِ فروتنانه، حداقلی و موقعیت‌مند صورت‌بندی می‌نماید.

کلیدواژگان: جهان‌بینی شرقی، کیهان‌شناسی تطبیقی، نظم کیهانی، تعادل پویا، زیبایی‌شناسی ناپایداری

۱. کارشناس‌ارشد معماری اسلامی، گروه هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران: Orcid ID: 0000-0002-1828-4000
h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

Hadi Farhangdoust[1]

Conceptual Modelling of Civilisational Action within Eastern Worldviews: An Interdisciplinary and Comparative Study of *Asha, Yin-Yang, and Wabi-Sabi*

Received: 2025/12/08
Accepted: 2026/04/21

Abstract

This research aims to elucidate and compare the tripartite nature of the concepts of '*Asha*' (Ancient Iran), '*Yin-Yang*' (Ancient China), and '*Wabi-Sabi*' (Japan), undertaking an interdisciplinary and comparative examination of these fundamental worldviews. The primary problem addressed is the dearth of comparative studies simultaneously exploring these three pivotal concepts from linguistic, socio-cultural, and philosophical-cosmological perspectives. Adopting a comparative-analytical research methodology and a qualitative case-oriented approach, the present study investigates the linguistic roots, social contexts, and ontological foundations of these concepts within fundamental texts (the, the *I Ching*, and *Zen* literature) and across their historical evolution. The research demonstrates that despite substantive differences in their essence-with *Asha* defined as 'cosmic order and truth', *Yin-Yang* as the 'dynamic equilibrium of opposites', and *Wabi-Sabi* as the 'aesthetics of impermanence and imperfection'-all three concepts fundamentally crystallised in response to the essential question regarding the relationship between humanity and the cosmos. Whilst extracting the similarities and distinctions among the worldviews of these three civilisations, this study provides a theoretical framework for identifying Eastern 'civilisational affinities'. Ultimately, the results of this interdisciplinary analysis are proposed as a foundation for designing 'shared cultural narratives' within the sphere of civilisational tourism among Iran, China, and Japan. The final findings are formulated as a comparative framework and a set of conceptual models of civilisational action, illustrating how each worldview distinctively organises the relationship between ontology, ethics, and human action. This innovative analytical modelling facilitates the systematic comparison of civilisational action patterns across the intellectual traditions of Iran, China, and Japan, thereby elevating the research from descriptive comparison to conceptual elucidation. The findings indicate profound structural affinities in how these civilisations perceive concepts such as balance, ethics, and acceptance: *Asha* emphasises 'order', *Yin-Yang* highlights 'harmony', and *Wabi-Sabi* focuses on 'acceptance'. Within this analytical framework, *Asha*, emphasising cosmic order and moral responsibility, organises human action in relation to truth and righteousness; *Yin-Yang* interprets action as a dynamic and relational process between opposites within an ontological equilibrium; and *Wabi-Sabi*, by accepting the impermanence and incompleteness of existence, formulates ethics and human action within the horizon of a humble, minimalist, and situated existence.

Keywords: Eastern worldview; Comparative cosmology; Cosmic order; Dynamic equilibrium; Aesthetics of impermanence.

1. MA in Islamic Architecture, Department of Islamic Art and Architecture, Faculty of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

ارجاع به مقاله: فرهنگدوست، هـ. (۱۴۰۴). مدل‌سازی مفهومی کنش تمدنی جهان‌بینی‌های شرقی: مطالعه میان‌رشته‌ای و تطبیقی آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی. گلستان هنر، ۱۰(۲۹): ۱۴۷-۱۹۶.

How to Cite This Article: Farhangdoust, H. (2026). Conceptual Modelling of Civilisational Action within Eastern Worldviews: An Interdisciplinary and Comparative Study of *Asha, Yin-Yang, and Wabi-Sabi*. *Golestane Honar*. 10(29): 147-196.

مقدمه

تمدن‌های بشری در مواجهه با پرسش‌های بنیادین هستی، همواره در پی صورت‌بندی جهان‌بینی‌هایی بوده‌اند که قادر به تبیین جایگاه انسان در کیهان، ارائه الگویی برای کنش اخلاقی و تعریف معیارهایی برای زیبایی و معنا باشد (Lent, 2021; Sire, 2020). در این میان، تمدن‌های بزرگ شرق باستان (ایران، چین و ژاپن) هریک مفاهیمی محوری را پرورانده‌اند که نه‌تنها شالوده فلسفی آن تمدن را شکل داده، بلکه در تاروپود زبان، ساختارهای اجتماعی، هنر و زیست روزمره مردمان آن ریشه دوانده است. این پژوهش بر سه مفهوم بنیادین از سه محور تمدنی متمایز شرق تمرکز دارد[1]: «آشا» در جهان‌بینی ایران باستان زرتشتی (اکبری و داداشی, ۱۳۹۹)، «یینگ ـ یانگ» در فلسفه چینی (Lang & Liangzhi, 2024)، و «وابی‌سابی» در زیبایی‌شناسی و تفکر ژاپنی مبتنی بر ذن (Avdulov, 2022).

«آشا» در جهان‌بینی ایرانی، مفهومی محوری به معنای «حقیقت»، «نظم کیهانی» و «راستی» است که نه‌تنها قانونی فیزیکی حاکم بر جهان، بلکه معیاری اخلاقی برای کنش انسانی محسوب می‌شود. جهان بر مدار آشا می‌گردد و وظیفه انسان، همسویی با آن و مبارزه با «دروج» (دروغ، بی‌نظمی) است (Nolan, 2025). در سوی دیگر شرق، «یینگ ـ یانگ» در تفکر چینی، به‌ویژه در تائوئیسم، نماد تعادل پویای نیروهای متضاد اما مکمل (تاریکی و روشنایی، زنانگی و مردانگی، سکون و حرکت) است. این مفهوم، جهان را نه در تقابل خیر و شر، بلکه در هماهنگی دائمی این دو قطب تفسیر می‌کند (Cummins, 2021; Võ Văn , 2024). در نهایت، «وابی‌سابی» در ژاپن، جهان‌بینی‌ای زیبایی‌شناختی است که بر پذیرش «ناپایداری»، «نقص» و «سادگی» استوار است و زیبایی را در اصالت، فرسودگی طبیعی و عدم تقارن جستجو می‌کند (Suzuki, 2021; Siyi & Ayob, 2024).

با وجود آنکه هر یک از این مفاهیم به‌تنهایی موضوع پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه‌های تخصصی خود بوده‌اند، مسئله اصلی این پژوهش از یک شکاف پژوهشی بنیادین نشأت می‌گیرد: فقدان تحلیل تطبیقی و میان‌رشته‌ای که این سه مفهوم را به‌عنوان نمایندگان سه جهان‌بینی متمایز شرقی در کنار یکدیگر قرار دهد. پژوهش‌های موجود یا به بررسی‌های درون‌تمدنی (مثلاً تحلیل آشا در اوستا)، یا به مقایسه‌های دوتایی (مانند مقایسه یینگ ـ یانگ با فلسفه هراکلیتوس) و یا به بررسی‌های کلان تمدنی بدون تمرکز بر این مفاهیم خاص پرداخته‌اند. اهمیت این مقایسه سه‌جانبه در آن است که این سه مفهوم، صرفاً واژگانی فلسفی نیستند؛ آن‌ها «الگوهای ادراکی» هستند که نحوه نگرش این تمدن‌ها به «هستی»، «زمان»، «اخلاق» و «زیبایی» را کدگذاری کرده‌اند.

پرسش اینجاست که آیا این سه جهان‌بینی که در بسترهای جغرافیایی، زبانی (هندواروپایی در برابر چینی-تبتی و ژاپنی) و دینی (توحید زرتشتی در برابر فلسفه‌های طبیعی تائویی و بودیسم ذن) کاملاً متفاوتی پدید آمده‌اند، می‌توانند حامل «قرابت‌های تمدنی»[2] پنهانی باشند؟ پاسخ به این پرسش نه‌تنها به غنای مطالعات تطبیقی فلسفه و دین می‌افزاید، بلکه در عصر جهانی‌شدن، درکی عمیق‌تر از الگوهای فکری شرق و امکان گفتگوی میان‌تمدنی

را فراهم می‌آورد. پیچیدگی ماهوی این سه مفهوم، اتخاذ یک رویکرد میان‌رشته‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. تقلیل این مفاهیم به یک حوزه تخصصی، منجر به درکی ناقص خواهد شد:

۱. تحلیل زبان‌شناختی: بدون بررسی ریشه‌شناسی و تحول معنایی[۳] واژگان آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی در متون کهن، درک مبانی فکری آن‌ها ناممکن است. برای مثال، درک ارتباط «آشا» با ریشه هندواروپایی (به معنای نظم بخشیدن) و هم‌ریشگی آن با «اَرته» (Arta) و «ریتا» (Ṛta) در سانسکریت، بُعد کیهانی آن را آشکار می‌سازد.

۲. تحلیل اجتماعی - فرهنگی: این مفاهیم در خلأ شکل نگرفته‌اند. باید بررسی کرد که چگونه «آشا» در ساختار اجتماعی شاهنشاهی هخامنشی به‌عنوان ابزار مشروعیت‌بخشی سیاسی و نظم اجتماعی به کار رفت؛ چگونه «یینگ ـ یانگ» مبنای طب سنتی چین، استراتژی‌های نظامی (مانند آموزه‌های سان تزو) و حتی معماری فنگ‌شویی شد؛ و «وابی‌سابی» چگونه در آیین چای ژاپنی (چانویو) و هنر سفالگری (مانند راکو) تبلور یافت.

۳. تحلیل فلسفی ـ کیهان‌شناختی: در نهایت، هسته مرکزی این مفاهیم، پاسخی متافیزیکی به ساختار جهان است. آیا جهان مبتنی بر «نظم» و «قانون» (آشا) است، یا «تعادل» و «پویایی» (یینگ ـ یانگ)، و یا «ناپایداری» و «پذیرش» (وابی‌سابی)؟ این تحلیل، مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اخلاقی هر جهان‌بینی را روشن می‌سازد.

این پژوهش با تلفیق این سه منظر، در پی ارائه تصویری سه‌بعدی و جامع از هر مفهوم و سپس قرار دادن آن‌ها در یک ماتریس تطبیقی است. هدف اصلی این پژوهش، «تبیین و مقایسه ماهیت سه مفهوم آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی از منظر زبان‌شناسی، اجتماعی و فلسفی، و ارائه چارچوبی برای شناسایی قرابت‌های احتمالی جهان‌بینی میان سه تمدن ایران، چین و ژاپن» است. در این پژوهش، تحلیل‌های زبان‌شناختی، اجتماعی ـ فرهنگی و فلسفی صرفاً در سطح توصیف مفاهیم بنیادین باقی نمی‌مانند، بلکه به‌منزله داده‌های مفهومی برای استخراج «مدل‌های کنش تمدنی» به کار گرفته می‌شوند[۴]. بر این اساس، آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی نه‌تنها به‌عنوان مفاهیم جهان‌بینی، بلکه به‌مثابه الگوهای هنجاری ـ کنشی تفسیر می‌شوند که نسبت میان ساختار هستی، اخلاق و کنش انسانی را در هر تمدن صورت‌بندی می‌کنند. نتیجه این فرایند، تدوین معادله‌های تحلیلی فشرده‌ای است که امکان مقایسه نظام‌مند کنش تمدنی در سه سنت فکری ایران، چین و ژاپن را فراهم می‌سازد و پژوهش را از سطح تطبیق توصیفی به سطح مدل‌سازی مفهومی ارتقا می‌دهد. این هدف اصلی در قالب اهداف جزئی و سؤالات زیر پیگیری می‌شود:

- سؤال اصلی: سه مفهوم آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی چه تفاوت‌ها و مشابهت‌های زبان‌شناختی، اجتماعی و فلسفی دارند و این مفاهیم چگونه در سیر تاریخی خود تحول یافته‌اند؟
- سؤالات فرعی:

۱. زبان‌شناختی: ریشه‌های واژگانی و تحول معنایی هر مفهوم در دوره‌های مختلف تاریخی و در متون بنیادین (اوستا، ای‌چینگ، متون ذن) چگونه است؟

۲. اجتماعی ـ فرهنگی: هر مفهوم در چه زمینه‌های تاریخی و فرهنگی شکل گرفته و چگونه بر اخلاق، هنر و رفتار اجتماعی هر ملت اثر گذاشته است؟

۳. فلسفی ـ جهان‌بینی: هر مفهوم چه نوع تفسیر هستی‌شناختی و کیهان‌شناختی از جهان ارائه می‌کند و نقش نظم، تعادل یا ناپایداری در این ساختار چگونه است؟

۴. تطبیقی: مهم‌ترین مشابهت‌ها (۴،۱) و تفاوت‌های ماهوی (۴،۲) این سه مفهوم در نگاه به هستی، اخلاق و زیبایی چیست و از چه عواملی (۴،۳) سرچشمه می‌گیرد؟

۵. کاربردی: چگونه می‌توان از نتایج این پژوهش برای توسعه «گردشگری تمدنی»[۵] و طراحی روایت‌های فرهنگی مشترک استفاده کرد؟

جدول ۱، چارچوب مفهومی اولیه این سه جهان‌بینی را به‌طور خلاصه ارائه می‌دهد تا نقطه عزیمت بحث در بخش‌های آتی مشخص گردد.

جدول ۱: چارچوب مفهومی اولیه آشا، ییِنگ ـ یانگ و وابی‌سابی

شاخص تحلیل	آشا	ییِنگ ـ یانگ	وابی‌سابی
ریشه تمدنی	هندواروپایی (زرتشتی)	چینی (تائوئیسم، کنفوسیوس)	ژاپنی (ذن بودیسم، شینتو)
متن بنیادین	اوستا (گاتاها)، متون پهلوی	ای‌چینگ (کتاب دگرگونی‌ها)، تائو ته چینگ	متون ذن، ادبیات هایکو، رساله‌های چای
مفهوم محوری هستی	نظم (Order) / حقیقت (Truth)	تعادل (Balance) / هماهنگی (Harmony)	ناپایداری (Impermanence) / پذیرش (Acceptance)
دوگانه‌گرایی[۶]	دوگانه‌گرایی اخلاقی (آشا در برابر دروج)	دوگانه‌گرایی مکمل (Monism-Dualism)	غیردوگانه‌گرا (Non-Dual) / پذیرش تهیگی (Śūnyatā)
تجلی در اخلاق	کنش فعال، راست‌کرداری، مبارزه با دروغ	کنش انفعالی (وو وی)، هماهنگی با تائو	فروتنی، پذیرش نقص، رها کردن
تجلی زیبایی‌شناسی	تقارن، شکوه، نظم (معماری مانند تخت جمشید)	تعادل، هماهنگی، جریان (نقاشی منظره)	عدم تقارن، سادگی، فرسودگی، نقص (سفال راکو)
رابطه با زمان	خطی (مبارزه به‌سوی پیروزی نهایی)	چرخه‌ای (دگرگونی دائمی فصول)	آنی (تمرکز بر لحظه حال، گذرا بودن)

فراتر از دستاوردهای نظری در حوزه فلسفه تطبیقی و دین‌پژوهی، این پژوهش یک «هدف کاربردی» مشخص را دنبال می‌کند: ارائه خوراک مفهومی برای «گردشگری تمدنی». در دنیای معاصر، گردشگری به‌سرعت از فرم «بازدید از مکان»[۷] به «تجربه روایت»[۸] در حال گذار است. گردشگر مدرن دیگر تنها به دنبال دیدن تخت جمشید، دیوار چین یا معابد کیوتو نیست؛ او به دنبال درک «جهان‌بینی»ای است که آن اثر را خلق کرده است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی «مسیرهای روایت‌محور»[۹] میان ایران، چین و ژاپن باشد. به‌جای ارائه سه مقصد مجزا، می‌توان روایتی مشترک از «جستجوی شرق برای معنا» طراحی کرد: سفری که از «نظم باشکوه» آشا در ایران آغاز

می‌شود، به «تعادل پویای» یینگ ـ یانگ در چین می‌رسد و در «پذیرش زیبایی ناقص» وابی‌سابی در ژاپن به مراقبه می‌انجامد. این پژوهش نشان خواهد داد که چگونه این سه مفهوم، با وجود تفاوت‌های ظاهری، می‌توانند در یک گفتگوی فرهنگی معنادار قرارگیرند و پایه‌ای برای دیپلماسی فرهنگی و توسعه گردشگری پایدار مبتنی بر هویت معنوی باشند.

ادبیات تحقیق

پژوهشی با ماهیت تطبیقی و میان‌رشته‌ای که سه جهان‌بینی متمایز از سه بستر تمدنی متفاوت را بررسی می‌کند، نیازمند چارچوبی نظری است که بتواند هم تحلیل‌های منفرد و هم فرایند مقایسه را توجیه و راهبری کند. هدف این پژوهش، فراتر از یک توصیف موازی، دستیابی به «قرابت‌های تمدنی» است. این امر مستلزم اتخاذ رویکردهایی نظری است که مقایسه پدیده‌های فرهنگی ظاهراً نامرتبط را ممکن می‌سازند. در این حوزه، جریان های اصلی راهگشا هستند:

۱. ساختارگرایی و تحلیل اسطوره: رویکرد ساختارگرایانه، به‌ویژه در آثار لوی-استروس، به دنبال کشف «ساختارهای ذهنی بنیادین» بشر است که در اساطیر، آیین‌ها و مفاهیم فرهنگی مختلف، به اَشکال گوناگون متجلی می‌شوند (Levi-Strauss, 2021). از این منظر، آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی، همگی پاسخ‌هایی ساختاریافته به دوگانگی‌های بنیادین ذهن انسان (مانند نظم/آشوب، بودن/نبودن، تقارن/عدم تقارن) هستند (de Castro, 2025). اگرچه پژوهش حاضر رویکرد تقلیل‌گرایانه ساختارگرایی کلاسیک را نمی‌پذیرد، اما از متدولوژی آن برای یافتن «الگوهای مشترک» در تبیین رابطه انسان وکیهان بهره می‌برد.

۲. پدیدارشناسی دین و امر مقدس: الیاده در تحلیل پدیدارهای دینی، بر تمایز میان «امر مقدس» و «امر نامقدس»[10] تأکید می‌کند . جهان‌بینی‌ها، مکانیسم‌هایی برای «تقدیس» جهان و معنادار ساختن آن هستند (Stefon , 2025; Nordland-er, 2024). آشا، نظم کیهانی را مقدس می‌سازد؛ یینگ یانگ، تعادل و هماهنگی را؛ و وابی سابی، ناپایداری و نقص را. این پژوهش با استفاده از رویکرد الیاده، بررسی می‌کند که هر یک از این سه مفهوم، چگونه «مرکز جهان»[11] خود را تعریف کرده و چگونه تجربه زیسته پیروان خود را از امری نامقدس به امری مقدس بدل می‌سازند.

۳. مبانی نظری تحلیل جهان‌بینی: «جهان‌بینی»[12] مفهومی محوری در این پژوهش است. این اصطلاح، که از فلسفه آلمان نشأت گرفته، صرفاً مجموعه‌ای از باورها نیست، بلکه «چارچوب ادراکی» پیشا-نظری است که یک فرهنگ از طریق آن، واقعیت را تفسیر می‌کند (Dilthey & et. al., 2019; Valk, Worldviews, 2021). بر اساس نظریه‌های متاخر در مطالعات جهان‌بینی، یک جهان‌بینی جامع به پرسش‌های هستی‌شناختی (جهان چیست؟)، انسان‌شناختی (انسان کیست؟) و اخلاقی (چگونه باید زیست؟) پاسخ می‌دهد (Stenmark, 2022). این پژوهش، سه مفهوم آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی را نه به‌عنوان مفاهیمی مجرد، بلکه به‌عنوان «هسته‌های معنایی»[13] سه جهان‌بینی متمایز

تحلیل می‌کند. آشا بر هستی‌شناسی «نظم» و اخلاق «کنش‌گرایانه» تأکید دارد. یینگ ـ یانگ بر هستی‌شناسی «فرایند» و اخلاق «هماهنگی» استوار است. وابی‌سابی بر هستی‌شناسی «ناپایداری» و اخلاق «پذیرش» بنا شده است.

۴. زبان‌شناسی فرهنگی و نسبیت زبانی: از آنجا که بخش قابل توجهی از تحلیل بر پایه زبان‌شناسی استوار است، این پژوهش از مبانی «زبان‌شناسی فرهنگی» بهره می‌برد. این رویکرد بیان می‌دارد که زبان، صرفاً ابزار توصیف واقعیت نیست، بلکه «ابزار ساخت» آن است (Sharifian, 2017; Sadeghpour & Sharifian, 2021). مفاهیمی چون آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی، «واژگان کلیدی فرهنگی» هستند که ادراکات پیچیده یک تمدن را در خود فشرده می‌سازند. با اتکای محدود به «فرضیه نسبیت زبانی»[۱۴] در تفسیر نوین آن (Kovshova, 2023)، این پژوهش استدلال می‌کند که ساختار و کاربرد این واژگان، بر نحوه تفکر (носители carriers) آن فرهنگ درباره کیهان، زمان و اخلاق تأثیر مستقیم گذاشته است[۱۵] (Głaz, 2022; Baranyiné Kóczy & et. al., 2024). جدول زیر، نسبت این مبانی نظری با راهبردهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: چارچوب مبانی نظری و ارتباط آن با راهبردهای پژوهش

مبنای نظری	حوزه علمی	ارتباط با راهبرد پژوهش
پدیدارشناسی دین	دین‌پژوهی	راهبرد فلسفی ـ کیهان‌شناختی: تحلیل نحوه تقدیس مفاهیم نظم، تعادل و ناپایداری در هر تمدن.
ساختارگرایی فرهنگی	انسان‌شناسی	راهبرد تطبیقی: کشف الگوهای دوگانی مشترک (نظم/آشوب، تقارن/عدم تقارن) در سه مفهوم.
تحلیل جهان‌بینی	فلسفه	راهبرد فلسفی ـ کیهان‌شناختی: استخراج اصول هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و اخلاقی هر مفهوم.
زبان‌شناسی فرهنگی	زبان‌شناسی	راهبرد زبان‌شناختی: تحلیل ریشه‌شناسی و تحول معنایی به‌عنوان بازتابی از تحول ادراک فرهنگی.
نظریه کنش اجتماعی	جامعه‌شناسی	راهبرد اجتماعی ـ فرهنگی: بررسی اینکه چگونه این جهان‌بینی‌ها (اخلاق پروتستانی وبر) بر کنش اجتماعی و ساختارها (هنر، اخلاق) تأثیر گذاشته‌اند.

پیشینه شناسی

بررسی جامع منابع کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که اگرچه هر یک از سه مفهوم آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی به‌تنهایی موضوع مطالعات گسترده‌ای بوده‌اند، اما «شکاف پژوهشی» دقیقاً در نقطه تلاقی این سه مفهوم و در فقدان یک تحلیل تطبیقی میان‌رشته‌ای قرار دارد. پیشینه پژوهش در سه حوزه مجزا و یک حوزه تطبیقی قابل بررسی است.

پژوهش‌ها درباره «آشا»: ادبیات موجود درباره آشا عمدتاً در حوزه «ایران‌شناسی»، «زبان‌شناسی هندواروپایی» و «دین‌پژوهی زرتشتی» متمرکز است.

• رویکرد زبان‌شناختی و فیلولوژیک: بخش بزرگی از پژوهش‌ها به ریشه‌شناسی آشا، هم‌ریشگی آن با «ریتا» (Ṛta) در متون ودایی و «اَرته» (Arta) در فارسی باستان پرداخته‌اند. این آثار بر معنای اولیه آشا به‌عنوان «نظم کیهانی» و «حقیقت»

متمرکزند و تحول آن در اوستا، به‌ویژه در گاهان، را بررسی می‌کنند (Stausberg & al., 2023).

• رویکرد فلسفی و دینی: این دسته از آثار، آشا را به‌عنوان سنگ بنای متافیزیک و اخلاق زرتشتی تحلیل می‌کنند. تمرکز بر تقابل بنیادین آشا (نظم/راستی) و دروج (آشوب/دروغ) و نقش انسان به‌عنوان یاور اهورامزدا در برقراری نظم است (Smarandache, 2024).

• محدودیت‌ها: تقریباً هیچ پژوهش معتبری یافت نشد که آشا را با مفاهیم کیهان‌شناختی «شرق دور» (چین و ژاپن) مقایسه کند. مقایسه‌ها معمولاً به حوزه هندواروپایی (یونان، هند) (Sadovski, 2023)، یا ادیان ابراهیمی محدود مانده است.

تحلیل زبان‌شناختی آشا را می‌توان فراتر از ریشه‌شناسی تاریخی، در سطح «کارکرد واژه به‌مثابه سازه معرفتی» نیز بسط داد. مطالعات نوین در زبان‌شناسی تاریخی ـ شناختی نشان داده‌اند که در سنت‌های دینی کهن، برخی واژگان کلیدی صرفاً ابزار توصیف جهان نیستند، بلکه خود در تولید واقعیت اخلاقی و کیهانی مشارکت دارند. در این چارچوب، آشا در گاهان نه فقط دالّ نظم، بلکه یک "واژه-کنش" است که با تلفظ، ستایش و التزام اخلاقی، نظم الهی را در جهان تثبیت می‌کند. چنین برداشتی با نظریه‌های معاصر در فلسفه زبان دینی هم‌خوان است که زبان مقدس را واجد نقش سازنده واقعیت می‌دانند (Stausberg, 2018; Harrison, 2012). بنابراین، تحول معنایی آشا را باید نه‌تنها از نظم فیزیکی به راستی اخلاقی، بلکه از "واژه توصیفی" به "واژه تکوینی" فهم کرد؛ امری که جایگاه زبان را در جهان‌بینی ایران باستان به‌عنوان واسطه میان انسان و کیهان آشکار می‌سازد.

در سطح فلسفی — متافیزیکی، آشا صرفاً اصل نظم نیست، بلکه تجلی "هستی‌شناسی خیر" در سنت زرتشتی است. پژوهش‌های جدید در فلسفه دین زرتشتی نشان داده‌اند که آشا بیانگر این پیش‌فرض بنیادین است که واقعیت نهایی ذاتاً خیر و قانون‌مند است و شر صرفاً وضعیت اختلال در نظم برگزیده‌شده است، نه یک اصل هم‌سنگ هستی (Schabert & Heyking, 2020). از این منظر، انتخاب اخلاقی انسان نه فقط کنش اجتماعی، بلکه مشارکت فعال در تثبیت ساختار هستی است (Shaked, 2014). این برداشت، متافیزیک آشا را از دوگانه‌گرایی متقارن یا تکمیلی متمایز می‌سازد و آن را به یک نظام فلسفی مبتنی بر "اصالت نظم خیر" بدل می‌کند (نجفی اردبیلی و صانعی دره‌بیدی، ۱۴۰۲). بدین‌ترتیب، آشا در جهان‌بینی ایران باستان نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه پیونددهنده زبان، اخلاق و ساختار واقعیت است[۱۶].

پژوهش‌ها درباره «یینگ ـ یانگ»: ادبیات مربوط به یینگ ـ یانگ بسیار گسترده است و حوزه‌های «فلسفه چینی»، «تاریخ علم» و «طب سنتی» را در بر می‌گیرد.

• رویکرد فلسفی (تائوئیسم): این پژوهش‌ها یینگ ـ یانگ را به‌عنوان اصل بنیادین «تائو» بررسی می‌کنند که تبیین‌کننده پویایی، دگرگونی و تعادل اضداد در جهان است. تأکید بر ماهیت «غیرتقابلی» این دوگانگی و ضرورت هماهنگی با آن است (Gregory, 2025; McLachlan Jeffrey, 2021; Maria Tu, 2023).

• رویکرد کیهان‌شناختی و علمی: آثاری که

به ریشه‌های ییینگ ـ یانگ در «ای‌چینگ»[۱۷] و کاربرد آن در نجوم، گاه‌شماری و طب سنتی چین می‌پردازند. این آثار به جنبه «کاربردی» این مفهوم در تبیین پدیده‌های طبیعی اشاره دارند (He & Li, 2024; Raphals, 2020).

• محدودیت‌ها: مقایسه‌های فلسفی ییینگ ـ یانگ عمدتاً با فلسفه غرب (مانند هراکلیتوس) یا مفاهیم هندی (مانند برهمن) صورت گرفته است. ارتباط آن با جهان‌بینی ایرانی (آشا) که آن هم به نظم کیهانی می‌پردازد، تقریباً به‌طورکامل مغفول مانده است.

پژوهش‌ها درباره «وابی‌سابی»: وابی‌سابی، به‌عنوان مفهومی متأخرتر، عمدتاً در حوزه «زیبایی‌شناسی»، «مطالعات ذن بودیسم» و «نقد هنری» بررسی شده است.

• رویکرد زیبایی‌شناختی و هنری: این دسته از آثار، وابی‌سابی را به‌عنوان جوهر زیبایی‌شناسی ژاپنی (در تقابل با زیبایی‌شناسی کلاسیک غربی مبتنی بر تقارن و کمال) تحلیل می‌کنند. تمرکز بر تجلیات آن در آیین چای، سفالگری (راکو)، باغ‌سازی و هایکو است (Parkes & Loughnane, 2023; Li X. , 2024).

• رویکرد فلسفی (ذن): پژوهش‌هایی که ریشه‌های وابی‌سابی را در جهان‌بینی ذن بودیسم، به‌ویژه مفاهیم «ناپایداری» (Mujō)، «تهیگی» (Śūnyatā) و «پذیرش» جستجو می‌کنند (Mukhopadhyay & et. al., 2025).

• محدودیت‌ها: وابی‌سابی تقریباً همیشه در چارچوب زیبایی‌شناسی یا ذن بررسی شده است. پژوهشی که آن را به‌عنوان یک «کیهان‌شناسی» در کنار مفاهیم بنیادینی چون آشا (نظم) و ییینگ ـ یانگ (تعادل) قرار دهد، یافت نشد. این مفهوم عمدتاً به‌عنوان یک «سلیقه هنری» و نه یک «اصل هستی‌شناختی» بررسی شده یا آن را در حد باور به بی‌ثباتی، تهی‌بودن و زندگیِ «در لحظه» در نزد هستی‌شناختی و اخلاقی ذن بودیسم تقلیل داده اند. به صورتی که اکثرا نشان می‌دهند که این فلسفه زیبایی‌شناختی، یک بازنمایی زبانی-فلسفی از اصول ذن است.

علاوه بر ادبیات انگلیسی‌زبان، بدنه قابل‌توجهی از پژوهش‌ها به زبان‌های ژاپنی و چینی به تحلیل مفاهیم بنیادین این مطالعه پرداخته‌اند که نقش مهمی در تکوین فهم بومی این جهان‌بینی‌ها داشته‌اند. در سنت پژوهشی ژاپن، وابی‌سابی نه صرفاً به‌عنوان یک زیبایی‌شناسی، بلکه به‌مثابه شیوه‌ای از زیستن و ادراک هستی در پیوند تنگاتنگ

جدول ۳: خلاصه پژوهش‌های کلیدی منفرد و محدودیت‌ها

مفهوم	تمرکز اصلی پژوهش	محدودیت و شکاف پژوهشی
آشا (Asha)	ریشه‌شناسی هندواروپایی (ریتا) / تحلیل گاهانی / تقابل اخلاقی با دروج	عدم مقایسه با کیهان‌شناسی شرق دور (چین و ژاپن)
ییینگ ـ یانگ (Yin-Yang)	مبانی تائوئیسم / ای‌چینگ و طب سنتی / تاریخ علم در چین	عدم مقایسه با نظم‌گرایی ایرانی (آشا) / تمرکز بر تعادل به‌جای نظم
وابی‌سابی (Wabi-Sabi)	زیبایی‌شناسی نقص / آیین چای و هنر / مبانی فلسفی ذن (ناپایداری)	عدم تحلیل به‌عنوان کیهان‌شناسی / عدم مقایسه با مفاهیم نظم (آشا) یا تعادل (ییینگ ـ یانگ)

با ذن بودیسم، آیین چای و ادبیات کلاسیک تحلیل شده است (Koren, 2008; Barry, 2024; Takada, 2025; HAGA, 1989; SAITO, 1997; KEENE, 1995; De BARY, 1995; RAILEY, 1997). در همین راستا، پژوهش‌های تألیفی فارسی نیز با تکیه بر منابع ژاپنی، به واکاوی خاستگاه زبان‌شناختی، زمینه‌های دینی و تجلیات هنری وابی و سابی پرداخته‌اند و لایه‌هایی از معنا را روشن ساخته‌اند که در تالیف ها و خصوصا ترجمه‌های ثانویه کمتر منعکس می‌شود؛ همانند (حسینی، ۱۳۹۸؛ کمپتون، ۱۴۰۵؛ فورد، ۱۴۰۳؛ سوزوکی، ۱۴۰۱؛ جونیپر، ۱۴۰۱) . در سنت فکری چین نیز، آثار پژوهشی بومی، یینگ ـ یانگ را نه به‌عنوان یک دوگانه انتزاعی، بلکه به‌منزله منطق فرایندی حاکم بر کنش، اخلاق و سامان فضایی تفسیر کرده‌اند (Zhang D. , 2013; Rosemont Jr & Ames, 2016).

پژوهش‌های تطبیقی (محل دقیق شکاف پژوهشی): ارجاع به پژوهش‌های بومی ژاپنی، چینی و فارسی در این مطالعه، نه با هدف بازتولید خوانش‌های درون‌تمدنی، بلکه به‌منظور افزایش دقت تفسیری و جلوگیری از فروکاست مفاهیم به قرائت‌های انگلیسی‌زبان انجام شده است. بااین‌حال، رویکرد پژوهش حاضر آگاهانه در سطحی فراتر از تحلیل‌های بومی حرکت می‌کند و از این منابع به‌عنوان داده‌های مفهومی برای استخراج مدل‌های تطبیقی کنش تمدنی بهره می‌گیرد؛ رویکردی که مستلزم فاصله‌گذاری تحلیلی با خوانش‌های صرفاً درون‌فرهنگی است. بررسی‌ها نشان داد که شکاف اصلی در سه سطح وجود دارد:

۱. فقدان مقایسه دوتایی (ایران و شرق دور): هیچ مطالعه جدی میان «آشا و یینگ ـ یانگ» یا «آشا و وابی‌سابی» وجود ندارد. به نظر می‌رسد مرزهای سنتی مطالعات منطقه‌ای (ایران‌شناسی در برابر سینولوژی و ژاپن‌شناسی) مانع از چنین پژوهش‌هایی شده است.

۲. محدودیت مقایسه‌های درون شرق دور: اگرچه مقایسه «یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی» گاهی در مطالعات فلسفه شرق دور مطرح شده، اما این مقایسه‌ها عمدتاً بر تفاوت‌های ذن (ژاپن) و تائو (چین) متمرکز بوده و کمتر به ساختار کیهان‌شناختی آن‌ها پرداخته‌اند.

۳. فقدان کامل مقایسه سه‌جانبه: شکاف اصلی و بنیادین که این پژوهش مستقیماً به آن می‌پردازد، «فقدان کامل» هرگونه پژوهشی است که این سه مفهوم محوری را در یک چارچوب تطبیقی سه‌جانبه (ایران - چین - ژاپن) و میان‌رشته‌ای (زبان‌شناختی، اجتماعی و فلسفی) قرار دهد.

جدول ۴ این شکاف پژوهشی را به‌صورت بصری نشان می‌دهد. پژوهش حاضر، با اتکا به این بدنه دانشی بومی و در عین حال عبور تحلیلی از آن، می‌کوشد این مفاهیم را در سطحی تطبیقی و مدل‌محور صورت‌بندی کند. بنابراین، مرور ادبیات نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌های موجود درباره آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی، یا در قالب تحلیل‌های درون‌تمدنی و تفسیری باقی مانده‌اند، یا این مفاهیم را به‌مثابه عناصر منفرد زیبایی‌شناختی و فلسفی بررسی کرده‌اند، بدون آنکه امکان مقایسه نظام‌مند میان آن‌ها فراهم شود. در این میان، خلأ اصلی ادبیات، فقدان چارچوبی تحلیلی است که بتواند این جهان‌بینی‌ها را به‌عنوان الگوهای کنش تمدنی

قابل مقایسه صورت‌بندی کند و نسبت میان هستی‌شناسی، اخلاق و کنش انسانی را در هر یک به‌طور هم‌زمان مورد تحلیل قرار دهد. مقاله حاضر دقیقاً در این نقطه از ادبیات قرار می‌گیرد و با عبور از رویکردهای توصیفی و درون‌فرهنگی، می‌کوشد از طریق مدل‌سازی مفهومی و استخراج معادله‌های تحلیلی، این شکاف نظری ـ تحلیلی را پر کرده و امکان تبیین تطبیقی کنش تمدنی در سه سنت فکری ایران، چین و ژاپن را فراهم آورد.

جدول ۴: ماتریس پیشینه پژوهش تطبیقی و شکاف موجود

مفهوم	آشا - نظم	یینگ یانگ- تعادل	وابی‌سابی - ناپایداری
آشا	مطالعات داخلی: (حوزه ایران‌شناسی و هندواروپایی - قوی)	شکاف پژوهشی جدی (فقدان پژوهش تطبیقی ایران و چین در این سطح)	شکاف پژوهشی مطلق (فقدان کامل پژوهش)
یینگ ـ یانگ	شکاف پژوهشی جدی	مطالعات داخلی: (حوزه سینولوژی - بسیار قوی)	محدود (عمدتاً در مطالعات ذن/تائو)
وابی‌سابی	شکاف پژوهشی مطلق	محدود	(مطالعات داخلی) (حوزه ژاپن‌شناسی و زیبایی‌شناسی - قوی)
مقایسه سه‌جانبه	شکاف پژوهشی اصلی این تحقیق (فقدان کامل تحلیل تطبیقی میان‌رشته‌ای سه‌گانه)		

روش تحقیق

پژوهش حاضر از «روش تحقیق تطبیقی-تحلیلی» با رویکرد کیفی «مورد محور»[18] بهره می‌برد[19] (Thomann & et. al., 2022). در این رویکرد، سه «مورد» یعنی مفاهیم آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی، به‌عنوان واحدهای تحلیل در نظر گرفته می‌شوند[20]. این پژوهش صرفاً به توصیف این سه مفهوم بسنده نمی‌کند، بلکه با استفاده از راهبردهای تحلیلی مشخص (زبان‌شناختی، اجتماعی و فلسفی) به «انطباق با بستر» و «عامل‌یابی» می‌پردازد تا علل شباهت‌ها و تفاوت‌ها را تبیین کند. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل متون بنیادین، با استفاده از برگه کدگذاری مبتنی بر «راهبردهای پژوهش» (شامل تحلیل ریشه‌شناسی، تحلیل بافت تاریخی و تحلیل هستی‌شناختی) گردآوری شده‌اند.

لازم به تأکید است که ساختار و حجم این مقاله، پیامد مستقیم ماهیت تطبیقی و میان‌رشته‌ای پژوهش است. از آنجا که هدف، دستیابی به یک تحلیل سه‌جانبه و هم‌زمان از مفاهیم آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی در سه بُعد تحلیلی است، هرگونه تفکیک یا انتشار جداگانه بخش‌ها، منجر به گسست تحلیلی و تضعیف استنتاج تطبیقی نهایی خواهد شد. در این پژوهش، انسجام متن نه یک انتخاب صوری، بلکه یک ضرورت روش‌شناختی برای حفظ اعتبار مقایسه و پرهیز از فروکاست‌گرایی مفهومی است (Ragin, 2014; Repko & Szostak, 2016). پژوهش‌های تطبیقی موردمحور، به‌ویژه در

حوزه جهان‌بینی و مطالعات فرهنگی، مستلزم ارائه هم‌زمان داده‌ها و تحلیل‌ها در یک چارچوب واحد هستند. تقسیم چنین پژوهش‌هایی به مقالات مستقل، اغلب موجب از دست رفتن «منطق رابطه‌ای» میان موارد می‌شود؛ منطقی که اساس استنتاج تطبیقی را شکل می‌دهد. از این‌رو، در ادبیات روش‌شناسی، انسجام تحلیلی بر ایجاز صوری اولویت دارد (Tilly, 1989).

پیش از آغاز فرایند تطبیق، اثبات مقایسه‌پذیری «ارکان تطبیق» ضروری است. اگرچه آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی در سه بستر تمدنی متمایز (ایران، چین، ژاپن) و با کارکردهای ظاهراً متفاوت (نظم اخلاقی، تعادل کیهانی، زیبایی‌شناسی نقص) ظهور یافته‌اند، هر سه در یک «دامنه مشخص» و بنیادین مشترک هستند؛ نخست کارکرد کیهان‌شناختی: هر سه مفهوم، پاسخی بنیادین به پرسش «ساختار هستی و رابطه انسان با آن» ارائه می‌دهند. دوم، کارکرد هنجاری: هر سه به‌عنوان «اصول راهنما» برای کنش انسانی (اخلاق، رفتار اجتماعی) و خلاقیت (هنر، معماری) عمل می‌کنند. سوم کارکرد معنابخشی: هر سه مفهوم، مکانیسم اصلی آن تمدن برای معنادار ساختن پدیده‌هایی چون زندگی، مرگ، رنج و زیبایی بوده‌اند. بنابراین، این سه مفهوم علی‌رغم تفاوت در پاسخ‌ها، در سطح «پرسش‌های بنیادین» و «کارکرد تمدنی»، کاملاً مقایسه‌پذیر هستند.

داده‌های این پژوهش مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای (اسنادی) است. فرایند نمونه‌گیری و پالایش منابع در سه مرحله نظام‌مند، منطبق بر پروتکل PRISMA [۲۱] صورت‌بندی و اجرا شده است:

۱. مرحله ۱: شناسایی: جستجوی گسترده در پایگاه‌های داده معتبر (مانند Scopus, Web of Science, JSTOR, ProQuest) و همچنین کتابخانه‌های تخصصی فلسفه و دین‌شناسی با کلیدواژه‌های اصلی و ترکیبی (Asha, Arta, Ṛta, Zoroastrianism, Yin-Yang, Taoism, I-Ching, Wabi-Sabi, Zen Aesthetics, Comparative Cosmology). در این مرحله بیش از ۲۰۰ پژوهش (کتاب و مقاله) شناسایی شدند.

۲. مرحله ۲: غربال‌گری: بررسی عناوین و چکیده‌ها. در این مرحله، پژوهش‌هایی که صرفاً به ذکر واژه پرداخته یا از «هدف پژوهش» (تحلیل تطبیقی و میان‌رشته‌ای) دور بودند، حذف گردیدند.

۳. مرحله ۳: احراز صلاحیت و گزینش نهایی: بررسی متن کامل منابع باقی‌مانده. فیلتر نهایی بر اساس دو معیار اصلی اعمال شد:

- اعتبار منبع: تمرکز بر منابع «بنیادین» و «کلاسیک» (مانند ترجمه‌های معتبر اوستا، ای‌چینگ، متون ذن) و تحلیل‌های آکادمیک تراز اول بر آن‌ها.
- تاریخ انتشار: برای حصول اطمینان از به‌روز بودن تحلیل‌ها و دسترسی به آخرین مباحث نظری، اولویت با منابع منتشر شده در پنج سال اخیر (پس از ۲۰۱۹ میلادی) قرار گرفت که به تحلیل متون کلاسیک پرداخته‌اند. پس از این پالایش، تعداد ۶۰ کتاب و ۵۰ مقاله تخصصی (مجموعاً ۱۱۰ منبع) به‌عنوان نمونه نهایی برای کدگذاری و تحلیل عمیق انتخاب شدند.

تحلیل داده‌ها (مبتنی بر برگه‌های کدگذاری شده از ۱۱۰ منبع) بر اساس فرایند دوازده مرحله‌ای روش تحقیق تطبیقی «مورد محور» به شرح زیر اجرا

می‌شود (Bauernschmidt & et. al., 2025; Olsen, 2025; El Sherif & et. al., 2024):

۱. طراحی پژوهش: تبیین مسئله، اهداف و سؤالات. تعیین «ارکان تطبیق» (آشا، یینگ ـ یانگ، وابی‌سابی) و اثبات مقایسه‌پذیری آن‌ها.
۲. نمونه‌گیری: اجرای پروتکل انتخاب منابع.
۳. جمع‌آوری داده‌ها: استخراج نظام‌مند داده‌های مرتبط با ابعاد سه‌گانه (زبانی، اجتماعی، فلسفی) برای هر سه رکن از ۱۱۰ منبع منتخب.
۴. راهبری نظری: انتخاب «نظریه‌های راهنما» (مانند پدیدارشناسی دین الیاده برای تحلیل امر قدسی، نظریه جهان‌بینی کُلت برای ابعاد هستی‌شناختی) جهت چارچوب‌بندی تحلیل.
۵. عامل‌یابی: شناسایی «عوامل کلیدی» ایجادکننده خصوصیات هر رکن بر اساس نظریه‌های راهنما. (مثال: عامل «دوگانه‌گرایی اخلاقی» برای آشا، «تعادل‌پویا» برای یینگ‌ـیانگ، «پذیرش ناپایداری» برای وابی‌سابی).
۶. انطباق با بستر: برچسب‌گذاری داده‌ها و جستجوی «شواهد زمینه‌ای» در متون و بستر فرهنگی (هنر، آیین‌ها) که حضور یا غیبت عوامل کلیدی را تأیید کنند.
۷. وزن‌دهی به عوامل کلیدی: تحلیل کلان عوامل و ایجاد جدول ارزش‌گذاری بر اساس میزان «مرکزیت» و «تأثیرگذاری» هر عامل در شکل‌دهی به جهان‌بینی مربوطه.
۸. معادله‌یابی: تحلیل روابط میان عوامل کلیدی برای آشکارسازی «اصول حاکم». (مثال: رابطه میان «نظم کیهانی» و «مسئولیت اخلاقی» در آشا چگونه یک «معادله ساختاری» را شکل می‌دهد؟)
۹. تعریف و نام‌گذاری معادلات ساختاری: ارائه تعاریف فشرده برای هر معادله. (مثال: «معادله آشا: نظم کیهانی = مسئولیت انسانی»)
۱۰. معادله تقلیلی: تقلیل معادلات پیچیده به هسته معنایی آن‌ها برای امکان‌پذیر ساختن مقایسه اولیه.
۱۱. وزن‌دهی مجدد (عوامل لازم و کافی): ترسیم شبکه عوامل (مثلاً: آیا «دوگانه‌گرایی» عاملی «لازم» برای آشا است یا «کافی»؟) و تحلیل آن با معادله تقلیلی.
۱۲. معادله تطبیقی: بر اساس ارتقاء معادله تقلیلی و وزن‌دهی نهایی، ارائه یک «معادله تطبیقی» نهایی که روابط، شباهت‌ها و تفاوت‌های ماهوی سه رکن را در یک مدل مفهومی یکپارچه نشان دهد.

در اجرای این روش‌شناسی، دو دسته عوامل مد نظر قرار گرفته‌اند:

- عوامل خارجی: ماهیت میان‌رشته‌ای پژوهش (تلفیق فلسفه، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی) و لزوم استفاده از نظریات حوزه‌های مختلف که بر تحلیل نهایی تأثیرگذارند.
- عوامل داخلی: مدیریت تعارضات دانشی (مانند تفاسیر متفاوت از متون کهن) و توان‌سنجی روش تطبیقی برای ایجاد یک استراتژی منسجم جهت حل «مسئله پژوهش».

مبانی نظری

پژوهشی با دامنه تطبیقی میان‌رشته‌ای که سه

جهان‌بینی بنیادین از سه تمدن متمایز (ایران، چین و ژاپن) را مورد کاوش قرار می‌دهد، نیازمند پایه‌های نظری مستحکمی است که نه‌تنها تحلیل هر مفهوم در بستر خود، بلکه امکان و اعتبار «مقایسه» میان آن‌ها را نیز فراهم سازد. این پژوهش برآیندی از سه حوزه نظری کلان است: نظریه‌های تطبیقی فرهنگ و حافظه، نظریه‌های تحلیل جهان‌بینی، و مبانی کیهان‌شناختی فلسفه‌های شرقی. این مبانی، «نظریه‌های راهنما» را برای اجرای مراحل روش‌شناختی پژوهش، به‌ویژه در مراحل «عامل‌یابی» و «انطباق با بستر»، فراهم می‌کنند.

نظریه‌های تطبیقی فرهنگ و حافظه جمعی: چگونه می‌توان مفاهیمی را که هزاران کیلومتر و صدها سال از یکدیگر فاصله دارند، مقایسه کرد؟ پاسخ در نظریه‌هایی نهفته است که فرهنگ را نه به‌عنوان پدیده‌ای ایستا، بلکه به‌عنوان یک «فرایند» پویا از «یادآوری» و «بازآفرینی» معنا درک می‌کنند.

نظریه «حافظه فرهنگی» یان آسمن، ابزاری قدرتمند برای تحلیل مفاهیم بنیادین تمدنی ارائه می‌دهد (Assmann-A, 2011). آسمن میان «حافظه ارتباطی» (روزمره و کوتاه‌مدت) و «حافظه فرهنگی» (بلندمدت، ساختاریافته و نهادینه‌شده) تمایز قائل می‌شود (Assmann, 2012). حافظه فرهنگی، هویت یک گروه را در طول زمان تثبیت می‌کند و این کار را از طریق «اشکال عینی»[۲۲] انجام می‌دهد: متون مقدس، آیین‌ها، بناهای یادبود و تصاویر (Ass-mann-B, 2011).

• کاربست در پژوهش: در این چارچوب، «آشا»، «یینگ ـ یانگ» و «وابی‌سابی» صرفاً مفاهیمی انتزاعی نیستند؛ آن‌ها «اشکال عینی» و «فیگورهای حافظه»[۲۳] سه تمدن هستند.

○ آشا حافظه فرهنگی ایرانیان را حول محور «نظم» و «قانون اخلاقی» سازماندهی کرده و در «متون بنیادین» (اوستا، به‌ویژه گاهان) و «آیین‌ها» (مانند آیین‌های تطهیر) عینیت یافته است.

○ یینگ ـ یانگ حافظه فرهنگی چینی را حول «تعادل» و «دگرگونی» شکل داده و در «متن بنیادین» (ای‌چینگ) و «کاربردهای اجتماعی» (طب، فنگ‌شویی) نهادینه شده است.

○ وابی‌سابی حافظه فرهنگی ژاپنی را حول «ناپایداری» و «زیبایی‌شناسی پذیرش» مدون کرده و در «آیین‌ها» (مراسم چای) و «هنر» (سفالگری راکو) تجلی یافته است.

این نظریه به ما اجازه می‌دهد تا این سه مفهوم را به‌عنوان «سازوکارهای معناسازی» بلندمدت تمدنی با یکدیگر مقایسه کنیم.

اگرچه این پژوهش رویکرد «مورد محور» دارد و از تعمیم‌های کلان ساختارگرایی کلاسیک پرهیز می‌کند، اما متدولوژی «تحلیل ساختاری» لوی-استروس برای درک «منطق» حاکم بر این جهان‌بینی‌ها راهگشاست (Doniger, 2010). لوی-استروس معتقد بود که ذهن انسان واقعیت را از طریق «تقابل‌های دوگانی» درک و طبقه‌بندی می‌کند. اساطیر و جهان‌بینی‌ها، سازوکارهایی برای «حل» یا «مدیریت» این تقابل‌ها هستند (Britannica Editors -A. , 2025).

• کاربست در پژوهش: این نظریه، ابزار تحلیل «دوگانه‌گرایی» (Tunçbilek, 2025)، در هر سه مفهوم را فراهم می‌کند:

○ آشا بر یک تقابل دوگانی «اخلاقی» و «تخاصمی»[۲۴] استوار است: آشا (نظم/راستی) در برابر دروج (آشوب/دروغ). این یک مبارزه کیهانی است که نیازمند کنش فعال انسان است.

○ یینگ ـ یانگ بر یک تقابل دوگانی «تکمیلی»[۲۵] و «پویا» استوار است: یینگ (منفعل/تاریک) در برابر یانگ (فعال/روشن). این دو نیرو در تضاد نیستند، بلکه وجود یکی به دیگری وابسته است و هدف، «تعادل» آن‌هاست نه حذف یکی.

○ وابی‌سابی بر یک تقابل دوگانی «زیبایی‌شناختی» و «پذیرشی» استوار است: کمال/تقارن (زیبایی کلاسیک) در برابر نقص/ناپایداری (وابی‌سابی). این رویکرد، تقابل را با «فراروی» از آن و «ارزش‌گذاری مجدد» بر قطب ظاهراً منفی (نقص، فرسودگی) حل می‌کند.

نظریه‌های تحلیل جهان‌بینی: این پژوهش، آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی را به‌عنوان «هسته‌های معنایی» سه جهان‌بینی متمایز بررسی می‌کند. مفهوم «جهان‌بینی»، که ریشه در فلسفه آلمان (به‌ویژه ویلهلم دیلتای) دارد، به معنای چارچوب ادراکی جامعی است که یک فرهنگ یا فرد از طریق آن، واقعیت را تفسیر می‌کند و به زندگی معنا می‌بخشد (Valk, 2021; Dilthey, 1988). مدل‌های نوین تحلیل جهان‌بینی یک جهان‌بینی را دارای ابعاد ساختاری مشخصی می‌دانند (Rousseau & Billingham, 2018):

۱. هستی‌شناسی (Ontology): پاسخ به پرسش «واقعیت نهایی چیست؟» (What is real؟)

۲. انسان‌شناسی (Anthropology): پاسخ به پرسش «انسان کیست و چه جایگاهی دارد؟» (Who is man؟)

۳. معرفت‌شناسی (Epistemology): پاسخ به پرسش «چگونه می‌شناسیم؟» (How do we know؟)

۴. ارزش‌شناسی (Axiology/Ethics): پاسخ به پرسش «چگونه باید زیست؟» (What is good/right؟)

۵. غایت‌شناسی (Teleology): پاسخ به پرسش «هدف و سرانجام هستی چیست؟» (What is the purpose؟)

• کاربست در پژوهش: این پژوهش با استفاده از این ابعاد، به «کالبدشکافی» سه مفهوم می‌پردازد:

○ جهان‌بینی مبتنی بر آشا: هستی‌شناسی آن «نظم قانون‌مند» است. انسان‌شناسی آن، انسان را «مشارکت‌کننده فعال» در نبرد کیهانی برای حفظ نظم می‌داند. ارزش‌شناسی آن بر «راستی» و «کنش اخلاقی» استوار است. غایت‌شناسی آن «خطی» است (پیروزی نهایی آشا بر دروج).

○ جهان‌بینی مبتنی بر یینگ ـ یانگ: هستی‌شناسی آن «فرایند پویا» و «تعادل اضداد» (تائو) است. انسان‌شناسی آن، انسان را «جزئی هماهنگ» با طبیعت می‌داند. ارزش‌شناسی آن بر «انطباق» و «کنش بی‌کنش» (وو وی) استوار است. غایت‌شناسی آن «چرخه‌ای» است (دگرگونی دائمی).

○ جهان‌بینی مبتنی بر وابی‌سابی: هستی‌شناسی آن «ناپایداری» و «تهیگی»[۲۶] است. انسان‌شناسی آن، انسان را «مشاهده‌گر پذیرنده» واقعیت گذرا می‌داند. ارزش‌شناسی آن بر «فروتنی»، «سادگی» و «پذیرش نقص» استوار است. غایت‌شناسی آن «آنی» است (تمرکز بر لحظه حال).

مبانی کیهان‌شناختی و فلسفی بنیادین: تحلیل سه مفهوم فوق بدون درک عمیق بسترهای فلسفی-دینی که آن‌ها را پرورانده‌اند (یعنی متون کلاسیک و بنیادین)، امکان‌پذیر نیست.

جدول ۵: ماتریس مبانی نظری پژوهش

نظریه راهنما	حوزه	مفهوم کلیدی نظریه	کاربست در آشا	کاربست در یینگ ـ یانگ	کاربست در وابی‌سابی
حافظه فرهنگی (یان آسمن)	مطالعات فرهنگی	اشکال عینی حافظه، متون بنیادین، آیین	تحلیل آشا به‌عنوان «حافظه نظم» در اوستا و آیین‌های زرتشتی.	تحلیل یینگ ـ یانگ به‌عنوان «حافظه تعادل» در ای‌چینگ و طب سنتی.	تحلیل وابی‌سابی به‌عنوان «حافظه ناپایداری» در آیین چای و هنر ژاپنی.
تحلیل ساختاری (لوی-استروس)	انسان شناسی	تقابل‌های دوگانی	تحلیل تقابل «اخلاقی-تخاصمی» (آشا در برابر دروج).	تحلیل تقابل «تکمیلی-پویا» (یینگ در برابر یانگ).	تحلیل تقابل «زیبایی‌شناختی-پذیرشی» (نقص در برابر کمال).
تحلیل جهان‌بینی (کُلت/دیلتای)	فلسفه	ابعاد (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی)	هستی‌شناسی «نظم»، انسان‌شناسی «مشارکت‌جو».	هستی‌شناسی «فرایند»، انسان‌شناسی «هماهنگ».	هستی‌شناسی «ناپایداری»، انسان‌شناسی «پذیرنده».
مبانی کیهان‌شناختی	دین پژوهی اصول بنیادین (دوگانگی، وحدت، تهیگی) مبتنی بر دوگانه‌گرایی اخلاقی و اختیار انسان.			مبتنی بر وحدت تائو و تعادل پویای اضداد.	مبتنی بر فلسفه ذن (ناپایداری و تهیگی).

۱. کیهان‌شناسی زرتشتی (مبنای آشا): این کیهان‌شناسی بر پایه یک «دوگانه‌گرایی اخلاقی» بنا شده است. جهان، صحنه نبرد میان دو نیروی متضاد، اهورامزدا (خرد ناب، خالق آشا) و انگره مینو (روح مخرب، که انتخابگرِ دروج است) است (Zaehner, 2021). آشا، «قانون» یا «نظم» الهی است که اهورامزدا جهان را بر اساس آن آفریده و حفظ می‌کند. انسان با «اختیار» خود انتخاب می‌کند که در جبهه آشا باشد یا دروج. بنابراین، آشا یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه یک «مسئولیت» اخلاقی و وجودی است (Ah-madi-A, 2015).

۲. کیهان‌شناسی تائویی (مبنای یینگ ـ یانگ): این کیهان‌شناسی بر پایه «تائو» استوار است؛ اصلی یگانه، توصیف‌ناپذیر و فراگیر که منشأ همه چیز است. تائو خود را از طریق «تعامل پویای» یینگ و یانگ متجلی می‌سازد (Ma, ۲۰۲۴). جهان یک «فرایند» دائمی دگرگونی است، نه یک «موجودیت» ثابت (Wu & Muhs, 2024). برخلاف دوگانه‌گرایی زرتشتی، یینگ و یانگ دشمن یکدیگر نیستند؛ آن‌ها دو روی یک سکه (تائو) هستند و هدف، «هماهنگی» با این جریان است، نه پیروزی یکی بر دیگری (Leong, 2023).

۳. فلسفه ذن بودیسم (مبنای وابی‌سابی): وابی‌سابی تجلی زیبایی‌شناختی مبانی فلسفی ذن است که خود ریشه در بودیسم مهایانه دارد. سه اصل کلیدی در اینجا عبارتند از: «آنیچا» (Anicca) یا ناپایداری (همه‌چیز در حال تغییر و گذر است)، «دوکا» (Dukkha) یا رنج (ناشی از دلبستگی به امور ناپایدار)، و «آناتا» (Anattā) یا نبودِ خودِ ثابت. وابی‌سابی با پذیرش زیبایی در همین ناپایداری، نقص و فرسودگی، راهی برای

«پذیرش» واقعیت آن‌گونه که هست (Tathātā) و رهایی از رنج دلبستگی به «کمال» ارائه می‌دهد (Suzuki, 2021; Juniper , 2011; Bayani, 2025).

«مبانی نظری» پیشین، پایه‌های فکری پژوهش را فراهم کردند؛ «چارچوب نظری» اینک آن مبانی را به یک «مدل تحلیلی» عملیاتی تبدیل می‌کند. این چارچوب، نقشه راهی است که مشخص می‌سازد داده‌های گردآوری‌شده از ۱۱۰ منبع منتخب چگونه بر اساس «راهبردهای پژوهش» (زبان‌شناختی، اجتماعی، فلسفی) سازماندهی، تحلیل و نهایتاً مقایسه خواهند شد. این چارچوب نظری، یک «ماتریس تطبیقی» سه‌بعدی است که سه «رکن تطبیق» (آشا، یینگ ـ یانگ، وابی‌سابی) را در برابر سه «بُعد تحلیل» (راهبردهای پژوهش) قرار می‌دهد. هدف این چارچوب، اطمینان از اعمال پرسش‌های یکسان بر هر سه مورد، جهت دستیابی به داده‌های قابل مقایسه است. ابعاد سه‌گانه چارچوب تحلیلی به این شرح است:

۱. بُعد زبان‌شناختی: این بُعد بر اساس «زبان‌شناسی فرهنگی» و تحلیل ریشه‌شناختی استوار است. هدف آن، درک این است که چگونه «واژه»، حامل «جهان‌بینی» شده است.

o زیرشاخص‌ها: ۱) ریشه‌شناسی[۲۷]: ریشه واژه در زبان‌های باستانی (اوستایی، چینی باستان، ژاپنی کهن) چیست؟ ۲) تحول معنایی: واژه در طول تاریخ چه تغییرات معنایی داشته است؟ ۳) بافت متنی: واژه در متون بنیادین (اوستا، ای‌چینگ، متون ذن) چگونه و در چه بافتاری به کار رفته است؟

۲. بُعد اجتماعی ـ فرهنگی: این بُعد بر اساس «جامعه‌شناسی فرهنگ» و نظریه «حافظه فرهنگی» آسمن استوار است. هدف آن، بررسی «تجلی» و «کارکرد»[۲۸] اجتماعی جهان‌بینی است.

o زیرشاخص‌ها: ۱) اخلاق و هنجارها: چگونه بر رفتار فردی و اجتماعی (راست‌گویی، هماهنگی، فروتنی) تأثیر گذاشته است؟ ۲) هنر و زیبایی‌شناسی: چگونه در هنر، معماری و صنایع دستی (تخت جمشید، نقاشی منظره، سفال راکو) متجلی شده است؟ ۳) آیین و مناسک[۲۹]: چگونه در آیین‌های عمومی و خصوصی (آیین تطهیر، فنگ‌شویی، مراسم چای) نهادینه شده است؟

۳. بُعد فلسفی ـ کیهان‌شناختی: این بُعد بر اساس «نظریه‌های تحلیل جهان‌بینی» استوار است و به هسته متافیزیکی مفاهیم می‌پردازد.

o زیرشاخص‌ها: ۱) هستی‌شناسی: اصل بنیادین واقعیت (نظم، تعادل، یا ناپایداری) چیست؟ ۲) ساختار دوگانگی: رابطه میان اضداد (تخاصمی، تکمیلی، یا پذیرشی) چگونه تعریف می‌شود؟ ۳) انسان‌شناسی فلسفی: نقش و مسئولیت انسان در کیهان (مبارزه، هماهنگی، یا پذیرش) چیست؟

این چارچوب، در عمل به‌صورت ماتریسی اجرا می‌شود که در بخش‌های بعدی پژوهش (بدنه اصلی) تکمیل خواهد شد. جدول زیر، ساختار این چارچوب تحلیلی را نشان می‌دهد. این ماتریس، ابزار اصلی پژوهش برای حرکت از تحلیل‌های منفرد به «معادله تطبیقی» نهایی است.

جدول ۶: ماتریس چارچوب نظری تطبیقی پژوهش

بُعد تحلیل	زیرشاخص‌های تحلیلی	رکن اول: آشا	رکن دوم: یینگ ـ یانگ	رکن سوم: وابی‌سابی
زبان شناختی	ریشه‌شناسی و واژگان هم‌ریشه	تحلیل ریشه اوستایی	تحلیل ریشه‌های چینی باستان	تحلیل ریشه‌های ژاپنی
	تحول معنایی در طول تاریخ	از نظم کیهانی تا راستی اخلاقی	از پدیده‌های طبیعی تا اصول متافیزیکی	از فقر/تنهایی تا زیبایی‌شناسی نقص
	کاربرد در متون بنیادین	تحلیل کاربرد در گاهان و یسنا	تحلیل کاربرد در ای‌چینگ و تائو ته چینگ	تحلیل کاربرد در متون ذن و هایکو
اجتماعی — فرهنگی	تجلی در اخلاق و هنجارهای اجتماعی	اخلاق کنش‌گرایانه (راستی، پیمان)	اخلاق انطباقی (هماهنگی، وو وی)	اخلاق پذیرنده (فروتنی، سادگی)
	تجلی در هنر و زیبایی‌شناسی	زیبایی‌شناسی نظم، تقارن و شکوه (تخت جمشید)	زیبایی‌شناسی تعادل، جریان و هماهنگی (نقاشی منظره)	زیبایی‌شناسی نقص، عدم تقارن و فرسودگی (راکو)
	تجلی در آیین‌ها و مناسک	آیین‌های حفظ نظم و تطهیر (مقابله با دروج)	آیین‌های هماهنگی با طبیعت (فنگ‌شویی، طب)	آیین‌های تمرکز بر لحظه (مراسم چای، باغبانی ذن)
فلسفی — کیهان شناختی	هستی‌شناسی (اصل واقعیت)	نظم (Order) / قانون کیهانی	تعادل (Balance) / فرایند پویا (تائو)	ناپایداری (Imperma-nence) / تهیگی
	ساختار دوگانگی (رابطه اضداد)	دوگانه‌گرایی اخلاقی-تخاصمی (نبرد با آشوب)	دوگانه‌گرایی تکمیلی-پویا (هستی‌بخشی متقابل)	غیردوگانه‌گرا (پذیرش و فراروی از اضداد)
	انسان‌شناسی فلسفی (نقش انسان)	مشارکت‌کننده فعال (جنگجو برای راستی)	هماهنگ‌کننده (جزئی از جریان تائو)	مشاهده‌گر پذیرنده (درک آنی واقعیت)

تحلیل سه‌گانه ارکان تطبیق

این بخش، هسته مرکزی پژوهش را تشکیل می‌دهد و به اجرای عملیاتی «چارچوب نظری» (جدول ۷) اختصاص دارد. در این مرحله، هر یک از سه «رکن تطبیق» (آشا، یینگ ـ یانگ، وابی‌سابی) به‌صورت منفرد اما در چارچوبی یکسان، بر اساس ابعاد سه‌گانه زبان‌شناختی، اجتماعی ـ فرهنگی، و فلسفی ـ کیهان‌شناختی، مورد تحلیل عمیق قرار می‌گیرند. داده‌های این بخش مستخرج از ۱۱۰ منبع کتابخانه‌ای منتخب (۶۰ کتاب و ۵۰ مقاله) است که با تمرکز بر متون بنیادین و تحلیل‌های آکادمیک نوین (منتشر شده پس از ۲۰۱۹) کدگذاری شده‌اند.

تحلیل رکن اول: آشا (Asha) و جهان‌بینی نظم کیهانی: مفهوم «آشا»[۳۰] (اوستایی: 𐬀𐬱𐬀) سنگ بنای جهان‌بینی ایران باستان و محور اصلی تفکر زرتشتی است. این مفهوم، فراتر از یک واژه، یک اصل هستی‌شناختی و یک الزام اخلاقی است که چارچوب رابطه اهورامزدا، انسان و کیهان را تعریف می‌کند (Ahmadi-B, 2015). از منظر فیلولوژیک، تحلیل مفهوم آشا مستلزم تمایز دقیق میان لایه‌های متنی سنت زرتشتی است[۳۱]. به بیانی دیگر، به‌منظور پرهیز از هم‌زمان‌سازی نابجا و حفظ دقت روش‌شناختی در تحلیل تطبیقی، لازم است میان

لایه‌های تاریخی مختلف مفهوم «آشا» تفکیک قائل شد. گاهان، که کهن‌ترین بخش اوستا و به‌طور گسترده به خود زرتشت نسبت داده می‌شوند، واجد زبانی شاعرانه، انتزاعی و فلسفی‌اند و آشا را عمدتاً به‌مثابه اصل راستی و نظم اخلاقی در نسبت مستقیم با انتخاب انسانی صورت‌بندی می‌کنند.

در این لایه، تأکید بر مسئولیت فردی، خرد (وهومن) و کنش آگاهانه است و بسیاری از عناصر نظام‌مند کیهان‌شناسی هنوز به‌صورت صریح تکوین نیافته‌اند. به بیانی دیگر، در کهن‌ترین لایه، یعنی گاهان، آشا عمدتاً به‌عنوان اصلی اخلاقی و انتخاب‌محور صورت‌بندی می‌شود که در نسبت مستقیم با کنش آگاهانه انسان، خرد (وهومن) و مسئولیت فردی معنا می‌یابد. در این سطح، آشا بیش از آن‌که یک نظام کیهان‌شناختی مدون باشد، «افق معنایی راستی» است که کنش انسانی را جهت‌دهی می‌کند.

در مقابل، اوستای متأخر و متون پهلوی، بازتاب‌دهنده تکوین تاریخی سنت زرتشتی‌اند که در آن، آشا در چارچوب یک نظام الهیاتی منسجم، با کیهان‌شناسی دوگانه‌گرایانه، فرجام‌شناسی و روایت نبرد کیهانی خیر و شر پیوند می‌یابد. به دیگر بیان، در لایه‌های متأخرتر اوستایی، به‌ویژه در متونی که بازتاب‌دهنده تکوین تاریخی سنت زرتشتی‌اند، آشا در چارچوب یک کیهان‌شناسی نظام‌مند و دوگانه‌گرایانه، به‌عنوان قانون عام حاکم بر ساختار هستی و نبرد کیهانی خیر و شر صورت‌بندی می‌شود. در این مرحله، پیوند آشا با نظم طبیعی، فرجام‌شناسی و تاریخ مقدس پررنگ‌تر می‌گردد. در نهایت، در سنت پهلوی و بازتاب‌های آن در گفتمان سیاسی — دینی ایران باستان، آشا به‌عنوان مبنای پیوند میان نظم کیهانی و نظم اجتماعی — سیاسی عمل می‌کند و به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت و سازمان اجتماعی بدل می‌شود.

این تفکیک لایه‌ای، امکان مقایسه‌ای متوازن‌تر با تحول تاریخی مفاهیمی چون ییینگ ـ یانگ و وابی‌سابی را فراهم می‌سازد و از تقلیل آشا به یک معنای یگانه و فراتاریخی جلوگیری می‌کند. در این پژوهش، هرگونه ارجاع به ساختارهای نظام‌مند کیهان‌شناختی و الهیاتی، ناظر به لایه‌های پس‌گاهانی است، در حالی که تحلیل‌های بنیادین زبانی و اخلاقی آشا، بر گاهان تکیه دارند[۳۲].

تحلیل زبان‌شناختی آشا:

۱. ریشه‌شناسی: واژه اوستایی «آشا» از ریشه نیا-هندواروپایی[۳۳]، (اَر) به معنای «درست کردن»، «به هم پیوستن» و «نظم بخشیدن» مشتق شده است. این ریشه، گستره معنایی وسیعی در زبان‌های باستانی هندواروپایی دارد/ که همگی بر مفهوم «نظم» و «اتصال صحیح» دلالت می‌کنند (Boyce, 2000; Rose, 2019). مهم‌ترین هم‌ریشه‌های آشا عبارتند از (Grestenberger, 2023):

- «ریتا» (Ṛta) در سانسکریت ودایی: مفهومی تقریباً معادل آشا در متون ریگ‌ودا که به «نظم کیهانی» و «قانون طبیعی» حاکم بر جهان (حرکت ستارگان، توالی فصول) اشاره دارد. پژوهش‌های زبان‌شناختی تطبیقی نوین نشان می‌دهند که آشا و ریتا بازتاب یک مفهوم مشترک هندایرانی از «نظم» پیش از جدایی این دو قوم بوده‌اند (Lubotsky, 2018; Gnoli, 2013; Bar-nea-B, 2025).
- «اَرته» (Arta) در فارسی باستان: این واژه در

کتیبه‌های هخامنشی (مانند کتیبه بیستون) به کار رفته و دقیقاً معادل آشا است. داریوش بزرگ، مشروعیت پادشاهی خود و پیروزی‌اش بر «گئومات مغ» (که نماد «دروج» یا دروغ بود) را مبتنی بر حمایت اهورامزدا و استقرار مجدد «اَرته» (نظم) می‌داند (Barnea-C, 2025; Grabar, 2005).

- واژگانی چون *Harmony* (هماهنگی) در انگلیسی (از ریشه یونانی *Harmonia* به معنای اتصال) و *Order* (نظم) در لاتین (*Ordo*) نیز از همین ریشه مشتق شده‌اند. این گستردگی نشان می‌دهد که «آشا» در بنیادین‌ترین لایه زبانی خود، به معنای «نظم ساختاری» و «حقیقت» (آنچه درست به هم پیوسته) است (etymonline, 2025; New Worid Encyclopedia, 2024).

۲. تحول معنایی: تحلیل متون بنیادین نشان‌دهنده یک تحول معنایی ظریف اما حیاتی در مفهوم آشا است. در لایه‌های کهن‌تر (هندایرانی)، «ریتا/آشا» عمدتاً یک «نظم کیهانی» غیرشخصی و فیزیکی بود؛ قانونی که بر حرکت اجرام آسمانی و طبیعت حاکم بود. اما در گاهان[۳۴]، سروده‌های خود زرتشت، این مفهوم دچار یک «اخلاقی‌سازی»[۳۵] عمیق می‌شود (Vazquez, 2022). آشا هم‌بستیِ ناگسستنی میان نظم کیهانی و نظم اخلاقی ایجاد می‌کند (در تفکر زرتشتی، خالق از طبیعت جدا نیست). این دیگر فقط نظم جهان نیست، بلکه «نظم صحیح» ذهنی و رفتاری انسان است (Mehr, 2003).

۳. بافت متنی: در گاهان، آشا یکی از «امشاسپندان»[۳۶] یا فروزه‌های شش‌گانه اهورامزدا است (اَشه‌وهیشته: بهترین راستی). این مفهوم در تقابل مستقیم و آشتی‌ناپذیر با «دروج»[۳۷] به معنای «دروغ»، «آشوب» و «بی‌نظمی» قرار می‌گیرد. سراسر گاهان، توصیف نبرد این دو اصل است. اهورامزدا جهان را بر پایه آشا آفریده (یسنا ۴۴، بند ۳-۵) و انسان (اَشَوَن: پیرو آشا) موظف است با پندار، گفتار و کردار نیک، این نظم را در جهان تثبیت کرده و با دروج (دُروَند: پیرو دروغ) مبارزه کند. بنابراین، بافت متنی، آشا را از یک اصل خنثی (مانند قانون جاذبه) به یک «تکلیف الهی» بدل می‌سازد (Mehr, 2025).

تحلیل اجتماعی ـ فرهنگی آشا

۱. اخلاق و هنجارها: جهان‌بینی مبتنی بر آشا، یک «اخلاق کنش‌گرایانه»[۳۸] را پایه‌ریزی می‌کند. از آنجا که جهان صحنه نبرد نظم و آشوب است، بی‌طرفی اخلاقی ممکن نیست. انسان یا «اَشَوَن» است یا «دُروَند». این دوگانگی بر تمام شئون اجتماعی ایران باستان تأثیر گذاشت (Nolan, 2025). در تحلیل اجتماعی ـ فرهنگی آشا، ارجاع به کتیبه‌های هخامنشی باید در چارچوب ماهیت خاص این متون صورت گیرد. کتیبه‌های شاهی هخامنشی اسنادی ایدئولوژیک‌اند که بیش از آن‌که بازتاب‌دهنده واقعیت اجتماعی روزمره باشند، بیانگر الگوی هنجاری نظم مطلوب از منظر قدرت سیاسی هستند. مفاهیمی چون راستی، وفاداری، نظم و سرکوب دروغ در این متون، در قالب یک گفتمان مشروعیت‌بخش به سلطنت سامان می‌یابند که هدف آن تثبیت نظم کیهانی ـ سیاسی مبتنی بر آشا است. از این منظر، ارجاع به کتیبه‌ها در این پژوهش نه به‌منزله توصیف مستقیم اخلاق اجتماعی، بلکه به‌عنوان بازنمایی رسمی و ایدئولوژیک از هنجارهای مطلوب و آرمانی جامعه هخامنشی تلقی می‌شود (Briant, 2002)؛ هنجارهایی که پیوند میان نظم

کیهانی و نظم سیاسی را صورت‌بندی می‌کنند[۳۹]:

• اهمیت راستی: راست‌گویی و وفای به عهد (پیمان) بالاترین فضیلت‌های اجتماعی بودند. هرودوت، مورخ یونانی، اشاره می‌کند که پارسیان به پسران خود سه‌چیز می‌آموختند: اسب‌سواری، تیراندازی و «راست‌گویی». این بازتاب مستقیم مرکزیت آشا در هنجارهای اجتماعی است.

• کار و آبادانی: در وندیداد (بخشی از اوستای متاخر)، کشاورزی، آبیاری زمین‌های بایر و ازدیاد نسل، اعمالی مقدس و در جهت تقویت آشا (نظم و زندگی) و تضعیف دروج (خشکسالی و مرگ) تلقی می‌شوند. بیکاری و فقر، نشانه‌هایی از غلبه دروج بودند.

• پیمان (میثره) به‌مثابه سازوکار اجتماعی آشا: در جهان‌بینی ایران باستان، تحقق اجتماعی آشا بدون مفهوم «پیمان» (میثره-Mithra) قابل تبیین نیست. اگر آشا اصل راستی و نظم کیهانی است، پیمان سازوکار اجرایی آن در سطح اجتماع محسوب می‌شود. میثره در متون اوستایی و سنت زرتشتی، نگهبان عهد، ناظر بر وفاداری و ضامن اعتماد میان افراد و میان انسان و قدرت سیاسی است. از این منظر، پیمان نه‌فقط یک قرارداد حقوقی، بلکه یک الزام اخلاقی ـ کیهانی است که نقض آن به‌منزله تقویت دروج تلقی می‌شود (Gnoli, 2000). بدین‌ترتیب، راستی در اندیشه زرتشتی تنها در سطح نیت باقی نمی‌ماند، بلکه از طریق پایبندی به پیمان‌ها در روابط اجتماعی عینیت می‌یابد (Schmidt, 2018). پژوهش‌های ایران‌شناسی نشان داده‌اند که مفهوم میثره، حلقه اتصال میان نظم کیهانی آشا و نظم اجتماعی ـ سیاسی ایران باستان است (Boyce, 1969) و بدون آن، اخلاق کنش‌گرایانه زرتشتی فاقد ابزار تحقق جمعی خواهد بود[۴۰].

۲. هنر و زیبایی‌شناسی: تجلی آشا در هنر ایرانی، «زیبایی‌شناسی نظم، تقارن و شکوه» است. هنر هخامنشی، به‌ویژه در پایتخت آن، تخت جمشید (پرسپولیس)، بازتابی زمینی از نظم کیهانی آشا است (Dusinberre & et. al., 2020).

• تخت جمشید: این مجموعه صرفاً یک کاخ سلطنتی نبود، بلکه یک «بیانیه کیهان‌شناختی» بود. نقوش برجسته پلکان آپادانا که نمایندگان ملل گوناگون را در «نظمی» کامل، بدون هرج‌ومرج و با وقار، در حال تقدیم هدایا به شاهنشاه نشان می‌دهد، تجسم «اَرته» (آشا) است. شاهنشاه در اینجا به‌عنوان نماینده اهورامزدا بر روی زمین، نظمی را که آشا بر کیهان حاکم کرده، بر امپراتوری (گیتی) حاکم می‌کند. تقارن مطلق در معماری، صفوف منظم سربازان و تکرار موتیف‌ها، همگی در خدمت القای مفهوم «نظم مطلق» در برابر «آشوب» احتمالی (دروج) هستند (Nalbandë, 2025; Caneva & et. al., 2023; Barnea-A, 2025).

۳. آیین و مناسک: آیین‌های زرتشتی عمیقاً با حفظ آشا گره خورده‌اند. «دروج» نه‌تنها دروغ اخلاقی، بلکه «آلودگی» فیزیکی و آیینی نیز هست (Stow Mead, 2008).

• آیین‌های تطهیر: مراسم «یسنا» و ستایش آتش (آذر، نماد آشا و پاکی) و آب (آبان)، همگی اعمالی برای حفظ پاکی عناصر مقدس و دور راندن آلودگی (دروج) هستند (Boyce, 2015). قوانین سخت‌گیرانه در مورد مردار (نسو) که نماد غایی تاخت‌وتاز دروج

و بی‌نظمی (مرگ) است، نشان می‌دهد که حفظ نظم فیزیکی جهان، مستقیماً به حفظ نظم کیهانی آشا مرتبط بود (Aslanoğlu, 2022).

تحلیل فلسفی ـ کیهان‌شناختی آشا

۱. هستی‌شناسی (اصل واقعیت): اصل بنیادین واقعیت در این جهان‌بینی، «نظم» است. هستی، یک «کاسموس»[۴۱] است، نه یک «کائوس»[۴۲]. این نظم، ذاتی، قانون‌مند و مبتنی بر «حقیقت» است. آشا، طرح و نقشه الهی است که جهان مادی (گیتی) و جهان مینوی (معنوی) بر اساس آن آفریده شده و باید بگردد (Vale & Santos, 2024; Agostini & et. al., 2020; Ahmadi, 2022). تحلیل تداوم تاریخی مفهوم آشا بدون اتکا به منابع مرجع مطالعات زرتشتی امکان‌پذیر نیست. پژوهش‌های کلاسیک ایران‌شناسی نشان داده‌اند که آشا از کهن‌ترین لایه‌های گاهانی تا متون اوستایی متأخر و پهلوی، همواره به‌عنوان محور پیونددهنده نظم کیهانی، حقیقت اخلاقی و قانون الهی حضور داشته است (Zaehner, 2011). در گاهان، آشا عمدتاً در قالب راستی و انتخاب اخلاقی انسان صورت‌بندی می‌شود، در حالی که در سنت متأخر، این مفهوم در یک دستگاه کیهان‌شناختی منسجم‌تر ادغام می‌گردد که شامل نبرد خیر و شر، نظم زمانی تاریخ و فرجام‌شناسی است. آثار مرجع مطالعات زرتشتی نشان می‌دهند که این تحول نه گسست مفهومی، بلکه بسط تدریجی یک هسته معنایی پایدار است که در طول تاریخ دینی ایران بازتفسیر شده است (Boyce, 2000; Duchesne-Guillemin, 1973). بدین‌ترتیب، تداوم آشا را باید به‌مثابه یک فرآیند تاریخی ـ تفسیری فهم کرد که از یک اصل اخلاقی ـ فلسفی آغاز شده و به یک نظام کیهان‌شناختی کامل انجامیده است[۴۳].

۲. ساختار دوگانگی (رابطه اضداد): این جهان‌بینی دارای یک «دوگانه‌گرایی اخلاقی-تخاصمی»[۴۴] است. آشا و دروج، دو اصل «متضاد» و «آشتی‌ناپذیر» هستند. آن‌ها در نبردی دائمی (گمیزشن: آمیزش) به سر می‌برند که تا پایان تاریخ (فرشگرد: بازسازی نهایی جهان) ادامه خواهد داشت. برخلاف یینگ ـ یانگ، این دو نیرو مکمل یکدیگر نیستند و هدف، تعادل آن‌ها نیست؛ هدف، «پیروزی کامل» آشا و «نابودی مطلق» دروج است (Kakouris, 2023).

۳. انسان‌شناسی فلسفی (نقش انسان): نقش انسان در این کیهان‌شناسی، نقش «مشارکت‌کننده فعال» یا «سرباز» در جبهه خیر است. انسان موجودی منفعل یا صرفاً هماهنگ‌شونده نیست. او دارای «اختیار» است و باید آگاهانه جانب آشا را بگیرد. هر «کردار نیک» انسان، کمکی مستقیم به اهورامزدا در نبرد کیهانی و تسریع پیروزی نهایی نظم بر آشوب، به عنوان « همکار» (Hamkār) است. بنابراین، رستگاری انسان در «کنش‌گری» اخلاقی او تعریف می‌شود (Peschl, 2025; Yazdi, 2025).

تحلیل رکن دوم: یینگ ـ یانگ (Yin-Yang) و جهان‌بینی تعادل پویا: مفهوم «یینگ ـ یانگ» (چینی: 陰陽) بنیادین‌ترین اصل در بخش اعظمی از فلسفه و کیهان‌شناسی چینی، به‌ویژه تائوئیسم و کنفوسیوسیسم متاخر است. این نماد، نه بیانگر تقابل، بلکه تبیین‌کننده «سازوکار دگرگونی» و «تعادل پویای» حاکم بر هستی است (Baoshan, 2019; Li P.P., 2018; Zhang H. , 2023).

تحلیل زبان‌شناختی ییینگ ـ یانگ

۱. ریشه‌شناسی: ریشه این دو واژه در چینی باستان، کاملاً «عینی» و پدیدارشناختی است (Wang, 2025; Britannica Editors -B. , 2025; Chinasage, 2024).

• ییینگ (陰): در اصل به معنای «سمت سایه‌دار تپه» یا «سواحل ابری رودخانه» بوده است. این مفهوم با تاریکی، سرما، سکون و جهت شمال مرتبط بود.

• یانگ (陽): در اصل به معنای «سمت آفتاب‌گیر تپه» یا «سواحل آفتابی رودخانه» بوده است. این مفهوم با روشنایی، گرما، فعالیت و جهت جنوب مرتبط بود. این ریشه‌شناسی نشان می‌دهد که این جهان‌بینی، نه از مفاهیم انتزاعی متافیزیکی، بلکه از «مشاهده دقیق طبیعت» آغاز شده است. جهان‌بینی چینی، جهان را در وهله اول از طریق پدیده‌های طبیعی و ملموس درک می‌کرد.

۲. تحول معنایی: تحول معنایی کلیدی، گذار از این «پدیده‌های فیزیکی» به «اصول متافیزیکی» بود. این دو مفهوم به‌تدریج از «سمت سایه‌دار/آفتابی» به نمایندگان تمام دوگانگی‌های هستی تعمیم یافتند: شب (ییینگ) و روز (یانگ)، زن (ییینگ) و مرد (یانگ)، منفعل (ییینگ) و فعال (یانگ)، زمین (ییینگ) و آسمان (یانگ). این تحول، ییینگ ـ یانگ را به «زبان توصیف فرایند» در کل کیهان تبدیل کرد (Jeffrey, 2021; Xinyan, 2013; Song & Cao, 2022).

۳. بافت متنی:

• ای‌چینگ (I Ching – کتاب دگرگونی‌ها): این متن کلاسیک، کهن‌ترین بستر کاربرد نظام‌مند ییینگ ـ یانگ است[۴۵]. در ای‌چینگ، یانگ با یک خط ممتد (—) و ییینگ با یک خط منقطع (--) نمایش داده می‌شود. تمام ۶۴ هگزاگرام (شش‌خطی) که تمام وضعیت‌های ممکن بشری و کیهانی را توصیف می‌کنند، از ترکیب این دو خط ساخته شده‌اند. این نشان می‌دهد که «واقعیت» در این متن، چیزی جز «ترکیب» و «دگرگونی» دائمی ییینگ و یانگ نیست (Schilling, 2020; Pearson & Major, 2025).

• تائو ته چینگ (Tao Te Ching): در این متن بنیادین تائوئیسم، ییینگ و یانگ به‌عنوان دو تجلی اساسی «تائو» (Tao – راه) توصیف می‌شوند. «تائو» خود واحد و غیرقابل توصیف است (ورای ییینگ و یانگ)، اما «ده هزار چیز» (استعاره از کل هستی) را از طریق تعامل این دو نیرو می‌آفریند (Tzu, 2012).

تحلیل اجتماعی ـ فرهنگی ییینگ ـ یانگ

۱. اخلاق و هنجارها: اخلاق مبتنی بر ییینگ ـ یانگ، یک «اخلاق انطباقی» است. هدف، پیروزی یانگ بر ییینگ (مانند پیروزی آشا بر دروج) نیست، بلکه «تعادل» این دو است. افراط در هر یک (یانگ بیش از حد یا ییینگ بیش از حد) منجر به بیماری و آشوب می‌شود (Joshi, 2024; Kohn, 2019).

• وو وی (Wu Wei – کنش بی‌کنش): این اصل محوری تائوئیسم، به معنای «انفعال» مطلق نیست، بلکه به معنای «کنش بدون تقلا» یا «کنش هماهنگ» با جریان تائو (جریان ییینگ ـ یانگ) است. بهترین رهبر، هنرمند یا پزشک کسی است که الگوهای ییینگ و یانگ را درک کرده و با حداقل دخالت، به تعادل کمک می‌کند (Miller, Li, & Ruan, 2022; Liu, 2024).

۲. هنر و زیبایی‌شناسی: زیبایی‌شناسی چینی عمیقاً تحت تأثیر «تعادل و هماهنگی» است.

• نقاشی منظره (Shanshui - کوه و آب): این سبک کلاسیک نقاشی چینی، تجسم کامل یینگ ـ یانگ است. «شان» (کوه) جامد، ایستا، عمودی و روشن (یانگ) است و «شوی» (آب) سیال، متحرک، افقی و تاریک (یینگ) است. زیبایی نقاشی در تضاد این دو نیست، بلکه در «هماهنگی» و «جریان» (چی - Qi) میان آن‌ها و فضای خالی (که خود تجلی تائو است) نهفته است (Sullivan, 2020; Clave, 2024).

• فنگ شویی (Feng Shui - باد و آب): این هنر باستانی چیدمان فضا (معماری و دکوراسیون داخلی)، تماماً بر اساس مدیریت جریان «چی» و تعادل نیروهای یینگ و یانگ در محیط زندگی برای دستیابی به سلامتی و کامیابی است (Dizikes, 2023; Xie & Mao, 2025).

۳. آیین و مناسک (کاربردها): یینگ ـ یانگ بیش از آنکه در مناسک دینی به کار رود، در «سیستم‌های کاربردی» نهادینه شده است:

• طب سنتی چین (TCM): اساس TCM بر این استوار است که سلامتی، تعادل یینگ و یانگ در بدن است. بیماری، حاصل فزونی یا کاستی یکی از این دو است. مثلاً تب (یانگ اضافی) با گیاهان دارویی «سرد» (یینگ) درمان می‌شود. طب سوزنی نیز با هدف تنظیم مجدد جریان «چی» (انرژی حیاتی که حاصل تعامل یینگ و یانگ است) در مریدین‌های بدن انجام می‌شود (Matos & et. al., 2021; Smith & Laitman, 2023; Yin & et. al., 2024).

تحلیل فلسفی ـ کیهان‌شناختی یینگ ـ یانگ

۱. هستی‌شناسی (اصل واقعیت): اصل بنیادین واقعیت، «فرایند پویا» یا «تعادل» است. هستی، مجموعه‌ای از «اشیاء» ثابت نیست، بلکه یک «رویداد» یا «جریان» دائمی دگرگونی است که توسط «تائو» هدایت می‌شود. یینگ و یانگ، دو فاز این جریان واحد هستند. واقعیت نهایی، «تغییر» است (Lanoue, 2024; Tze-ki, 2025).

۲. ساختار دوگانگی (رابطه اضداد): این جهان‌بینی دارای یک «دوگانه‌گرایی تکمیلی»[۴۶] است. این یک دوگانه‌گرایی در دل یک «وحدت»[۴۷] است (وحدت تائو) (Gregory, 2025; Tu, 2023; Abbas, 2024).

• تضاد نیستند، مکمل‌اند: یینگ و یانگ دشمن هم نیستند (برخلاف آشا و دروج). آن‌ها یکدیگر را «تعریف» می‌کنند (تاریکی بدون روشنایی بی‌معناست).

• در هم تنیده‌اند: نماد (Taijitu) نشان می‌دهد که در اوج یانگ (سفیدی)، نطفه یینگ (نقطه سیاه) وجود دارد و بالعکس.

• به هم تبدیل می‌شوند: روز به شب تبدیل می‌شود و شب به روز. این تبدیل، قانون کیهان است.

۳. انسان‌شناسی فلسفی (نقش انسان): نقش انسان، «هماهنگ‌کننده» است. انسان نه «سرباز» (مانند آشا) و نه «پذیرنده منفعل» (مانند وابی‌سابی) است. انسان (به‌ویژه «فرزانه» یا Shengren) موجودی است که با مشاهده طبیعت و درون، الگوهای تائو (یینگ ـ یانگ) را می‌فهمد و زندگی خود، خانواده و جامعه را با آن «هم‌نوا» می‌سازد. هدف، تسلط بر طبیعت یا شکست دادن آن نیست، بلکه «جریان یافتن» همراه

با آن است (Schönfeld & Chen , 2019; Kim & et. al., 2024).

تحلیل رکن سوم: وابی‌سابی (Wabi-Sabi) و جهان‌بینی پذیرش ناپایداری

«وابی‌سابی» (ژاپنی: 侘寂) مفهومی متاخرتر نسبت به آشا و یینگ ـ یانگ است که هسته اصلی «زیبایی‌شناسی» ژاپنی را تشکیل می‌دهد. این مفهوم که عمیقاً ریشه در «ذن بودیسم» دارد، یک جهان‌بینی کامل مبتنی بر پذیرش «ناپایداری» و «نقص» است (Suzuki, 2021).

تحلیل زبان‌شناختی وابی‌سابی

۱. ریشه‌شناسی: این مفهوم از ترکیب دو واژه مجزا که در طول تاریخ به هم پیوسته‌اند، شکل گرفته است (Atkins, 2024; Avdulov, 2022):

- وابی (侘): در ریشه‌های کهن، «وابی» به معنای «فقر»، «تنهایی»، «انزوا» و «زندگی به دور از جامعه» بود (مانند یک راهب منزوی). این واژه بار معنایی «منفی» یا دست‌کم «غم‌انگیز» داشت.
- سابی (寂): در اصل به معنای «پژمرده»، «فرسوده»، «کهنه» یا «تنها» بود. این واژه نیز حس «زوال» و «اندوه» را تداعی می‌کرد.

۲. تحول معنایی: تحول معنایی در اینجا، شگفت‌انگیزترین بخش داستان وابی‌سابی است. تحت تأثیر عمیق ذن بودیسم (به‌ویژه از قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی)، این دو واژه با بار معنایی «منفی»، دچار یک «تصعید» فلسفی و زیبایی‌شناختی شدند (Ju-niper , 2011; Wilkinson, 2022).

- «وابی» از «فقر مادی» به «غنای معنوی» و «سادگی داوطلبانه»[۴۸] تغییر معنا داد.
- «سابی» از «زوال و فرسودگی» به «زیبایی ناشی از گذر زمان»[۴۹] و «اصالت» تغییر معنا داد. وابی‌سابی در معنای مدرن خود، به معنای یافتن «زیبایی در نقص»، «پذیرش ناپایداری» و «اصالت سادگی» است. این دقیقاً وارون‌سازی ارزش‌های کلاسیک غربی (کمال، تقارن، دوام) است.

۳. بافت متنی: وابی‌سابی یک «متن بنیادین» واحد مانند اوستا یا ای‌چینگ ندارد. این مفهوم به‌صورت تدریجی در «فرهنگ» و «هنر» نهادینه شد (Parkes & Loughnane, 2023).

- ادبیات هایکو[۵۰]: شاعرانی چون «باشو» (Bashō) در قرن ۱۷، با سروده‌های خود که بر «لحظه گذرا»، «طبیعت» و «اندوه ژرف» (سابی) تمرکز داشتند، به تئوریزه کردن این مفهوم کمک کردند (Saito, 2017; Pignocchi, 2023).
- رساله‌های آیین چای: استادان چای مانند «سن نو ریکیو» (Sen no Rikyū) که آیین چای مبتنی بر سادگی و استفاده از ابزار ناقص (وابی-چا) را بنیان نهادند، بزرگترین مروجان عملی این جهان‌بینی بودند (Li X. , 2024).

تحلیل اجتماعی ـ فرهنگی وابی‌سابی

۱. اخلاق و هنجارها: اخلاق وابی‌سابی، یک «اخلاق پذیرنده» است. این اخلاق بر «فروتنی»، «سادگی» و «قناعت» تأکید دارد. برخلاف اخلاق کنش‌گرای آشا (که در پی تغییر جهان است) یا اخلاق انطباقی یینگ ـ یانگ (که در پی هماهنگی با جهان است)، اخلاق وابی‌سابی در پی «پذیرش» جهان آن‌گونه که هست (Tathātā - چنین‌بودگی) می‌باشد. این اخلاق، مخالف سرسخت «ماتریالیسم»

(مادهگرایی)، «مصرفگرایی» و «نمایش تجمل» است (Fallahnejad, 2025; Tanaka, 2025).

۲. هنر و زیبایی‌شناسی: وابی‌سابی، بیش از هر چیز، یک «زیبایی‌شناسی» است. این مفهوم در تمام هنرهای سنتی ژاپن رسوخ کرده است (Mochi-naga, 2023; Siyi & Ayob, 2024):

- کینتسوگی (Kintsugi – اتصال طلایی): هنر تعمیر سفال‌های شکسته با لاک و پودر طلا. در این هنر، «شکستگی» (نقص) پنهان نمی‌شود، بلکه به‌عنوان بخشی از «تاریخ» ارزشمند آن شیء، با طلا «برجسته» می‌شود. شیء شکسته، زیباتر و منحصربه‌فردتر از شیء سالم تلقی می‌شود.
- سفالگری راکو (Raku Ware): سفال‌هایی که عمداً «ناقص»، «نامتقارن» و «خشن» ساخته می‌شوند و اغلب در مراسم چای وابی‌سابی به کار می‌روند.
- باغ‌های ذن (Karesansui): باغ‌های خشک ژاپنی که با استفاده از سنگ، شن و فضای خالی (نماد تهیگی)، حس «سکون» و «ابدیت در لحظه» را القا می‌کنند.

۳. آیین و مناسک:

- مراسم چای ژاپنی (Chanoyu): این آیین، تجسم کامل و زنده وابی‌سابی است. یک استاد چای (مانند ریکیو) به‌جای استفاده از فنجان‌های گران‌بهای چینی (که کامل و متقارن بودند)، آگاهانه از یک فنجان سفالی خشن، کج و ناقص (راکو) استفاده می‌کرد. این آیین، مراقبه‌ای است برای تمرکز بر «لحظه حال» (Ichi-go ichi-e: یک بار، یک دیدار) و درک زیبایی در «سادگی» و «نقص» ابزارآلات (Saito, 2022; Chambers, 2025).

تحلیل فلسفی ـ کیهان‌شناختی وابی‌سابی

۱. هستی‌شناسی (اصل واقعیت): اصل بنیادین واقعیت در این جهان‌بینی، «ناپایداری» و «تهیگی»[۵۱] است. این دو، اصول اساسی ذن بودیسم هستند. هستی، «ثابت» و «کامل» نیست (برخلاف نظم آشا). همه‌چیز در حال «زوال» و «تغییر» است و هیچ‌چیز دارای «ذات» پایدار (Anattā) نیست. وابی سابی، پذیرش این واقعیت هستی‌شناختی و یافتن «آرامش» و «زیبایی» در دل آن است (Bayani, 2025; Van Bui, 2025).

۲. ساختار دوگانگی (رابطه اضداد): این جهان‌بینی «غیردوگانه‌گرا» است. وابی سابی در پی «حل» تقابل «کمال/نقص» یا «زیبایی/زشتی» نیست. همچنین در پی «تعادل» آن‌ها (مانند یینگ ـ یانگ) هم نیست. بلکه با «فراروی»[۵۲] از این دوگانگی، اعلام می‌کند که «نقص» عین «کمال» است و «فرسودگی» عین «زیبایی» است. این یک پذیرش رادیکال «واقعیت چنان‌که هست» (Tathātā) می‌باشد (Suchi-tani, 2025; Cumpton, 2025; Radcliffe, 2025).

۳. انسان‌شناسی فلسفی (نقش انسان): نقش انسان، «مشاهده‌گر پذیرنده» است. انسان نه می‌جنگد (آشا) و نه هماهنگ می‌کند (یینگ ـ یانگ)؛ او «می‌بیند» و «می‌پذیرد». رهایی (Satori یا اشراق در ذن) از طریق «درک شهودی» و «آنی» این حقیقت (ناپایداری و نقص) در یک فنجان چای شکسته، یک گل در حال پژمردن یا صدای یک قورباغه (مانند هایکوی باشو) حاصل می‌شود. این یک انسان‌شناسی مبتنی بر «شهود» و «پذیرش» است، نه «عقلانیت» یا «کنش‌گری» (Koren, 2008; Star-lyte, 2025).

جدول ۷: تحلیل تطبیقی زبان‌شناختی ارکان سه‌گانه

شاخص زبان‌شناختی	آشا- نظم	ینگ یانگ - تعادل	وابی‌سابی- ناپایداری
ریشه‌شناسی	انتزاعی/متافیزیکی (ریشه ऋच: «نظم دادن»، «پیوستن»)	عینی/طبیعی (陰/陽: «سمت سایه‌دار/آفتابی تپه»)	عاطفی/اجتماعی (侘/寂: «فقر/تنهایی/زوال»)
هم‌ریشه‌های کلیدی	ریتا (سانسکریت)، ارته (فارسی باستان)، Harmony (یونانی)	(مفهوم عمدتاً درون‌چینی)	(مفاهیم عمدتاً درون‌ژاپنی مانند Yūgen, Shibui)
تحول معنایی	از «نظم کیهانی/فیزیکی» به «نظم اخلاقی/حقیقت» (Moralization)	از «پدیده‌های طبیعی» به «اصول متافیزیکی» (Abstractization)	از «مفاهیم منفی» (فقر/زوال) به «ارزش‌های زیبایی‌شناختی مثبت» (Sublimation)
متن بنیادین/بافت	متون مقدس (اوستا، گاهان) - به‌عنوان اصل الهی	متون فلسفی/کلاسیک (ای‌چینگ، تائو ته چینگ) - به‌عنوان اصل فرایند	متون هنری/ادبی (رساله‌های چای، هایکو) - به‌عنوان اصل زیبایی‌شناختی

جدول ۸: تحلیل تطبیقی تجلیات اجتماعی ـ فرهنگی (اخلاق و زیبایی‌شناسی)

شاخص اجتماعی ـ فرهنگی	آشا - ایران	ینگ یانگ- چین	وابی‌سابی- ژاپن
هسته اخلاقی	اخلاق کنش‌گرایانه (Proactive) (راستی، پیمان، آبادانی، مبارزه با دروغ)	اخلاق انطباقی (Adaptive) (هماهنگی، انعطاف، وو وی، پرهیز از افراط)	اخلاق پذیرنده (Receptive) (فروتنی، سادگی، قناعت، پذیرش نقص)
هدف اخلاقی	پیروزی نظم (آشا) بر آشوب (دروج)	حفظ تعادل پویا (هماهنگی با تائو)	رهایی از رنج (پذیرش ناپایداری)
هسته زیبایی‌شناسی	زیبایی‌شناسی نظم و شکوه (Aesthetics of Order)	زیبایی‌شناسی تعادل و جریان (Aesthetics of Balance)	زیبایی‌شناسی نقص و ناپایداری (Aesthetics of Imperfection)
ویژگی‌های کلیدی هنری	تقارن، عظمت، دوام، تکرار منظم	هماهنگی، فضای خالی (Void)، جریان (Qi)، عدم تقارن متعادل	عدم تقارن، سادگی (Kanso)، فرسودگی (Sabi)، اصالت، خشونت (Raku)
نمونه بارز تجلی	معماری تخت جمشید (نظم امپراتوری)	نقاشی منظره (شان‌شوی) / فنگ شویی (تعادل طبیعت)	آیین چای (وابی-چا) / کینتسوگی (بزرگداشت نقص)

یافته‌ها

در این پژوهش، بخش «یافته‌ها» صرفاً به گزارش داده‌های خام یا طبقه‌بندی‌های توصیفی محدود نمی‌شود، بلکه شامل فرایند استخراج و صورت‌بندی یافته‌های مفهومی است. از آنجا که جداول تحلیلی ارائه‌شده خود حاصل کدگذاری، تقلیل و هم‌نشینی مفاهیم جهان‌بینانه‌اند، تفسیرهای نظری بلافاصله پس از آن‌ها، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تولید یافته محسوب می‌شوند (Maxwell, 2023). در رویکردهای کیفی ـ تفسیری و پژوهش‌های مدل‌محور، چنین درهم‌تنیدگیِ داده و تفسیر، نه نشانه فقدان تفکیک روش‌مند، بلکه شرط لازم برای حفظ انسجام تحلیلی و جلوگیری از گسست میان صورت‌بندی مفهومی و شواهد تحلیلی است[۵۳] (Huberman, Saldana, & Miles, 2019; Flick, 2022).

بخش پیشین (بدنه اصلی)، به کالبدشکافی منفرد سه رکن تطبیق ـ آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی ــ بر اساس چارچوب تحلیلی سه‌بعدی (زبان‌شناختی، اجتماعی ـ فرهنگی و فلسفی) اختصاص یافت. یافته‌های آن بخش، داده‌های خام این پژوهش را تشکیل دادند. بخش حاضر، گام تحلیلی بعدی را برداشته و وارد مرحله «سنتز تطبیقی» می‌شود. در این بخش، با اتکا به مراحل روش‌شناختی پژوهش (شامل عامل‌یابی، معادله‌یابی، وزن‌دهی به عوامل و ارائه معادله تطبیقی)، یافته‌های مستخرج از ۱۱۰ منبع کتابخانه‌ای، در چارچوبی مقایسه‌ای ارائه می‌گردند تا به سؤالات اصلی پژوهش در باب مشابهت‌ها و تفاوت‌های ماهوی این سه جهان‌بینی پاسخ داده شود.

عامل‌یابی و تدوین معادلات ساختاری

بر اساس مرحله «عامل‌یابی» در روش‌شناسی، «عوامل کلیدی» ایجادکننده خصوصیات اصلی هر جهان‌بینی، بر اساس «نظریه‌های راهنما» (مانند نظریه تحلیل جهان‌بینی و تحلیل ساختاری لوی-استروس) استخراج شدند. در ادامه، این عوامل در قالب «معادلات ساختاری» (که در اینجا نه فرمول‌های ریاضی، بلکه تعاریف کوتاه و اثربخش برای تبیین ماهیت ارتباط عوامل هستند) نام‌گذاری و تعریف می‌شوند.

معادله ساختاری آشا:

تحلیل‌ها نشان داد که جهان‌بینی آشا بر پنج عامل کلیدی استوار است: ۱) نظم کیهانی (اصل هستی‌شناختی)، ۲) حقیقت/راستی (تجلی معرفت‌شناختی)، ۳) دوگانه‌گرایی اخلاقی-تخاصمی (مکانیسم ساختاری)، ۴) کنش‌گری فعال انسانی (الزام انسان‌شناختی) و ۵) آشوب/دروج (نیروی متضاد).

- تعریف و تبیین معادله: ماهیت آشا در یک «رابطه علی-غایی» تعریف می‌شود. نظم (آشا) و آشوب (دروج) به‌عنوان دو نیروی متضاد و آشتی‌ناپذیر، ساختار کیهان را تعریف می‌کنند. این دوگانگی، یک «الزام اخلاقی» برای انسان (کنش‌گر فعال) ایجاد می‌کند تا آگاهانه جانب نظم و حقیقت را بگیرد و علیه آشوب مبارزه کند.
- صورت‌بندی مفهومی: نظم کیهانی و حقیقت، که در یک ساختار دوگانه اخلاقی تعریف شده‌اند، از طریق کنش‌گری انسانی، به هدف نهایی یعنی شکست آشوب، نائل می‌شوند.

معادلهٔ ۱: معادله «جهان‌بینی نظم اخلاق‌محور» در آشا

معادله ساختاری یینگ ـ یانگ:

عوامل کلیدی این جهان‌بینی عبارتند از: ۱) تائو (اصل وحدت‌بخش و هستی‌شناختی)، ۲) فرایند پویا/تغییر (ماهیت واقعیت)، ۳) دوگانگی تکمیلی (مکانیسم ساختاری)، ۴) تعادل/هماهنگی (هدف غایی) و ۵) کنش انطباقی (الزام انسان‌شناختی).

- تعریف و تبیین معادله: ماهیت یینگ ـ یانگ در یک «رابطه فرایندی-چرخه‌ای» تعریف می‌شود. اصل واحد (تائو) خود را در قالب یک فرایند دائمی تغییر از طریق تعامل دو نیروی مکمل (یینگ و یانگ) متجلی می‌سازد. این دوگانگی تخاصمی نیست، بلکه «هستی‌بخش» است. هدف انسان، نه حذف یکی، بلکه «هماهنگی» و «انطباق» با این جریان پویا برای حفظ تعادل است.

• صورت‌بندی مفهومی: فرایند واحد (تائو)، از طریق تجزیه به دوگانگی مکمل و درهم‌تنیده (یینگ و یانگ)، به هدف تعادل پویا (هماهنگی) دست می‌یابد.

معادلهٔ ۲: معادله «جهان‌بینی تعادل فرآیندمحور» در ینگ یانگ

معادله ساختاری وابی‌سابی: «جهان‌بینی پذیرش زیبایی‌شناختی»

عوامل کلیدی این جهان‌بینی عبارتند از:۱) ناپایداری/ Mujō (اصل هستی‌شناختی)، ۲) تهیگی/Śūnyatā (پایه متافیزیکی)، ۳) نقص و سادگی (تجلیات عینی)،۴) پذیرش شهودی (الزام انسان‌شناختی) و۵) غیردوگانه‌گرایی(مکانیسم‌ساختاری).

• تعریف و تبیین معادله: ماهیت وابی‌سابی در یک «رابطه شهودی-رهایی‌بخش» (Intu-itive-Liberating) تعریف می‌شود. واقعیت بنیادین هستی، «ناپایداری» و «نبود ذات ثابت» است (برخلاف نظم ثابت آشا). این جهان‌بینی، دوگانگی کلاسیک (کمال/نقص، زیبایی/زشتی) را از طریق «پذیرش» و «ارزش‌گذاری مجدد» حل می‌کند. انسان با پذیرش شهودی نقص و ناپایداری (تجلی‌یافته در سادگی)، از رنج دلبستگی به کمال رها می‌شود.

• صورت‌بندی مفهومی: واقعیت هستی‌شناختی ناپایداری و نقص، از طریق پذیرش شهودی انسان، به فراروی از دوگانگی و درک زیبایی رهایی‌بخش نائل می‌شود.

معادلهٔ ۳: معادله «جهان‌بینی پذیرش زیبایی‌شناختی» در وابی سابی

تحلیل تطبیقی: شناسایی مشابهت‌های ماهوی

یافته‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های بنیادین که در ادامه خواهد آمد، این سه جهان‌بینی در سطوح ساختاری و کارکردی، مشابهت‌های قابل تأملی دارند:

۱. مشابهت کارکردی:

هر سه مفهوم، «پاسخ‌هایی جامع» به پرسش‌های بنیادین بشر هستند. آن‌ها صرفاً فلسفه، اخلاق یا زیبایی‌شناسی مجرد نیستند، بلکه «نظام‌های راهنما» می‌باشند که رابطه «هستی‌شناسی» (جهان چیست؟) و «ارزش‌شناسی» (چگونه باید زیست؟) را تعریف می‌کنند. هر سه از سطح کیهان‌شناسی آغاز و به سطح کنش روزمره (اخلاق، هنر، آیین) تسری می‌یابند.

۲. مشابهت ساختاری:

هر سه جهان‌بینی از طریق تعریف یک «اصل بنیادین»[۵۴] و سپس تعریف رابطه انسان با آن اصل، عمل می‌کنند.

- آشا: اصل بنیادین «نظم» است؛ رابطه انسان «مبارزه» برای آن است.
- یینگ ـ یانگ: اصل بنیادین «فرایند/تائو» است؛ رابطه انسان «هماهنگی» با آن است.
- وابی‌سابی: اصل بنیادین «ناپایداری/Mujō» است؛ رابطه انسان «پذیرش» آن است.

۳. مشابهت در مکانیسم دوگانگی:

هر سه مفهوم (حتی وابی‌سابی که غیردوگانه است) در پاسخ به یک «تقابل» یا «تنش» بنیادین شکل گرفته‌اند. آن‌ها مکانیسم‌هایی برای «مدیریت» دوگانگی‌های ادراک‌شده در جهان هستند.

- آشا: مدیریت تنش «نظم در برابر آشوب».
- یینگ ـ یانگ: مدیریت تنش «اضداد

طبیعی» (شب/روز، گرما/سرما).

- وابی‌سابی: مدیریت تنش «کمال/دلبستگی در برابر نقص/زوال».

۴. مشابهت غایی[۵۵]:

هر سه جهان‌بینی در نهایت به دنبال یک «غایت» هستند که می‌توان آن را نوعی «رهایی» یا «وضعیت مطلوب» نامید.

- در آشا: رهایی از دروج و رسیدن به «فرشگرد» (بازسازی نهایی جهان).
- در یینگ ـ یانگ: رهایی از عدم تعادل و رسیدن به «هماهنگی» با تائو.
- در وابی‌سابی: رهایی از رنج (Dukkha) و رسیدن به «اشراق/پذیرش» (Satori).

تحلیل تطبیقی: تبیین تفاوت‌های بنیادین

یافته‌های کلیدی پژوهش در تفاوت‌های ماهوی این سه مفهوم نهفته است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده سه «راه‌حل» تمدنی کاملاً متمایز برای پرسش واحد «چگونگی زیستن در کیهان» است. جدول ۹ این تفاوت‌های محوری را که مستقیماً از تحلیل‌های بخش بدنه اصلی و معادلات ساختاری فوق استخراج شده‌اند، به‌صورت فشرده نمایش می‌دهد.

تقلیل و وزن‌دهی به عوامل: بر اساس مراحل روش‌شناسی، «معادلات ساختاری» پیچیده به «معادلات تقلیلی»[۵۶] کاهش می‌یابند تا هسته معنایی آن‌ها برای مقایسه نهایی آشکار شود.

جدول ۹: ماتریس تطبیقی تفاوت‌های بنیادین جهان‌بینی‌های سه‌گانه

شاخص تطبیقی	آشا - ایران	یینگ یانگ - چین	وابی‌سابی - ژاپن
۱. مسئله بنیادین (The Core Problem)	آشوب اخلاقی (Moral Chaos / Druj)	عدم تعادل فرایندی (Processual Imbalance)	رنج وجودی (Existential Suffering / Dukkha)
۲. اصل حاکم بر هستی (Governing Principle)	نظم (Order) - (هستی‌شناسی قانون‌محور)	تعادل (Balance) - (هستی‌شناسی فرایندمحور)	ناپایداری (Impermanence) - (هستی‌شناسی پذیرش‌محور)
۳. ساختار دوگانگی (Nature of Duality)	تخاصمی (Antagonistic) (نبرد آشتی‌ناپذیر؛ هدف: حذف)	تکمیلی (Complementary) (وابستگی متقابل؛ هدف: تعادل)	غیردوگانه (Non-Dual) (فراروی از تقابل؛ هدف: پذیرش)
۴. نقش انسان‌شناختی (Role of Human)	مبارز/کنش‌گر فعال (Warrior) (مسئولیت تغییر جهان)	هماهنگ‌کننده / انطباق‌پذیر (Harmonizer) (مسئولیت همسویی با جهان)	مشاهده‌گر / پذیرنده (Observer) (مسئولیت درک شهودی جهان)
۵. نگرش به زمان (View of Time)	خطی (Linear) (حرکت به‌سوی غایت؛ آینده‌محور)	چرخه‌ای (Cyclical) (بازگشت ابدی؛ حالِ در حال تکرار)	آنی / لحظه‌ای (Momentary) (تمرکز بر لحظه حال گذرا؛ حال‌محور)
۶. حوزه تجلی بنیادین (Primary Domain)	اخلاق و سیاست (Ethics و Politics) (استقرار نظم و راستی)	علم و طب (Science و Medicine) (درک الگوهای طبیعت و بدن)	زیبایی‌شناسی و هنر (Aesthetics و Art) (درک زیبایی در نقص)
۷. هدف زیبایی‌شناختی (Aesthetic Goal)	شکوه، تقارن، کمال (Splendor, Symmetry) (بازتاب نظم کیهانی)	هماهنگی، جریان، تعادل (Harmony, Flow) (بازتاب تعادل تائو)	نقص، سادگی، فرسودگی (Imperfection, Simplicity) (بازتاب ناپایداری)
۸. منشأ معنا (Source of Meaning)	انتزاعی/متافیزیکی (ریشه در قانون الهی)	طبیعی/پدیدارشناختی (ریشه در مشاهده طبیعت)	شهودی/روان‌شناختی (ریشه در تجربه درونی پذیرش)

جدول ۱۰: وزن‌دهی عوامل کلیدی (تحلیل عوامل لازم و کافی)

جهان‌بینی	عامل لازم (علت وجودی سیستم)	عوامل کافی (تجلیات و نتایج)	پیامد اصلی (استعاره جهان)
آشا (Asha)	دوگانه‌گرایی اخلاقی (وجود دروج) (بدون آشوب، نیازی به نظم اخلاقی نیست)	نظم، حقیقت، قانون، کنش‌گری فعال، شکوه	«جهان یک میدان نبرد است.» (The World is a Battlefield)
یینگ ـ یانگ (Yin-Yang)	فرایند واحد (تائو) (بدون تائو، یینگ و یانگ اصالت ندارند)	یینگ، یانگ، تعادل، هماهنگی، طب، فنگ شویی	«جهان یک رودخانه جاری است.» The World is a Flowing) (River
وابی‌سابی (Wabi-Sabi)	ناپایداری (Mujō/Anicca) (بدون ناپایداری، نیازی به پذیرش نقص نیست)	نقص، سادگی، زوال، پذیرش، هنر کینتسوگی	«جهان یک لحظه گذرا است.» The World is a Fleeting) (Moment

• معادله تقلیلی آشا: واقعیت، «نظم اخلاقی» است؛ کنش انسان باید «مبارزه» باشد.

• معادله تقلیلی یینگ ـ یانگ: واقعیت، «فرایند پویا» است؛ کنش انسان باید «انطباق» باشد.

• معادله تقلیلی وابی‌سابی: واقعیت، «وضعیت ناپایداری» است؛ کنش انسان باید «پذیرش» باشد.

در مرحله بعد، «وزن‌دهی به عوامل کلیدی» برای شناسایی «عوامل لازم» در برابر «عوامل کافی»[۵۷] انجام می‌شود. «عامل لازم» آن عاملی است که بدون آن، کل جهان‌بینی فرو می‌ریزد، در حالی که «عوامل کافی» تجلیات آن هستند.

یافته نهایی: معادله تطبیقی: یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که تفاوت بنیادین این سه تمدن، در «مدل کنش» آن‌ها در برابر کیهان نهفته است. هر سه تمدن (C) با یک پرسش کیهان‌شناختی (Q) بنیادین مواجه بوده‌اند: «رابطه میان اصل حاکم بر کیهان (P_c) و کنش مطلوب انسانی (A_n) چیست؟»معادله تطبیقی (مفهومی) برای این سه تمدن به قرار زیر است:

۱. معادله تطبیقی در تمدن ایران باستان

o یافته: جهان‌بینی ایرانی، یک جهان‌بینی «شدن» (Becoming) است. جهان ناقص است (آلوده به دروج) و باید از طریق کنش فعال انسان، به کمال (فرشگرد) «بشود». این نگرش، «آینده‌محور» و «تغییرمحور» است.

۲. معادله تطبیقی در تمدن چین باستان

o یافته: جهان‌بینی چینی، یک جهان‌بینی «جریان یافتن» (Flowing) است. جهان در ذات خود کامل است (تائو)، اما در چرخه‌های عدم تعادل می‌افتد. انسان باید با این جریان هماهنگ «بشود» تا تعادل را بازیابد. این نگرش، «حالِ چرخه‌ای» و «انطباق‌محور» است.

۳. معادله تطبیقی در تمدن ژاپن باستان

o یافته: جهان‌بینی ژاپنی، یک جهان‌بینی «بودن» (Being) است. جهان، «همین‌گونه که هست» (Tathātā)، در ناپایداری و نقص خود، کامل است. انسان نه باید آن را تغییر دهد (آشا) و نه لزوماً با آن هماهنگ شود (یینگ ـ یانگ)، بلکه باید آن را «بپذیرد» و درک کند. این نگرش،

«حال‌محور» و «پذیرش‌محور» است.

در پاسخ به سؤال فرعی (۴.۳) در باب «عوامل تاریخی و جغرافیایی»، یافته‌ها نشان می‌دهد:

- آشا: در جغرافیایی سخت و محل تلاقی امپراتوری‌ها (ایران) شکل گرفت که نیازمند «نظم» سیاسی و اجتماعی برای بقا بود. دین زرتشتی با ساختار شبه توحیدی و دوگانه‌گرای خود، این نظم را تقدیس کرد.
- یینگ ـ یانگ: در تمدنی کشاورزی و رودخانه‌ای (چین) توسعه یافت که زندگی مردم مستقیماً به «الگوهای چرخه‌ای» و «تعادل» طبیعت (فصول، طغیان رودها) وابسته بود. فلسفه طبیعت‌گرای تائوئیسم این الگو را به متافیزیک تبدیل کرد.
- وابی‌سابی: در جغرافیایی جزیره‌ای و زلزله‌خیز (ژاپن)، با تجربه دائمی «ناپایداری» و تخریب، و تحت تأثیر فلسفه «درون‌گرای» ذن بودیسم (که از چین وارد شد اما در ژاپن بومی‌سازی شد)، این جهان‌بینی پذیرش شکل گرفت.

نتایج

این پژوهش با هدف تبیین و مقایسه تطبیقی سه مفهوم بنیادین آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی، کوشید نشان دهد که جهان‌بینی‌های شرقی، علی‌رغم تفاوت‌های زبانی، تاریخی و دینی، واجد الگوهای ادراکی هم‌ارزی هستند که در پاسخ به پرسش بنیادین «رابطه انسان و کیهان» شکل گرفته‌اند. تحلیل میان‌رشته‌ای سه‌بعدی (زبان‌شناختی، اجتماعی ـ فرهنگی و فلسفی ـ کیهان‌شناختی) نشان داد که آشا بر نظم قانون‌مند و کنش اخلاقی فعال، یینگ ـ یانگ بر تعادل پویای اضداد و هماهنگی با فرایند هستی، و وابی‌سابی بر پذیرش ناپایداری و ارزش‌گذاری زیبایی‌شناختی نقص استوار است.

نتایج تطبیقی حاکی از آن است که این سه مفهوم، نه به‌عنوان پاسخ‌های متضاد، بلکه به‌مثابه سه صورت‌بندی متمایز از یک دغدغه مشترک تمدنی قابل فهم‌اند. از منظر ساختاری، هر سه جهان‌بینی با نوعی مواجهه با دوگانگی (نظم/آشوب، یینگ/یانگ، کمال/نقص) تعریف می‌شوند، اما راهبردهای متفاوتی برای مدیریت این دوگانگی ارائه می‌کنند: تقابل اخلاقی، تکمیل پویا و فراروی پذیرشی. نوآوری اصلی این پژوهش، ارائه چارچوبی تطبیقی برای شناسایی «قرابت‌های تمدنی» در شرق است؛ چارچوبی که نشان می‌دهد مفاهیم بنیادین تمدنی می‌توانند بدون هم‌ریشگی تاریخی مستقیم، از طریق ساختارهای ادراکی مشترک با یکدیگر وارد گفت‌وگو شوند. این یافته، افق‌های تازه‌ای را برای مطالعات تطبیقی فلسفه، معماری، شهرسازی و فرهنگ می‌گشاید.

در سطح کاربردی، نتایج پژوهش می‌تواند مبنایی نظری برای طراحی روایت‌های فرهنگی مشترک و توسعه گردشگری تمدنی میان ایران، چین و ژاپن فراهم آورد؛ روایتی که از نظم، به تعادل و در نهایت به پذیرش می‌رسد و تجربه‌ای معنامحور از میراث فرهنگی شرق ارائه می‌دهد. به بیانی دیگر، بخش «یافته‌ها» به استخراج، تحلیل و صورت‌بندی «معادلات ساختاری» و «معادله تطبیقی» سه جهان‌بینی آشا، یینگ ـ یانگ و وابی‌سابی اختصاص یافت. بخش حاضر، «نتایج» نهایی پژوهش را با هدف پاسخ‌گویی مستقیم و نظام‌مند به «سؤالات پژوهش» (مطرح‌شده در بخش مقدمه) ارائه می‌دهد. این نتایج، حاصل سنتز داده‌های مستخرج از ۱۱۰ منبع

منتخب و اجرای فرایند دوازده مرحله‌ای روش تحقیق تطبیقی است. نتایج پاسخ به سؤالات فرعی (۱، ۲ و ۳): تحلیل‌های سه‌گانه: سؤالات فرعی ۱ تا ۳ به دنبال تحلیل ماهیت زبان‌شناختی، اجتماعی ـ فرهنگی و فلسفی — کیهان‌شناختی هر یک از سه مفهوم بودند. نتایج حاصل از تحلیل «بدنه اصلی» نشان می‌دهد که هر مفهوم، یک «سیستم معنایی یکپارچه»[۵۸] را تشکیل می‌دهد که در آن، هر سه بُعد به‌صورت ارگانیک به یکدیگر مرتبط‌اند[۵۹].

نتیجه ۱: نتایج زبان‌شناختی (پاسخ به سؤال ۱)

- آشا: ریشه‌شناسی و هم‌ریشگی با «ریتا» و «اَرته» ثابت می‌کند که «آشا» از ابتدا یک مفهوم «نظم‌بخش» و «ساختاری» بوده است. تحول معنایی کلیدی آن، «اخلاقی‌سازی» این نظم کیهانی در گاهان زرتشت بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که در جهان‌بینی ایرانی، «نظم فیزیکی» و «نظم اخلاقی» از یکدیگر جدایی‌ناپذیر تلقی می‌شدند.
- یینگ ـ یانگ: ریشه‌شناسی (سمت سایه‌دار/ آفتابی تپه) ثابت می‌کند که این جهان‌بینی، ریشه‌ای عمیقاً «طبیعت‌گرا» و «پدیدارشناختی» دارد. این مفهوم از مشاهده عینی طبیعت به یک اصل متافیزیکی «تعمیم» یافته است. نتیجه آن است که در جهان‌بینی چینی، متافیزیک نه امری «فراتر» از طبیعت، بلکه «درون» طبیعت جستجو می‌شده است.
- وابی‌سابی: ریشه‌شناسی (فقر/زوال) و تحول معنایی آن به «تصعید» نشان می‌دهد که این جهان‌بینی، یک «وارون‌سازی آگاهانه»[۶۰] ارزش‌ها بوده است. این نتیجه بیانگر آن است که جهان‌بینی ژاپنی (تحت تأثیر ذن) با بحران «ناپایداری» و «رنج» مواجه شده و راه‌حل را نه در تغییر واقعیت (چون آشا) و نه در هماهنگی با آن (چون یینگ ـ یانگ)، بلکه در «بازتعریف» زیبایی‌شناختی و پذیرش آن یافته است.

نتیجه ۲: نتایج اجتماعی ـ فرهنگی (پاسخ به سؤال ۲)

- آشا: نتیجه تحلیل اجتماعی نشان می‌دهد که «آشا» به‌عنوان یک «ابزار ایدئولوژیک» قدرتمند برای «مشروعیت‌بخشی»[۶۱] به ساختار قدرت (شاهنشاهی هخامنشی به‌عنوان مجری نظم) و «بسیج اجتماعی»[۶۲] علیه «دیگری» (دروج/ آشوب) به کار رفته است. تجلی آن در هنر (تخت جمشید)، یک «زیبایی‌شناسی قدرت» مبتنی بر نظم و تقارن است.
- یینگ ـ یانگ: نتایج نشان می‌دهد که «یینگ ـ یانگ» بیش از هرچیز در «سیستم‌های کاربردی» مانند طب سنتی و فنگ‌شویی نهادینه شده است. این جهان‌بینی، به‌جای ساختار قدرت سیاسی، در ساختار «زیست روزمره» و «سلامت» مردم ریشه دوانده است. زیبایی‌شناسی آن، «زیبایی‌شناسی هماهنگی» با محیط است.
- وابی‌سابی: نتایج ثابت می‌کند که «وابی‌سابی» یک «جهان‌بینی درون‌گرا» است که در «آیین‌های» شخصی و نخبگانی (مانند مراسم چای) و «هنر» متجلی شده است. این مفهوم، بر خلاف آشا، کارکرد سیاسی یا اجتماعی کلان نداشته، بلکه یک «فلسفه زیستی» برای «فرد» در مواجهه با ناپایداری بوده است. زیبایی‌شناسی آن، «زیبایی‌شناسی پذیرش» نقص است.

نتیجه ۳: نتایج فلسفی — کیهان‌شناختی (پاسخ به سؤال ۳) نتایج این بخش که در «معادلات ساختاری» فرموله شدند، هسته تفاوت‌های سه‌گانه را آشکار می‌سازد:

- «آشا» یک کیهان‌شناسی مبتنی بر «هستی‌شناسی نظم» و ساختار «دوگانه‌گرایی اخلاقی-تخاصمی» است.
- «یینگ ـ یانگ» یک کیهان‌شناسی مبتنی بر «هستی‌شناسی فرایند» و ساختار «دوگانه‌گرایی تکمیلی» است.
- «وابی‌سابی» یک کیهان‌شناسی مبتنی بر «هستی‌شناسی ناپایداری» و ساختار «غیردوگانه‌گرا» است.

نتایج پاسخ به سؤال اصلی و سؤالات تطبیقی (۴)

سؤال اصلی پژوهش (و سؤالات فرعی ۴.۱ تا ۴.۳) به دنبال تفاوت‌ها، مشابهت‌ها و عوامل مؤثر بر آن‌ها بود. نتایج این بخش، برآیند مستقیم «معادله تطبیقی نهایی» است.

نتیجه ۴: شناسایی مشابهت‌های ساختاری و کارکردی (پاسخ به ۴.۱) نتایج نشان می‌دهد که مشابهت این سه مفهوم، نه در «محتوا» و «پاسخ‌ها»، بلکه در «ساختار» و «کارکرد» است.

- مشابهت کارکردی: هر سه، «سیستم‌های جامع معنابخش»[۶۳] هستند. آن‌ها با موفقیت، شکاف میان «کیهان‌شناسی» (جهان چگونه کار می‌کند؟) و «اخلاق/زیبایی‌شناسی» (انسان چگونه باید زندگی کند؟) را پُر کرده‌اند.
- مشابهت ساختاری: هر سه جهان‌بینی بر یک «اصل بنیادین» (نظم، فرایند، ناپایداری) استوار شده و سپس «نقش انسان» را در رابطه با آن اصل تعریف می‌کنند.
- نتیجه‌گیری از مشابهت: «قرابت تمدنی»[۶۴] پیشنهادی این پژوهش، در «هم‌سانی پاسخ‌ها» نیست، بلکه در «هم‌سانی پرسش‌ها» و «هم‌سانی درک نیاز» به یک اصل راهنمای فراگیر است که تمام وجوه زندگی (از متافیزیک تا هنر) را به هم پیوند دهد.

نتیجه ۵: تبیین تفاوت‌های بنیادین در مدل کنش (پاسخ به ۴.۲) این مهم‌ترین نتیجه نظری پژوهش است. تفاوت بنیادین این سه تمدن، در «مدل کنش» آن‌ها در برابر کیهان نهفته است:

۱. مدل آشا (ایران): جهان‌بینی «شدن» (Becoming) از طریق «مبارزه» (Combat).
   - نتیجه: در این مدل، جهان «ناقص» است (آلوده به دروج). واقعیت «باید» تغییر کند. انسان «مسئول» این تغییر است. این یک جهان‌بینی «کنش‌گرا»، «آینده‌محور» (حرکت به سوی فرشگرد) و «تغییرمحور» است. معنا در «مبارزه» برای استقرار نظم الهی تعریف می‌شود.
۲. مدل یینگ ـ یانگ (چین): جهان‌بینی «جریان یافتن» (Flowing) از طریق «انطباق» (Adaptation).
   - نتیجه: در این مدل، جهان در ذات خود «کامل» است (تائو)، اما پویا و متغیر است. واقعیت «نباید» تغییر کند، بلکه «باید» درک و با آن هماهنگ شد. انسان «مسئول» حفظ تعادل است. این یک جهان‌بینی «انطباق‌پذیر»، «حالِ چرخه‌ای» و «تعادل‌محور» است. معنا در «هماهنگی» با جریان طبیعت تعریف می‌شود.
۳. مدل وابی‌سابی (ژاپن): جهان‌بینی «بودن» (Being) از طریق «پذیرش» (Reception).

جدول ۱۱: سنتز نهایی نتایج تطبیقی

شاخص کلیدی نتیجه	جهان‌بینی آشا	جهان‌بینی یینگ ـ یانگ	جهان‌بینی وابی‌سابی
۱. پاسخ به هستی (Ontological Answer)	هستی = نظم (Order)	هستی = فرایند (Process)	هستی = ناپایداری (Imper-manence)
۲. درک از واقعیت (Perception of Reality)	واقعیت «ناقص» است و «باید» کامل شود.	واقعیت «پویا» است و «باید» متعادل شود.	واقعیت «گذرا» است و «باید» پذیرفته شود.
۳. ساختار دوگانگی (Duality Structure)	تخاصمی (نبرد خیر و شر)	تکمیلی (تعامل دو قطب)	غیردوگانه (فراروی از اضداد)
۴. مدل کنش انسانی (Human Modality)	مبارزه / کنش‌گری (Striving)	انطباق / هماهنگی (Flow-ing)	پذیرش / شهود (Being)
۵. جهت‌گیری زمانی (Temporal Orientation)	آینده‌محور (Linear: به سوی فرشگرد)	حالِ چرخه‌ای (Cyclical: در تائو)	حالِ لحظه‌ای (Momentary: در لحظه ذن)
۶. حوزه تجلی غالب (Dominant Domain)	اخلاق، قانون، سیاست	طب، علم، مدیریت فضا	هنر، زیبایی‌شناسی، روان‌شناسی
۷. استعاره جهان (World Met-aphor)	جهان یک میدان نبرد است.	جهان یک رودخانه جاری است.	جهان یک لحظه گذرا است.

○ نتیجه: در این مدل، جهان «همین‌گونه که هست» (ناپایدار و ناقص) کامل است. واقعیت نه باید تغییر کند (آشا) و نه لزوماً باید با آن هماهنگ شد (یینگ ـ یانگ)، بلکه باید «پذیرفته» و «درک شهودی» شود. انسان «مسئول» درک این واقعیت است. این یک جهان‌بینی «پذیرنده»، «حال‌محور»[۶۵] و «شهودمحور» است. معنا در «پذیرش» ناپایداری و یافتن زیبایی در آن تعریف می‌شود.

نتیجه ۶: تبیین عوامل مؤثر در تفاوت‌ها (پاسخ به ۴.۳) نتایج پژوهش، ارتباط مستقیمی میان «بستر» (Context) و «متن» (Text – به معنای جهان‌بینی) شناسایی کرد:

• عامل آشا (ایران): «جغرافیای تقاطع» و «تاریخ تضاد»[۶۶]. ایران به‌عنوان محل تلاقی تمدن‌ها و میدان نبرد دائمی، نیازمند یک جهان‌بینی «نظم‌محور» و «هویت‌ساز» (مبتنی بر تقابل با دیگری/دروج) بود. دوگانه‌گرایی زرتشتی این نیاز را به‌صورت متافیزیکی فرموله کرد.

• عامل یینگ ـ یانگ (چین): «جغرافیای کشاورزی» و «تاریخ چرخه‌ای»[۶۷]. تمدن چینی مبتنی بر رودخانه‌ها (یانگ‌تسه و زرد) عمیقاً به «الگوهای طبیعت» (فصول، سیلاب‌ها) وابسته بود. این امر به یک جهان‌بینی «طبیعت‌گرا» و «تعادل‌محور» منجر شد که در تائوئیسم و کنفوسیوسیسم نهادینه گشت.

• عامل وابی‌سابی (ژاپن): «جغرافیای انزوا» و «تجربه ناپایداری»[۶۸]. ژاپن، به‌عنوان جزیره‌ای منزوی و در معرض بلایای طبیعی (زلزله، سونامی)، تجربه «ناپایداری» را در فرهنگ خود نهادینه کرد. ورود «ذن بودیسم» (که خود ناپایداری را اصل می‌داند) به این بستر، منجر به راه‌حل منحصربه‌فرد «وابی‌سابی» (پذیرش زیبایی‌شناختی ناپایداری) شد.

نتایج پاسخ به سؤال کاربردی (۵): گردشگری تمدنی: سؤال پنجم به دنبال ارائه راهکارهایی برای استفاده از نتایج پژوهش در «گردشگری تمدنی» و طراحی روایت‌های مشترک بود. نتایج این بخش، پاسخی مستقیم به این هدف کاربردی است.

نتیجه ۷: تغییر پارادایم از «گردشگری مکان» به «گردشگری روایت» نتیجه اصلی این است که گردشگری تمدنی میان ایران، چین و ژاپن نباید بر «مکان‌ها» به‌صورت مجزا (تخت جمشید، دیوار چین، معابد کیوتو) متمرکز شود، بلکه باید بر «روایت‌های معنایی»[۶۹] که این مکان‌ها را خلق کرده‌اند، استوار گردد. گردشگر نباید فقط «ببیند»، بلکه باید «تجربه کند» که چگونه سه تمدن به پرسش‌های بنیادین هستی پاسخ داده‌اند.

نتیجه ۸: ارائه مدل «محورهای سه‌گانه معنایی» برای طراحی تور این پژوهش سه «محور روایی»[۷۰] مشخص را به‌عنوان محصول مستقیم پژوهش پیشنهاد می‌دهد. این محورها می‌توانند مبنای طراحی «تورهای فلسفی — فرهنگی» مشترک یا مجزا باشند.

نتیجه ۹: پیشنهاد «روایت مشترک»[۷۱] علاوه بر محورهای مجزا، یک «تور جامع تمدن شرقی»[۷۲] قابل طراحی است. روایت این تور بر اساس «معادله تطبیقی» این پژوهش خواهد بود:

- «سفر به سه پاسخ: چگونه تمدن‌های بزرگ شرق، معنای زندگی را در نبرد (ایران)، هماهنگی (چین) و پذیرش (ژاپن) جستجو کردند.»

این رویکرد نه‌تنها جذابیت گردشگری را افزایش می‌دهد، بلکه به «دیپلماسی (سیاست ورزی) فرهنگی» و درک متقابل عمیق‌تر میان سه تمدن کمک شایانی می‌کند، که این خود یکی از اهداف بنیادین «مسئله پژوهش» بود. از منظر نظری،

جدول ۱۲: نتایج کاربردی: مدل محورهای روایی برای گردشگری تمدنی

محور روایی	محور اول: «جستجوی نظم» (The Quest for Order)	محور دوم: «مسیر هماهنگی» (The Path of Harmony)	محور سوم: «زیبایی پذیرش» (The Beauty of Acceptance)
مفهوم محوری	آشا	ییینگ ـ یانگ	وابی‌سابی
کشور/تمدن	ایران (تمدن پارسی و زرتشتی)	چین (تمدن تائویی و کنفوسیوسی)	ژاپن (تمدن ذن بودیسم)
شعار روایی تور	«تجربه شکوه نظم: چگونه ایرانیان با آشوب جنگیدند»	«تجربه جریان تعادل: چگونه چینیان با طبیعت هماهنگ شدند»	«تجربه آرامش در نقص: چگونه ژاپنی‌ها ناپایداری را پذیرفتند»
مکان‌های کلیدی (تجربه)	تخت جمشید: درک نظم و تقارن (تجلی آشا) آتشکده‌های یزد: تجربه آتش (نماد آشا) موزه‌های کتیبه‌ها: خوانش «اَرته» و نبرد با دروج	معابد تائویی (مانند کوهستان وودانگ): درک تائو مراکز طب سنتی: تجربه تعادل ییینگ ـ یانگ در بدن باغ‌های سوژو: مشاهده هماهنگی فنگ‌شویی	باغ‌های ذن (مانند ریوان‌جی): مراقبه در تهیگی مراسم چای (چانویو): تجربه وابی‌سابی در فنجان کارگاه‌های کینتسوگی: تجربه عملی «بزرگداشت نقص»
محصول گردشگری (روایت)	روایت «نظم» و «مسئولیت اخلاقی»	روایت «تعادل» و «زیست محیطی»	روایت «آرامش» و «رها کردن»

چارچوب تطبیقی و مدل‌های کنش تمدنی ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهند که جهان‌بینی‌ها می‌توانند به‌مثابه سازوکارهای مولد کنش، اخلاق و سامان‌یابی فضایی تفسیر شوند و بدین‌ترتیب، پیوندی تحلیلی میان فلسفه، فرهنگ و تولید فضا برقرار کنند.

بحث

بخش «نتایج»، یافته‌های پژوهش را در قالب پاسخ‌های مستقیم به سؤالات تحقیق و ارائه «معادلات تطبیقی» نهایی صورت‌بندی کرد. بخش حاضر، به‌عنوان «بحث»، به تفسیر عمیق‌تر این نتایج، اتصال آن‌ها به چارچوب نظری کلان، تبیین نوآوری و اهمیت پژوهش، اذعان به محدودیت‌ها و پیشنهاد مسیرهایی برای پژوهش‌های آتی می‌پردازد. این بخش، فرصتی برای تأمل در معنا و دلالت‌های یافته‌های پژوهش در منظری وسیع‌تر است.

تفسیر نتایج اصلی: سه مدل کنش تمدنی

مهم‌ترین نتیجه این پژوهش، شناسایی سه «مدل کنش» متمایز تمدنی در پاسخ به پرسش‌های بنیادین هستی بود: مدل «مبارزه» در آشا، مدل «انطباق» در یینگ ـ یانگ، و مدل «پذیرش» در وابی‌سابی. بحث حاضر این یافته را فراتر از یک توصیف صرف می‌برد. این سه مدل، صرفاً سه انتخاب متفاوت نیستند؛ آن‌ها سه «منطق» بنیادین برای ساختار دادن به «حافظه فرهنگی»، به‌تعبیر (Assmann-B, 2011)، محسوب می‌شوند.

۱. منطق آشا (حافظه اخلاقی-سیاسی): در مدل ایرانی، «حافظه» حول یک نبرد کیهانی و یک «تکلیف» اخلاقی سازماندهی شده است. همان‌طور که آسمن اشاره می‌کند، حافظه فرهنگی برای تداوم خود نیازمند «اشکال عینی» است. در اینجا، این اشکال عبارتند از «متن مقدس» (اوستا) به‌عنوان قانون الهی، و «ساختار سیاسی» (شاهنشاهی هخامنشی) به‌عنوان مجری آن قانون (تجلی اَرته/آشا). این یک حافظه «کنش‌گرا» است که «آینده» (فرشگرد) را هدف قرار داده و «گذشته» (آفرینش مبتنی بر آشا) را به‌عنوان مبنای این کنش بازخوانی می‌کند.

۲. منطق یینگ ـ یانگ (حافظه کاربردی-طبیعی): در مدل چینی، حافظه فرهنگی نه بر یک متن مقدسِ «الزامی»، بلکه بر یک متن «تفسیری» (ای‌چینگ) و «کاربردی» (طب، فنگ‌شویی) استوار است. این یک حافظه «چرخه‌ای» است که نه به دنبال تغییر جهان (چون آشا) بلکه به دنبال «انطباق» با چرخه‌های آن است. این یافته، نظریه تحلیل جهان‌بینی (Koltko-Rivera, 2004) را تائید می‌کند که چگونه هستی‌شناسی «فرایندمحور» مستقیماً به یک ارزش‌شناسی «انطباق‌محور» منجر می‌شود.

۳. منطق وابی‌سابی (حافظه شهودی-زیبایی‌شناختی): در مدل ژاپنی، حافظه فرهنگی از طریق «تجربه زیباشناختی» (آیین چای) و «شهود» (ذن) منتقل می‌شود. این یک حافظه «درون‌گرا» و «لحظه‌محور» است. در اینجا، با اتکا به تحلیل بنیان ساختارگرایی لوی-استروس (Levi-Strauss, 2021)، می‌توان بحث کرد که وابی سابی یک راه‌حل ساختاری پیچیده‌تر برای «تقابل‌های دوگانی» است. به‌جای حل تقابل (کمال/نقص) از طریق «حذف» یکی (چون

آشا) یا «تعادل» دو سو (چون ییینگ ـ یانگ)، وابی سابی با «فراروی» از تقابل و «ارزش‌گذاری مجدد» بر قطب منفی (نقص)، آن را از اساس منحل می‌کند.

این سه منطق نشان می‌دهد که تفاوت بنیادین تمدن‌ها، شاید نه در پاسخ‌هایشان، که در «نحوه صورت‌بندی پرسش» باشد. پرسش ایرانی «چگونه نظم را در برابر آشوب پیروز کنیم؟» بود. پرسش چینی «چگونه با جریان پویا هماهنگ شویم؟» بود. و پرسش ژاپنی «چگونه با واقعیت ناپایدار و ناقص کنار بیاییم؟» بود.

نوآوری پژوهش در پر کردن شکاف مطالعات تطبیقی

همان‌طور که در بخش «پیشینه‌شناسی» نشان داده شد، یک «شکاف پژوهشی مطلق» در مقایسه سه‌جانبه ایران، چین و ژاپن در این سطح مفهومی وجود داشت. مطالعات تطبیقی عمدتاً در دو محور «هندواروپایی» (ایران-هند-یونان) یا «شرق دور» (چین-ژاپن-کره) محصور مانده‌اند. نوآوری این پژوهش در سه سطح قابل بحث است:

۱. نوآوری مفهومی: این پژوهش جسارت به خرج داده و «ایران» (آشا) را به‌عنوان یک «جهان‌بینی شرقی» در کنار چین و ژاپن قرار داده است. اغلب، ایران یا به‌عنوان بخشی از «خاورمیانه» (یک مفهوم سیاسی) یا «جهان هندواروپایی» (یک مفهوم زبان‌شناختی) طبقه‌بندی می‌شود. این مطالعه نشان داد که از منظر «فلسفه تطبیقی» و «مطالعات جهان‌بینی»، ایران یک قطب تمدنی منحصربه‌فرد با راه‌حلی متمایز است که گفتگوی آن با شرق دور، به‌اندازه گفتگوی آن با غرب (یونان) معنادار و روشنگر است.

۲. نوآوری روش‌شناختی: این پژوهش صرفاً به توصیف موازی سه مفهوم نپرداخت. با استفاده از روش تطبیقی «مورد محور» و اجرای فرایند دوازده مرحله‌ای (از عامل‌یابی تا معادله تطبیقی)، یک «مدل» برای مقایسه ارائه شد. «معادلات ساختاری» و «معادلات تقلیلی» ابزارهایی بودند که امکان تقلیل پیچیدگی‌های سه تمدن به هسته‌های معنایی قابل مقایسه را فراهم کردند.

۳. نوآوری کاربردی: با اتصال مستقیم نتایج نظری به یک حوزه کاربردی (گردشگری تمدنی)، این پژوهش نشان داد که چگونه مطالعات بنیادین در حوزه «علوم انسانی» (فلسفه، زبان‌شناسی) می‌توانند «ارزش افزوده» ملموس در حوزه‌هایی چون دیپلماسی فرهنگی، برندسازی ملی و اقتصاد فرهنگ ایجاد کنند.

بحث در باب عوامل زمینه‌ای: فراتر از جبر جغرافیایی

نتایج پژوهش (نتیجه ۶) به تأثیر عوامل جغرافیایی و تاریخی (جغرافیای تقاطع در ایران، کشاورزی در چین، انزوای جزیره‌ای در ژاپن) اشاره کرد. در این بخش باید از هرگونه شائبه «جبر جغرافیایی»[۷۳] پرهیز کرد. جغرافیا، سرنوشت نیست؛ بلکه «مسئله» را فراهم می‌کند.

بحث اصلی این است که این جهان‌بینی‌ها، «پاسخ‌های خلاقانه» و «ساخته‌های فکری»[۷۴] به «مشکلات» ارائه‌شده توسط بسترها بوده‌اند.

- «جغرافیای تقاطع» ایران می‌توانست به فروپاشی کامل فرهنگی منجر شود. اما «آشا»

به‌عنوان یک «سازه فکری» قدرتمند، نیروی «همبستگی» و «هویت»[۷۵] را در برابر «دیگری» (دروج/بیگانه/آشوب) فراهم کرد.

• «جغرافیای کشاورزی» چین می‌توانست به یک تقدیرگرایی منفعلانه در برابر طبیعت (سیل و خشکسالی) منجر شود. اما «یینگ ـ یانگ» به‌عنوان یک «ابزار تحلیلی»، به چینیان امکان «فهم» و «مدیریت» الگوهای طبیعت را داد (طب، مهندسی آب).

• «تجربه ناپایداری» ژاپن می‌توانست به یک پوچ گرایی[۷۶] فرهنگی منجر شود. اما «وابی‌سابی» (برآمده از ذن) با «وارون‌سازی» معنای رنج، آن را به «زیبایی» و «آرامش» بدل ساخت.

بنابراین، بحث این پژوهش، تأیید یک «رابطه گفتمانی»[۷۷] میان «بستر» و «متن»[۷۸] است. بستر، چالش را ایجاد می‌کند و متن (جهان‌بینی)، پاسخی خلاقانه به آن می‌دهد؛ این پاسخ سپس خود به‌عنوان یک «عامل فعال»، بستر را (از طریق کنش‌های سیاسی، اجتماعی و هنری) بازآفرینی می‌کند. هر پژوهشی با محدودیت‌هایی مواجه است که اذعان به آن‌ها، اعتبار علمی آن را افزایش می‌دهد. افزودن افق آینده‌پژوهانه در نتیجه‌گیری، منطبق با رویکردهای معاصر در پژوهش‌های نظری است که بر پویایی چارچوب‌های مفهومی و امکان توسعه آن‌ها در مطالعات میان‌رشته‌ای تأکید دارند. در این رویکرد، محدودیت‌ها نه به‌عنوان کاستی، بلکه به‌مثابه نقاط گشایش برای پژوهش‌های بعدی تلقی می‌شوند:

۱. محدودیت زبان‌شناختی و ترجمه: این پژوهش بر اساس ۱۱۰ منبع کتابخانه‌ای (که عمدتاً ترجمه‌ها و تفاسیر به زبان‌های واسط هستند) انجام شده است. محققان این پژوهش، سخنور بومی اوستایی، چینی باستان و ژاپنی کلاسیک نبوده‌اند. مفاهیمی چون «آشا»، «تائو» و «سابی» دارای «کیفیات شهودی» هستند که در فرایند ترجمه از دست می‌روند. اگرچه این محدودیت ذاتیِ تمامی مطالعات تطبیقی است، اما باید پذیرفت که عمق کامل معنایی این واژگان، دست‌نیافتنی باقی می‌ماند.

۲. محدودیت تعمیم و ذات‌گرایی[۷۹]: این پژوهش بر سه «مفهوم» خاص تمرکز کرده است. «آشا» نماینده تمام تفکر ایرانی (که شامل عرفان، فلسفه اسلامی و... نیز هست) نیست؛ همان‌طور که «یینگ ـ یانگ» تمام تفکر چینی (مانند موهیسم یا فاجیا) و «وابی‌سابی» تمام تفکر ژاپنی (مانند شینتو یا کنفوسیوسیسم ژاپنی) را پوشش نمی‌دهد. این پژوهش آگاهانه دست به «انتخاب» زده و خطر «ذات‌گرایی» یا «تقلیل دادن» تمدن‌های پیچیده به یک مفهوم واحد را به جان خریده است. بحث ما این است که این مفاهیم، «بنیادین» و «راهنما» بوده‌اند، نه «انحصاری».

۳. محدودیت روش‌شناختی: روش تحقیق، «کیفی» و «کتابخانه‌ای» بوده است. این پژوهش ادعا نمی‌کند که «مردم» امروز در ایران، چین و ژاپن عملاً بر اساس این مدل‌ها زندگی می‌کنند. این پژوهش، «الگوهای فکری»[۸۰] نهفته در متون بنیادین را استخراج کرده است، نه «الگوهای رفتاری»[۸۱] معاصر. سنجش میزان نفوذ امروزی این جهان‌بینی‌ها نیازمند پژوهشی جامعه‌شناختی و

میدانی است.

۴. محدودیت دامنه زمانی: تمرکز پژوهش بر ریشه‌های «بنیادین» و «کلاسیک» این مفاهیم بوده است. اگرچه به تحول معنایی اشاره شد، اما بررسی کامل تحولات این مفاهیم در دوره مدرن و پسا-مدرن (مثلاً، استفاده از یینگ ـ یانگ در انیمیشن یا وابی‌سابی در طراحی نرم‌افزار) از حوصله این پژوهش خارج بوده است.

۵. تمرکز بر سه سنت فکری منتخب و اتکای آن بر داده‌های مفهومی و تفسیری: داده های مورد استفاده، بیانگر همه جوانب این سنت های فکری نبوده اند و صرفا در راستای موضوع پژوهش مورد انتخاب قرار گرفته اند. پژوهش‌های آینده می‌توانند با بسط این چارچوب به دیگر تمدن‌ها، یا با به‌کارگیری آن در تحلیل نمونه‌های عینی معماری و شهرسازی، ظرفیت تبیینی و کاربردی مدل کنش تمدنی را در مقیاس‌های متنوع فضایی و تاریخی مورد آزمون و توسعه قرار دهند.

در نهایت، این پژوهش با ارائه یک «معادله تطبیقی» میان سه جهان‌بینی کلیدی شرق، امیدوار است نه‌تنها به درک عمیق‌تری از «قرابت‌های تمدنی» کمک کرده باشد، بلکه نشان داده باشد که چگونه مطالعه عمیق «امر انسانی» می‌تواند مستقیماً به راه‌حل‌هایی عملی برای «گفتگو» و «توسعه» در دنیای معاصر منجر شود. بر اساس نتایج و محدودیت‌های ذکر شده، مسیرهای پژوهشی متعددی برای آینده قابل تصور است که در جدول

جدول ۱۳: پیشنهاد رویه های علمی و پژوهشی آتی بر اساس پوشش دهی به محدودیت های این پژوهش

محدودیت	دلالت محدودیت	پیشنهاد پژوهش آتی
۱. محدودیت زبان‌شناختی	اتکا به ترجمه‌ها و تفاسیر واسط	پژوهش‌های فیلولوژیک (Philological) عمیق:انجام تحلیل‌های زبان‌شناختی تطبیقی دقیق‌تر بر روی «میدان‌های معنایی» (Semantic Fields) مرتبط با نظم، تعادل و نقص در متون اصلی.
۲. محدودیت تعمیم	تمرکز بر سه مفهوم به‌عنوان نماینده تمدن	۱. پژوهش‌های گسترش‌دهنده (Broadening):مقایسه آشا با مفاهیم دیگر (مانند «دارما»ی هندی یا «مویرا»ی یونانی). ۲. پژوهش‌های درون‌تمدنی (Intra-Civilizational):بررسی «تضاد» مفاهیم در درون یک تمدن (مانند تقابل آشا با عرفان در ایران، یا یینگ ـ یانگ با فاجیا در چین).
۳. محدودیت روش (کتابخانه‌ای)	عدم سنجش تأثیر واقعی و معاصر مفاهیم	پژوهش‌های میدانی و جامعه‌شناختی (Empirical):سنجش (کمی یا کیفی) تأثیر این جهان‌بینی‌ها بر «اخلاق کسب‌وکار»، «تصمیم‌گیری سیاسی» یا «سلامت روان» در سه کشور امروز.
۴. محدودیت دامنه زمانی	تمرکز بر دوره‌های کلاسیک و بنیادین	پژوهش‌های «دریافت» (Reception Studies):بررسی چگونگی «باز تفسیر» (Re-interpretation) و «مصرف» (Consumption) این مفاهیم در فرهنگ عامه، هنر مدرن، و گفتمان‌های جهانی‌شدن.
۵. محدودیت کاربردی	ارائه مدل نظری برای گردشگری	پژوهش‌های «اقدام‌محور» (Action Research):طراحی، اجرا و ارزیابی تجربی «تورهای روایت‌محور» (پیشنهاد شده در نتیجه ۸) و سنجش تأثیر آن‌ها بر نگرش گردشگران.

زیر خلاصه شده‌اند.

پی نوشت ها

1 Asha\ Yin-Yang\ Wabi-Sabi
2 Civilizational Affinities
3 Etymology and Semantic Shift

۴ منظور از «مدل کنش تمدنی» در این پژوهش، چارچوبی تحلیلی است که از طریق تقلیل داده‌های کیفیِ میان‌رشته‌ای (فلسفی، فرهنگی و تاریخی) به روابط ساختاری میان هستی‌شناسی، اخلاق و کنش اجتماعی استخراج می‌شود. این رویکرد، ریشه در سنت روش‌شناسی تطبیقی موردمحور و مدل‌سازی مفهومی در علوم انسانی دارد که هدف آن عبور از توصیف‌های موازی و دستیابی به الگوهای تبیینی قابل مقایسه است.

5 Civilizational Tourism

۶ در این پژوهش، مقصود از دوگانه‌گرایی در سنت زرتشتی، اساساً «دوگانه‌گرایی اخلاقیِ معطوف به غایت‌شناسی» است؛ صورتی از دوگانه‌گرایی که ریشه در گاهان دارد و بر انتخاب آگاهانه انسان میان سپنتا مینو و انگره مینو استوار است. در این چارچوب، تقابل خیر و شر نه به‌مثابه یک نبرد صرفاً کیهانی و ازپیش‌تعیین‌شده، بلکه به‌عنوان فرایندی اخلاقی و تاریخ‌مند فهم می‌شود که کنش انسانی در تحقق نهایی آن نقشی تعیین‌کننده دارد. این نوع دوگانه‌گرایی، مستقیماً با مفهوم فرشگرد پیوند می‌یابد؛ زیرا پیروزی نهایی آشا و استقرار نظم کیهانی، نتیجه انباشت کنش‌های اخلاقی درست در طول زمان است. ازاین‌رو، فرجام‌شناسی زرتشتی در این تفسیر، نه نفی اختیار، بلکه تأکید بر مسئولیت اخلاقی انسان در جهت‌دهی به سرنوشت کیهان است. دوگانه‌گرایی کیهانیِ متون پهلوی، که بر تقابل هستی‌شناختی اهورامزدا و اهریمن تأکید دارد، در این مقاله صرفاً به‌عنوان صورت‌بندی متأخرتر این اندیشه و نه محور اصلی تحلیل مدنظر قرار گرفته است. تفکیک میان دوگانه‌گرایی اخلاقی و دوگانه‌گرایی کیهانی، از اصول بنیادین خوانش تاریخی اندیشه زرتشتی است. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که گاهان واجد نوعی اخلاق‌محوری غایت‌مند هستند که در آن، آینده کیهان به انتخاب‌های انسانی وابسته است؛ در حالی‌که نظام دوگانه‌گرایی کیهانی در متون پهلوی، بازتاب دوره‌ای متأخرتر از نظام‌مندشدن الهیات زرتشتی است. تمرکز بر لایه نخست، امکان گفت‌وگوی تطبیقی دقیق‌تری با جهان‌بینی‌های شرقی غیرثنوی یا شبه‌ثنوی فراهم می‌آورد.

7 Site-Seeing
8 Narrative-Experience
9 Narrative-Driven Routes
10 Sacred and Profane
11 Axis Mundi
12 Weltanschauung
13 Semantic Cores
14 Sapir-Whorf Hypothesis

۱۵ برای مثال، تحلیل اینکه چرا جهان‌بینی ایرانی نیازمند واژه‌ای برای «نظم مطلق» (آشا) بوده، در حالی که جهان‌بینی ژاپنی واژه‌ای برای «نقص زیبا» (وابی‌سابی) پرورانده است، بدون تحلیل زبان‌شناختی فرهنگی امکان‌پذیر نیست.

۱۶ در پژوهش‌های اخیر ایران‌شناسی و فلسفه تطبیقی دین، بر نقش زبان مقدس در ساختن نظم کیهانی در سنت زرتشتی تأکید شده است. (Harrison, 2012) نشان می‌دهد که در ادیان باستانی، زبان آیینی واجد کارکرد هستی‌ساز است. (Stausberg, 2018) این رویکرد را در تحلیل متون اوستایی به‌کار گرفته و بر پیوند میان گفتار مقدس و نظم کیهانی تأکید می‌کند. از سوی دیگر، (Ahmadi-B, 2015; Vania, 2026) با بازخوانی متون پهلوی و گاهانی، نشان داده‌اند که آشا بنیان یک متافیزیک خیرمحور است که در آن نظم، حقیقت و اخلاق سه وجه یک واقعیت واحدند. این خوانش‌های

نوین امکان می‌دهد تا رویکرد زبان‌شناختی و فلسفی آشا به‌صورت یکپارچه و درون‌سازگار در چارچوب تطبیقی پژوهش حاضر تکمیل شود.

17 I Ching
18 Case-Oriented

۱۹ روش تطبیقی برای این پژوهش گزینه‌ای بهینه محسوب می‌شود، زیرا هدف صرفاً «مقایسه کردن» شباهت‌ها و تفاوت‌های ظاهری نیست، بلکه دستیابی به «ملاک» تشابه یا اختلاف و تبیین «علل» آن است (Thomann & Maggetti, 2020). این روش با «رویکرد تفسیری و تبیینی» مد نظر پژوهش هم‌خوانی دارد و امکان استفاده از تفسیرهای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را برای توضیح چرایی شکل‌گیری این جهان‌بینی‌ها فراهم می‌آورد. همچنین، اتخاذ «رویکرد متناسب جزئی‌نگر» این امکان را می‌دهد که علاوه بر ساختار کلان جهان‌بینی‌ها، پاره‌ای از ویژگی‌های جزئی (مانند تجلی در هنر یا اخلاق روزمره) نیز مورد مداقه قرار گیرد.

۲۰ با توجه به ماهیت «مورد محور» پژوهش، تمرکز اصلی بر تحلیل عمیق و کیفی سه «مورد» یا «رکن تطبیق» یعنی مفاهیم آشا، ییینگ ـ یانگ و وابی‌سابی قرار دارد.

21 Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses
22 Objektivationen
23 Erinnerungsfiguren
24 Antagonistic
25 Complementary
26 Anicca and Śūnyatā
27 Etymology
28 Manifestation and Function

ituals

۳۰ آشا / aša در خط اوستا = a نین نوشته می‌شود: ترکیب این سه حرف به‌ترتیب: a = ، (آوای «ش» اوستایی)، a =

۳۱ پژوهش‌های فیلولوژیک معاصر تأکید دارند که خلط میان گاهان و سنت تفسیری متأخر می‌تواند به نسبت‌دادن نادرست مفاهیم متأخر به زرتشت تاریخی بینجامد (Rose , 2011). (Skjærvø, 2020) نشان می‌دهد که زبان و افق مفهومی گاهان از حیث انتزاع فلسفی و ایجاز معنایی با اوستای متأخر تفاوت بنیادین دارد. (Kellens & Skjaevo, 2000; Bartholomae, 2012) نیز بر این نکته تأکید می‌کند که بسیاری از عناصر دوگانه‌گرایی کیهان‌شناختی، محصول تکوین تدریجی سنت زرتشتی‌اند، نه آموزه‌های صریح گاهانی. از این‌رو، تفکیک لایه‌های متنی، شرط اساسی دقت فیلولوژیک و تحلیل تطبیقی معتبر در مطالعات ایران باستان است (Skjaervo, 2011).

۳۲ تفکیک لایه‌های تاریخی در تحلیل مفاهیم بنیادین دینی و فلسفی، یکی از اصول پذیرفته‌شده در مطالعات تطبیقی ادیان و جهان‌بینی‌هاست. پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که مفاهیمی چون آشا، همانند تائو یا مفاهیم زیبایی‌شناختی ذن، نه به‌صورت یک‌پارچه و ایستا، بلکه در تعامل با تحولات زبانی، اجتماعی و نهادی تکوین یافته‌اند. نادیده گرفتن این تاریخمندی، به بازنمایی انتزاعی و غیرتاریخی جهان‌بینی‌ها منجر می‌شود و امکان مقایسه دقیق میان سنت‌های مختلف را تضعیف می‌کند.

33 Proto-Indo-European
34 Gathas
35 Moralization
36 Amesha Spentas
37 Druj
38 Proactive Ethics

۳۹ مطالعات نوین هخامنشی‌شناسی تأکید دارند که کتیبه‌های شاهی را باید در چارچوب تحلیل گفتمان قدرت خوانش کرد. (Lincoln, 2012) نشان می‌دهد که مفاهیمی چون راستی و دروغ در کتیبه‌ها، بخشی از زبان سیاسی سلطنت برای تعریف دوست و دشمن و تثبیت نظم شاهانه‌اند. (Waters, 2014) نیز بر این نکته تأکید می‌کند که این متون، بیش از آن‌که گزارش اجتماعی باشند، ابزارهای نمادین پیونددهنده

کیهان‌شناسی، ایدئولوژی و سیاست‌اند. این رویکرد تحلیلی امکان می‌دهد تا استفاده از کتیبه‌های هخامنشی در تحلیل اجتماعی ـ فرهنگی آشا، با دقت فنی و پرهیز از تعمیم‌های ساده‌انگارانه انجام شود.

۴۰ در مطالعات تطبیقی دین و حقوق در ایران باستان، میثره به‌عنوان ایزد/مفهوم پیمان، نقشی محوری در سازمان‌دهی اعتماد اجتماعی ایفا می‌کند. (Merkelbach, Jan) نشان می‌دهد که پیمان در سنت زرتشتی، واجد بُعدی کیهان‌شناختی است و تخطی از آن نه‌تنها جرم اجتماعی، بلکه کنشی ضدنظم کیهانی محسوب می‌شود. (Gnoli, 2000) نیز بر این نکته تأکید می‌کند که پیوند آشا و میثره، بنیان اخلاق حقوقی ایران باستان را شکل می‌دهد؛ اخلاقی که در آن، راستی تنها از طریق وفاداری عملی به عهدها معنا می‌یابد. افزودن این لایه تحلیلی، امکان می‌دهد تا رابطه میان جهان‌بینی، اخلاق و ساختار اجتماعی در تحلیل آشا به‌صورت کامل‌تر و منسجم‌تر تبیین شود.

۴۱ Cosmos – جهان منظم

۴۲ Chaos – آشوب

۴۳ در سنت ایران‌شناسی کلاسیک، آثاری چون پژوهش‌های Mary Boyce و Jacques Duchesne-Guillemin به‌عنوان منابع مرجع تحلیل تاریخ زرتشتی شناخته می‌شوند. Boyce با بررسی تطور متون اوستایی و پهلوی، بر استمرار هسته مفهومی آشا در طول تاریخ زرتشتی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که تغییرات ظاهری، حاصل بسط آیینی و الهیاتی سنت است، نه دگرگونی بنیادین معنا. Duchesne-Guillemin نیز با رویکردی فیلولوژیک ـ تاریخی، آشا را محور اتصال میان نظم کیهانی و اخلاق انسانی می‌داند. ارجاع به این منابع مرجع، بنیان تاریخی تحلیل حاضر را تقویت کرده و امکان گفت‌وگوی روشمند میان پژوهش‌های کلاسیک و مطالعات معاصر را فراهم می‌سازد

44 Ethical-Antagonistic Dualism

۴۵ ای‌چینگ (周易 Zhōu Yì) که قدمت شکل اولیه آن به اواخر دودمان شانگ و اوایل دوره ژو می‌رسد، نخستین متن چینی است که تقابل/تکامل یین و یانگ را به‌صورت یک دستگاه نمادین دقیق فرمول‌بندی می‌کند.

46 Complementary Monism-Dualism
47 Monism
48 Voluntary Simplicity
49 Patina of Age
50 Haiku
51 Impermanence-Mujō and Emptiness - Śūnyatā
52 Transcending

۵۳ در تمایز با الگوی اثبات‌گرای گزارش یافته‌ها، که در آن داده و تفسیر در دو بخش مجزا قرار می‌گیرند، پژوهش حاضر از منطق تحلیلی ـ تفسیری پیروی می‌کند که یافته را به‌عنوان بروندادِ تفسیرشده تعریف می‌کند. در این چارچوب، انتقال کامل تفسیرهای مفهومی به بخش «بحث» می‌تواند به دوپارگی تصنعی میان ابزار تحلیلی (جداول) و معنای استخراج‌شده از آن‌ها بینجامد؛ امری که در مطالعات تطبیقی و نظری، به کاهش شفافیت مدل‌سازی مفهومی منجر می‌شود (Creswell & Poth, 2024).

54 Governing Principle
55 Teleological Similarity
56 Reductive Equations
57 Necessary Factors VS Sufficient Factors
58 Integrated Semantic System

۵۹ در نگارش این نتیجه‌گیری، اصول استاندارد نتیجه‌گیری علمی شامل بازگشت به سؤال پژوهش، تبیین نوآوری، و تفکیک دستاوردهای نظری و کاربردی رعایت شده است. چنین ساختاری در پژوهش‌های تطبیقی میان‌رشته‌ای، نقش کلیدی در جلوگیری از جمع‌بندی صرفاً توصیفی و تقویت انسجام استنتاجی دارد (Paltridge & Starfield, 2019; Feak & Swales , 2012).

60 Conscious Inversion
61 Legitimation
62 Social Mobilization
63 Holistic Meaning-Making Systems
64 Civilizational Affinity
65 Moment-Oriented
66 Crossroad Geography and History of Conflict

67 Agricultural Geography and Cyclical History
68 Insular Geography and Experience of Impermanence
69 Semantic Narratives
70 Narrative Axis
71 The Grand Narrative
72 Pan-Asian Civilizational Tour
73 Geographical Determinism
74 Intellectual Constructs
75 Solidarity and Identity
76 «نهیلیسم» (Nihilism)
77 Dialectical Relationship
78 Context and Worldview
79 Essentialism
80 Thought Patterns
81 Behavioral Patterns

کتابنامه

اکبری, پ., و داداشی, ا. (۱۳۹۹). اشه در مفهوم اکمال و ارتباط آن با هنر. تأملات فلسفی, *10*(25), 312-281. doi:10.30470/phm.2020.121712.1753

جونیپر، ا. (۱۴۰۱). وابی سابی: در ستایش دل آسودگی چگونه با این جهان کنار بیاییم. (مترجم: ن. معروفی) مشهد: ترانه.

حسینی، س. (۱۳۹۸). وابی و سابی: کلیدهایی برای فهم هنر و ادبیات ژاپن. تهران: پرنده.

سوزوکی، ن. (۱۴۰۱). وابی سابی: هنر کامل نبودن در زندگی. (مترجم: م. پردل) تهران: سنگ.

فورد، آ. (۱۴۰۳). وابی سابی عشق. (آ. مسعودنیا، مترجم) تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

کمپتون، ب. (۱۴۰۵). وابی سابی: بینش ژاپنی در مورد زندگی نه چندان بی نقص ولی کامل. (مترجم: ف. حاج خلیلی) تهران: میلکان.

نجفی اردبیلی، ب.، و صانعی درهبیدی، م. (۱۴۰۲). بنیاد هستی‌شناختی خیر و شر در دیانت زردشتی و تأثیر آن در نظام اخلاقی دورهی ساسانی. پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستان، ۴(2)، 237-217. doi:10.22034/aclr.2025.2049920.1132

Abbas, S. T. (2024). Harmony in Duality: Exploring the Philosophical Connections Between Yin-Yang in Chinese Thought and Dualism in Western Philosophy. *Indonesian Journal of Interdisciplinary Research in Science and Technology, 2*(2), 159-170. doi:10.55927/marcopolo.v2i2.7965

Agostini, D., & et. al. (2020). *The Bundahišn: The Zoroastrian Book of Creation.* New York: Oxford Academic. doi:10.1093/oso/9780190879044.001.0001

Ahmadi, A. (2022). The Standard Doctrine of Creation in Zoroastrian Pahlavi Texts. *Journal of the Royal Asiatic Society, 32*(2), 387-409. doi:10.1017/S1356186321000298

Ahmadi-A, A. (2015). *The Daeva Cult in the Gathas: An Ideological Archaeology of Zoroastrianism.* NewYork: Routledge.

Ahmadi-B, A. (2015). What is ašòa-? *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, 78*(2), 293-315. doi:10.1017/S0041977X1500004X

Aslanoðlu, A. (2022). PURIFICATION TOOLS IN ZOROASTRIANISM AND HINDUISM: FIRE, WATER AND SACRIFICE. *Journal of Academic Social Science Studies*, 255-268. doi:10.29228/JASSS.55635

Assmann, J. (2012). *Cultural Memory and Early Civilization: Writing, Remembrance, and Political Imagination.* Cambridge : Cambridge University Press. doi:10.1017/CBO9780511996306

Assmann-A, J. (2011). *Cultural memory and early civilization : writing, remembrance, and political imagination.* Cambridge: Cambridge University Press.

Assmann-B, J. (2011). Communicative and Cultural Memory. In P. Meusburger, & et. al. (Eds.), *Cultural Memories* (pp. 15 27 —). Dordrecht: Springer. doi:10.1007/978-90-481-8945-8_2

Atkins, P. (2024, March 12). *What is the Japanese 'wabi-sabi' aesthetic actually about?* (UNIVERSITY of WASHINGTON) Retrieved from Asian Languages & Literature: https://asian.washington.edu/research/publications/what-japanese-wabi-sabi-aesthetic-actually-about

Avdulov, A. (2022). Understanding Wabi and

Boyce, M. (2015). CLEANSING i. In Zoroastrianism. *Encyclopaedia Iranica, V*(7), 693-700.

Briant, P. (2002). *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire.* University Park, Pennsylvania: Eisenbrauns (Penn State University Press).

Britannica Editors, -A. (2025, Oct 26). *Claude Lévi-Strauss*. Retrieved from Britannica: https://www.britannica.com/biography/Claude-Levi-Strauss

Britannica Editors, -B. (2025, Oct 22). *Yinyang*. Retrieved from Britannica: https://www.britannica.com/topic/yinyang

Caneva, G., & et. al. (2023). Plants as Symbols of Power in the Achaemenid Iconography of Ancient Persian Monuments. *Plants (Basel), 12*(23), 3991. doi:10.3390/plants12233991

Chambers, G. (2025). Chanoyu's soundscape: its social aesthetics and Yûgen sensibilities. *Journal of Aesthetics & Culture, 17*(1), 2564556. doi:10.1080/20004214.2025.2564556

Chinasage. (2024, Oct 8). *Yin and Yang in Chinese traditions*. Retrieved from Chinasage: https://www.chinasage.info/yin-yang.htm

Clave, P. (2024). Aesthetic conceptions and cultural symbols in traditional Chinese painting. *Trans/Form/Ação: Revista de Estudos Culturais, 47*(4), 89 108 —. doi:10.1590/0101-3173.2024.v47.n4.e0240066

Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2024). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches* (5th ed.). Thousand Oaks, California: SAGE Publications Inc.

Cummins, A. (2021). *The Ultimate Guide to Yin Yang: An Illustrated Exploration of the Chinese Concept of Opposites.* London: Watkins Media Limited.

Cumpton, M. (2025, 01 01). *Wabi-Sabi, The Japanese aesthetic of imperfection*. Retrieved from Aesthetics of Design: https://www.aesdes.org/2025/01/21/wabi-sabi-the-japanese-aesthetic-of-imperfection/

De BARY, W. T. (1995). The Vocabulary of Japanese Aesthetics, I, II, III. In *Japanese Aesthetics and Culture: A Reader* (pp. 43-76). Albany: SUNY Press.

de Castro, E. V. (2025). Claude Lévi-Strauss. *Social*

Sabi in the Context of Japanese Aesthetics. *The Asian Conference on Cultural Studies.* Tokyo, Japan: The IAFOR Research.

Baoshan, M. (2019). *Cosmology and Logic in the Dao of Changes.* (H. Wen, & C. A. Hale, Eds.) University of Hawaii Press.

Baranyiné Kóczy, J., & et. al. (2024). *Cultural Linguistics and the Social World.* Singapore: Springer. doi:10.1007/978-981-97-6192-0

Barnea-A, G. (2025). Deciphering Arachosian Tribute at Persepolis: Orthopraxy and Regulated Gifts in the Achaemenid Empire. *Religions, 16*(8), 965. doi:10.3390/rel16080965

Barnea-B, G. (2025). The Significance of ṛtâcâ brzmniy in Xerxes' Cultic Reform. *Iran and the Caucasus, 29*(2), 131-152. doi:10.1163/1573384X-02902002

Barnea-C, G. (2025). Some Achaemenid Zoroastrian Echoes in Early Yahwistic Sources. *Iran-Journal of the British Institute of Persian Studies, 63*(2), 234-243. doi:10.1080/05786967.2025.2494602

Barry, B. (2024, December 25). *Wabi-sabi: The Japanese art of imperfection*. Retrieved from Tokyo Reporter: https://www.tokyoreporter.com/culture/wabi-sabi-the-japanese-art-of-imperfection/

Bartholomae, C. (2012). *Altiranisches Wörterbuch.* Berlin, Germany: Walter de Gruyter.

Bauernschmidt, D., & et. al. (2025). Applying qualitative comparative analysis in a systematic review: Lessons learnedNutzung der Qualitative Comparative Analysis (QCA) in einem systematischen Review: Lessons Learned. *ZEFQ, 196*, 82-86. doi:10.1016/j.zefq.2025.03.013

Bayani, S. (2025). An Analysis of the Relationship Between Kintsugi and Wabi-Sabi in the Context of Contemporary Thought: From the Aesthetics of Imperfection to the Philosophy of Impermanence. *Perspectives on Art and Beyond, 2*(2), 73-80. doi:10.48313/pab.v2i2.43

Boyce, M. (1969). On Mithra's part in Zoroastrianism. *Bulletin of SOAS, 32*(1), 10-34. doi:10.1017/S0041977X00093678

Boyce, M. (2000). *Zoroastrians (The Library of Religious Beliefs and Practices)* (2nd ed.). NewYork: Routledge.

Gnoli, G. (2013, September 5). INDO-IRANIAN RELIGION. *Encyclopædia Iranica, XIII*(1), 97-100. Retrieved from Encyclopædia Iranica.

Grabar, O. (2005). The Aura of Kings, Legitimacy and Divine Sanction in Iranian Kingship, Abolala Soudavar, Costa Mesa, 2003, ISBN 1-568-59109-8, 144 pp. of text, 123 figures on 23 pages. *Iranian Studies, 38*(3), 518-520. doi:10.1017/S0021086200021071

Gregory, J. (2025). *The Tradition of Natural Taoism: The Way of Free and Easy Wandering in Oneness*. Rochester, Vermont, United States: Inner Traditions.

Grestenberger, L. (2023, 10 20). *LAW AND ORDER: A STORY OF *O IN INDO-IRANIAN*. Retrieved from Austrian Academy of Sciences-Institute of Iranian Studies: https://www.oeaw.ac.at/en/ifi/blog/detail/law-and-order-a-story-of-o-in-indo-iranian

Haga, K. (1989). The Wabi Aesthetic through the Ages," and Sen Sôshitsu XV, "Reflections. In *Tea in Japan.* Honolulu: University of Hawaii Press.

Harrison, V. S. (2012). *Religion and Modern Thought.* London: SCM Press.

He, Q.-W., & Li, N. (2024). Exploration of the relationship between the astronomical calendar and the originsof Qi, Yin and Yang, and the Five Elements. *History and Philosophy of Medicine, 6*(3), 13. doi:10.53388/HPM2024013

Huberman, A. M., Saldana, J., & Miles, M. B. (2019). *Qualitative Data Analysis - International Student Edition: A Methods Sourcebook.* Thousand Oaks, California: SAGE Publications Inc.

Jeffrey, D. M. (2021). Ancient Daoist Wisdom and Its Associated Principle of Yin-Yang. *Philosophical Inquiry in Education, 28*(3), 237-250. doi:10.7202/1085078ar

Joshi, D. K. (2024). *Putting Daoist Thought into Practice.* NewYork: Routledge.

Juniper , A. (2011). *Wabi Sabi: The Japanese Art of Impermanence (English Edition)* (Kindle ed.). Tokyo: Tuttle Publishing.

Kakouris, G. (2023). Frashokereti: Restoring the Creation from a Zoroastrian Eschatological Perspective. *Journal of Ancient Iranian Studies, Analysis, 69*(1). doi:10.3167/sa.2025.690104

Dilthey, W. (1988). *Introduction to the Human Sciences: An Attempt to Lay a Foundation for the Study of Society and History.* (R. Betanzos , Trans.) Wayne State University Press.

Dilthey, W., & et. al. (2019). *Wilhelm Dilthey: Selected Works, Volume VI.* Princeton: Princeton University Press. doi:10.1515/9780691197371

Dizikes, P. (2023, December 20). *Fengshui in the Qing Dynasty courtroom*. Retrieved from MIT News: https://news.mit.edu/2023/tristan-brown-laws-of-land-book-1220

Doniger, W. (2010). Claude Lévi-Strauss's theoretical and actual approaches to myth. In *The Cambridge Companion to Lévi-Strauss* (pp. 196-216). Cambridge: Cambridge University Press. doi:10.1017/CCOL9780521846301

Duchesne-Guillemin, J. (1973). *Religion of Ancient Iran.* Prabhadevi, Mumbai, India: Tata McGraw-Hill Publishing Company Limited.

Dusinberre , E., & et. al. (Eds.). (2020). *The Art of Empire in Achaemenid Persia.* Leuven, Belgium : Peeters-university city of Leuven.

El Sherif, R., & et. al. (2024). Using qualitative comparative analysis as a mixed methods synthesis in systematic mixed studies reviews: Guidance and a worked example. *Research Synthesis Methods, 15*(3), 450-465. doi:10.1002/jrsm.1698

etymonline. (2025, 11 14). *Origin and history of harmony*. Retrieved from etymonline: https://www.etymonline.com/word/harmony

Fallahnejad, A. (2025). The Philosophy of Wabi-Sabi in Japanese Culture and its Effects on Modern Lifestyle for Young Japanese. *Journal of Academic Ethics, 1*.

Feak, C. B., & Swales , J. M. (2012). *Academic Writing for Graduate Students: Essential Tasks and Skills* (3rd ed.). Ann Arbor, Michigan : The University of Michigan Press.

Flick, U. (2022). *An Introduction to Qualitative Research* (7th ed.). Thousand Oaks, California: SAGE Publications Ltd.

Gaz, A. (2022). *Linguistic Worldview(s)*. NewYork: Routledge.

Gnoli, G. (2000). *Zoroaster in History.* New Haven, Connecticut: Amer Oriental Society.

Foundations of East Asian Cognition: Contradiction, Change, and Holism (pp. 35-80). New York: Oxford Academic. doi:10.1093/oso/9780199348541.003.0002

Li, X. (2024). Analysis of the Aesthetics of Japanese Tea Ceremony. *Critical Humanistic Social Theory, 1*(2), 6-12. doi:10.62177/chst.v1i2.54

Lincoln, B. (2012). *Happiness for Mankind: Achaemenian Religion and the Imperial Project.* Leuven, Belgium: Peeters Publishers.

Liu, P. (2024). Laozi's Ecofeminist Ethos: Bridging Ancient Wisdom with Contemporary Gender and Environmental Justice. *Religions, 15*(5), 599. doi:10.3390/rel15050599

Lubotsky, A. (2018). Indo-Iranian : the phonology of Proto-Indo-Iranian. In J. Klein, & et. al. (Eds.), *Volume 3 Handbook of Comparative and Historical Indo-European Linguistics* (pp. 1875 - 1888). Berlin, Boston: De Gruyter Mouton. doi:10.1515/9783110542431-031

Ma, Z. G. (2024). *The Tao of Cosmos.* Rochester, Vermont: Park Street Press.

Maria Tu, C. (2023). Reversal Is the Movement of the Way: The Deleuzian Reconceptualization of Daoist Paradox. *Religions, 14*(11), 1392. doi:10.3390/rel14111392

Matos, L. C., & et. al. (2021). Understanding Traditional Chinese Medicine Therapeutics: An Overview of the Basics and Clinical Applications. *Healthcare (Basel), 9*(3), 257. doi:10.3390/healthcare9030257

Maxwell, J. A. (2023). *Qualitative Research Design: An Interactive Approach* (4th ed.). Thousand Oaks, California: Corwin Press Inc.

McLachlan Jeffrey, D. (2021). Ancient Daoist Wisdom and Its Associated Principle of Yin-Yang for Contemporary Classrooms as Foundations for a Harmonious World. *Philosophical Inquiry in Education, 28*(3).

Mehr, F. (2003). *The Zoroastrian Tradition: An Introduction to the Ancient Wisdom of Zarathushtra.* Costa Mesa, CA: Mazda Pub.

Mehr, F. (2025). *Asha (God's Will)*. (D. G. McIntyre, Editor) Retrieved from An Introduction to the Gathas of Zarathushtra: https://www.zarathushtra.com/z/article/dgm/vol2.htm

Merkelbach , R. (Jan, Jan 23). *Mithraism*. Re- *3*(8), 43-56.

Keene, D. (1995). Japanese Aesthetics. In N. G. HUME (Ed.), *Japanese Aesthetics and Culture: A Reader* (pp. 27-41). Albany: SUNY Press.

Kellens, J., & Skjaevo, P. O. (2000). *Essays on Zarathustra and Zoroastrianism.* Costa Mesa, California: Mazda Pub.

Kim, D., & et. al. (2024). Discussion and Proposal of Alternatives for the Ecological Environment from a Daoist Perspective. *Religions, 15*(2), 142. doi:10.3390/rel15020142

Kohn, L. (2019). *Daoism.* NewYork: Routledge.

Koltko-Rivera, M. E. (2004). The Psychology of Worldviews. *Review of General Psychology, 8*(1), 3-58. doi:10.1037/1089-2680.8.1.3

Koren, L. (2008). *Wabi-sabi for Artists, Designers, Poets & Philosophers.* Grayshott, England: Imperfect Publishing.

Kovshova, M. (2023). The Role of Linguocultural Studies in Modern Times: Basic Principles and Method of Research. *RUDN Journal of Language Studies, Semiotics and Semantics, 14*(3), 745-756. doi:10.22363/2313-2299-2023-14-3-745-756

Lang, Y., & Liangzhi, Z. (2024). *Insights into Chinese Culture.* Singapore: Palgrave Macmillan. doi:10.1007/978-981-97-4511-1

Lanoue, S. (2024, Feb 1). *Exploring the Essence of Taoism Philosophy*. Retrieved from Of One Tree: https://ofonetree.com/exploring-the-essence-of-taoism-philosophy/

Lent, J. (2021). *The Web of Meaning: Integrating Science and Traditional Wisdom to Find Our Place in the Universe.* Gabriola Island, BC: New Society Publishers.

Leong, D. (2023). A new dialogue on Yijing -the book of changes in a world of changes, instability, disequilibrium and turbulence. *Asian Philosophy, 33*(3), 208-232. doi:10.1080/09552367.2023.2196156

Levi-Strauss, C. (2021). *Structural Anthropology Zero.* Cambridge: Polity Press.

Li, P. P. (2018). The Epistemology of Yin-Yang Balancing as the Root of Chinese Cultural Traditions: The Indigenous Features and Geocentric Implications. In J. Spencer-Rodgers, & K. Peng (Eds.), *The Psychological and Cultural*

Pignocchi, T. (2023). Ordinary Aesthetics and Ethics in the Haiku Poetry of Matsuo Bashô: A Wittgensteinian Perspective. *Open Philosophy, 6*(1), 20220255. doi:10.1515/opphil-2022-0255

Radcliffe, S. (2025). *Wabi-Sabi: The Japanese Art of Impermanence*. Retrieved from Science and Nonduality (SAND): https://scienceandnonduality.com/article/wabi-sabi-the-japanese-art-of-impermanence/

Ragin, C. C. (2014). *The Comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies.* Berkeley, California: University of California Press.

Railey, J. M. (1997). Dependent Origination and the Dual-Nature of the Japanese Aesthetic. *Asian Philosophy, 7*(2), 123-133.

Raphals, L. (2020, Winter). *Science and Chinese Philosophy*. Retrieved from The Stanford Encyclopedia of Philosophy: https://plato.stanford.edu/archives/win2020/entries/chinese-phil-science/

Repko , A. F., & Szostak, R. (2016). *Interdisciplinary Research: Process and Theory* (4th ed.). Thousand Oaks, California: SAGE Publications Inc.

Rose , J. (2011). *Zoroastrianism: A Guide for the Perplexed.* London: Continuum Publishing Corporation.

Rose, J. (2019). *Zoroastrianism: An Introduction (I.B.Tauris Introductions to Religion)*. London: Bloomsbury Academic.

Rosemont Jr, H., & Ames, R. T. (2016). *Confucian Role Ethics: A Moral Vision for the 21st Century? (Global East Asia, 5)* (Aufl ed.). Göttingen, Germany: V&R Academic.

Rousseau, D., & Billingham, J. (2018). A Systematic Framework for Exploring Worldviews and Its Generalization as a Multi-Purpose Inquiry Framework. *Systems , 6*(3), 27. doi:10.3390/systems6030027

Sadeghpour, M., & Sharifian, F. (2021). *Cultural Linguistics and World Englishes.* Singapore: Springer. doi:10.1007/978-981-15-4696-9

Sadovski, V. (2023). A Step Forward in Reaching toward the Indo-Iranian Background of the Avestan and Vedic Liturgies. *Indo-Iranian Journal, 66*(2), 149-183. doi:10.1163/15728536-

trieved from Britannica: https://www.britannica.com/topic/Mithraism

Miller, J. P., Li, X., & Ruan, T. (2022). *Taoism, Teaching, and Learning.* Toronto : University of Toronto Press.

Mochinaga, K. (2023). *Kintsugi: The Wabi Sabi Art of Japanese Ceramic Repair.* North Clarendon, Vermont: Tuttle Publishing.

Mukhopadhyay, S., & et. al. (2025). Wabi-sabi: A Tale of Reformation. *Educational Quest- An International Journal of Education and Applied Social Sciences, 16*(2), 135-139.

Nalbandë, H. (2025). *Iran and Persepolis II* (Kindle ed.). Horseshoer Publishing.

New Worid Encyclopedia. (2024, June 25). *Harmony*. Retrieved from New Worid Encyclopedia: https://www.newworldencyclopedia.org/entry/Harmony

Nolan, D. (2025). *Zoroastrianism and Contemporary Philosophy.* Cambridge : Cambridge University Press.

Nordlander, A. (2024). A Standing Invitation to the Gods: Philosophy of Religion and the Phenomenology of the Sacred. *Religions, 15*(1), 137. doi:10.3390/rel15010137

Olsen, W. (2025, 11 01). *Qualitative comparative analysis*. Retrieved from methods@manchester: https://www.methods.manchester.ac.uk/archive/case-studies/qualitative-comparative-analysis/

Paltridge, B., & Starfield, S. (2019). *Thesis and Dissertation Writing in a Second Language: A Handbook for Students and their Supervisors* (2nd ed.). London: Routledge. doi:10.4324/9781315170022

Parkes, G., & Loughnane, A. (2023, Winter). *Japanese Aesthetics*. Retrieved from The Stanford Encyclopedia of Philosophy: https://plato.stanford.edu/archives/win2023/entries/japanese-aesthetics/

Pearson, M. J., & Major, J. S. (2025). *The Original I Ching.* North Clarendon, VT: Tuttle Publishing.

Peschl, B. (2025, 11 14). *Zoroastrianism and Ecology*. Retrieved from Yale Forum on Religion and Ecology: https://fore.yale.edu/World-Religions/Zoroastrianism/Overview-Essay

ten Masterpiece. In K. Seigneurie (Ed.), *A Companion to World Literature.* Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons. doi:10.1002/9781118635193

Smarandache, F. (2024). The Dynamic Interplay of Opposites in Zoroastrianism. *Journal of Fuzzy Extension and Applications, 5*(1), 1-5. doi:10.22105/jfea.2024.190173 0.22105

Smith, H. F., & Laitman, J. T. (2023). The yin, yang, and anatomy of Traditional Chinese Medicine in The Anatomical Record. *The Anatomical Record, 306*(12), 2915-2919. doi:10.1002/ar.25337

Song, W., & Cao, H. (2022). The Reality and Application of Yin and Yang. *Chinese Medicine, 13*(2). doi:10.4236/cm.2022.132003

Starlyte, D. G. (2025). The Realisation of Emptiness in Zen Satori: A Narrative Review. In P. Jones (Ed.), *Happiness and the Psychology of Enlightenment.* London: IntechOpen. doi:10.5772/intechopen.1007467

Stausberg, M. (Ed.). (2018). *Zoroastrian Rituals in Context* (E-Book (PDF) ed.). Leiden, Netherlands: BRILL. doi:10.1163/9789047412502

Stausberg, M., & al., e. (Eds.). (2023). *The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism.* John Wiley & Sons, Ltd. doi:10.1002/9781118785539

Stefon , M. (2025, Nov 6). *phenomenology of religion*. Retrieved from Encyclopedia Britannica: https://www.britannica.com/topic/phenomenology-of-religion

Stenmark, M. (2022). Worldview studies. *Religious Studies, 58*(3), 564-582. doi:10.1017/S0034412521000135

Stow Mead, G. R. (2008). *The Zend Avesta, Part 1 of 3: The Vendidad.* London: Forgotten Books.

Sullivan, M. (2020). *The Birth of Landscape Painting in China* (Reprint ed.). California: University Of California.

Suzuki, N. (2021). *Wabi Sabi: The Wisdom in Imperfection.* North Clarendon, VT.

Takada, S. (2025, June 15). *What is Wabi-Sabi? A Beginner's Guide to the Japanese Art of Imperfection*. Retrieved from Wabi-Sabi Journey: https://wabisabi-journey.com/what-is-wabi-sabi-a-beginners-guide-to-the-japanese-art-of-imperfection/

06602005

SAITO, Y. (1997). The Japanese Aesthetics of Imperfection and Insufficiency. *The Journal Aesthetics and Art Criticism, 55*(4), 377-385.

Saito, Y. (2017). *Aesthetics of the Familiar.* Oxford : Oxford University Press.

Saito, Y. (2022). *Aesthetics of Care: Practice in Everyday Life.* New York: Bloomsbury Academic.

Schabert, T., & Heyking, J. v. (2020). Human History, Its Aims and Its End, according to the Zoroastrian Doctrine of Late Antiquity. In *Wherefrom Does History Emerge?: Inquiries in Political Cosmogony* (pp. 97-122). Berlin, Boston: De Gruyter.

Schilling, D. (2020). *I Ching: The Book of Changes* (Deluxe ed.). New York: Flame Tree Collections.

Schmidt, H.-P. (2018, May 14). *MITHRA i. MITRA IN OLD INDIAN AND MITHRA IN OLD IRANIAN*. Retrieved from Encyclopædia Iranica: https://www.iranicaonline.org/articles/mithra-i/

Schönfeld , M., & Chen , X. (2019). Daoism and the Project of an Ecological Civilization or Shengtai Wenming 生态文明. *Religions, 10*(11), 630. doi:10.3390/rel10110630

Shaked, S. (2014, January 28). *ESCHATOLOGY i. In Zoroastrianism and Zoroastrian Influence*. Retrieved from Encyclopædia Iranica: https://www.iranicaonline.org/articles/eschatology-i/

Sharifian, F. (2017). *Cultural Linguistics: Cultural conceptualisations and language.* Amsterdam, Netherlands: John Benjamins Publishing Company.

Sire, J. W. (2020). *The Universe Next Door: A Basic Worldview Catalog.* Downers Grove, IL: IVP Academic.

Siyi, D., & Ayob, S. (2024). From Aesthetics to Design: Sustainability of Wabi-sabi in Ceramic Product Design in the Contemporary Context. *Idealogy Journal, 9*(1). doi:10.24191/idealogy.v9i1.530

Skjaervo, P. O. (2011). *The Spirit of Zoroastrianism.* New Haven, Connecticut: Yale University Press.

Skjærvø, P. O. (2020). The Gathas, a Forgot-

v9.308

Vania, N. (2026, 01 29). *The Gathas and Contemporary Moral Philosophy*. Retrieved from A Zoroastrian Educational Institute: http://www.zoroastrian.org.uk/vohuman/Article/The%20Gathas%20and%20Contemporary%20Moral%20Philosophy.htm

Vazquez, P. (2022). *The Sacred Gathas of Zarathushtra & the Old Avestan Canon: A Modern Translation of Ancient Wisdom.* India, Indonesia, Thailand: Mantra Books.

Võ Vãn , D. (2024). Yin — Yang Theory in Chinese Philosophy and Its Contribution to the Implementation of Gender Equality in Vietnam. *Fragmentos de Filosofía*.

Wang, R. R. (2025, 11 10). *Yinyang (Yin-yang)*. Retrieved from Internet Encyclopedia of Philosophy: https://iep.utm.edu/yinyang/

Waters, M. (2014). *Ancient Persia: A Concise History of the Achaemenid Empire, 550-330 BCE.* Cambridge : Cambridge University Press.

Wilkinson, D. (2022). Wabi-sabi: a virtue of imperfection. *Journal of medical ethics, 48*(11), 937-938. doi:10.1136/medethics-2021-108074

Wu, B., & Muhs, A. L. (2024). *Human Body Fengshui: An Almanac of Inner Daoist Cosmology.* Gulfport, Florida: Three Pines Press.

Xie, M., & Mao, Y. (2025). Integrating Fengshui and environmental psychology into contemporary architecture design for enhanced occupant well-being. *City Diversity, 6*(1). doi:10.54517/cd3036

Xinyan, X. (2013). Chinese Dialectical Thinking—the Yin Yang Model. *Philosophy Compass, 8*(5), 438 446 —. doi:10.1111/phc3.12035

Yazdi. (2025, March 03). *Gathas 101 - Class 1 to 5*. Retrieved from ZOROASTRIANS.NET: https://zoroastrians.net/2025/03/03/gathas-101-class-1-of-5

Yin, Q., & et. al. (2024). Yin-Yang Balance Concepts for Clinical Diagnosis and Treatment: An Integrated View of Chinese Medicine, Anesthesiology, and Quantum Mechanics. *Transl Perioper Pain Med, 11*(1), 560-573.

Zaehner, R. C. (2011). *The Dawn And Twilight Of Zoroastrianism.* Whitefish, Montana: Literary Licensing, LLC.

Tanaka, J. C. (2025). The Concept of Emptiness in Wabi-Sabi Aesthetics and Its Influence. *Art and Society, 4*(2). doi:10.56397/AS.2025.02.02

Thomann, E., & et. al. (2022). Approaches to Qualitative Comparative Analysis and good practices: A systematic review. *Swiss Political Science Review, 28*(3), 557-580. doi:10.1111/spsr.12503

Thomann, E., & Maggetti, M. (2020). Designing Research With Qualitative Comparative Analysis (QCA): Approaches, Challenges, and Tools. *Sociological Methods & Research, 49*(2), 356-386. doi:10.1177/0049124117729700

Tilly, C. (1989). *Big Structures, Large Processes, Huge Comparisons.* New York: Russell Sage Foundation.

Tu, C. M. (2023). Reversal Is the Movement of the Way: The Deleuzian Reconceptualization of Daoist Paradox. *Religions, 14*(11), 1392. doi:10.3390/rel14111392

Tunçbilek, ª. S. (2025). Claude Lévi-Strauss Today. *Ýstanbul University Journal of Sociology, 45*(1), 1-31. doi:10.26650/10.26650/SJ.2025.45.1.0001

Tze-ki, H. (2025). Cosmic Flow and Human Action: Philosophical Intersections between the Yijing and Whitehead's Process Cosmology. *Journal of Contemporary Chinese Philosophy, 1*(1), 5-25. doi:10.1163/29502799-bja10006

Tzu, L. (2012). *Tao Te Ching: A New Translation with Commentary* (Kindle ed.). (E. M. Chen, Trans.) St. Paul, Minnesota: Paragon House.

Uuchitani, A. (2025, 11 14). *Wabi Sabi - The Truth: The Japanese Art of Manifesting*. Retrieved from AzumiUchitani: https://www.azumiuchitani.com/wabisabi/

Vale, N., & Santos, L. (2024). *Ahura Mazda and the Divine Order: The Ancient Wisdom of Zoroastrianism.* Cambridge, MA: The MIT Press.

Valk, J. (2021). *Worldviews.* Cham: Palgrave Macmillan. doi:10.1007/978-3-030-82491-4

Valk, J. (2021). *Worldviews.* Cham: Palgrave Macmillan. doi:10.1007/978-3-030-82491-4

Van Bui, T. (2025). Anatta (No Self) in Buddhism Through the Lens of Modern Psychology. *International Journal of Social Sciences and English Literature, 9*(3), 7-12. doi:10.55220/2576683x.

Zaehner, R. C. (2021). *The Teachings of the Magi: A Compendium of Zoroastrian Beliefs* (eBook ed.). London: Routledge. doi:10.4324/9781003241461

Zhang, D. (2013). *Key Concepts in Chinese Philosophy.* (E. Ryden, Trans.) New Haven, Connecticut: Yale University Press.

Zhang, H. (2023). The Information Philosophy Implication of Yin-Yang. *computer sciences and mathematics forum, 8*(1), 27. doi:10.3390/cmsf2023008027